

تاریخ خرمشهر
دو قرن مقاومت

(۱۹۸۲-۱۸۱۲م)

یاسر خلفی

فهرست

- ۱..... مقدمه
- ۴..... فصل اول: یورش عثمانی به خرمشهر
- ۵..... پیشینه خرمشهر
- ۶..... اولین نبرد در تاریخ خرمشهر
- ۹..... حمله علیرضا پاشا به خرمشهر
- ۱۲..... فصل دوم: جنگ ایران و انگلیس در خرمشهر
- ۱۳..... جنگ ایران و انگلیس در سال ۱۸۵۷م و اشغال خرمشهر
- ۱۵..... جنگ محمره (خرمشهر)
- ۲۸..... فصل سوم: خرمشهر در جنگهای جهانی
- ۲۹..... زمینه های بروز جنگ جهانی اول
- ۳۰..... خرمشهر و جنگ جهانی اول
- ۳۰..... جنگ جهانی اول در خوزستان
- ۳۱..... آغاز نبرد در خوزستان و بین النهرین
- ۳۴..... ایران در جنگ جهانی دوم
- ۳۴..... زمینه های آغاز جنگ جهانی دوم

- مواضع ایران در قبال جنگ جهانی دوم ۳۷
- حمله به بندر شاهپور ۳۹
- حمله به آبادان ۴۳
- حمله به بندر خرمشهر ۴۵
- فصل چهارم: خرمشهر در بحران ۵۱
- قومیت گرائی و تمایلات تجزیه طلبانه در فاصله
شهریور ۱۳۲۰ تا بهمن ۱۳۵۷ ۵۲
- سیاست انگلیس در قبال خوزستان ۵۶
- موج عربی ۵۷
- نگاهی به درگیریهای خرمشهر در خرداد ۱۳۵۸ ۶۱
- روزشمار غائله خلق عرب ۶۷
- فصل پنجم: خرمشهر در جنگ تحمیلی ۹۵
- زمینه ها و دلایل آغاز جنگ از سوی رژیم عراق ۹۶
- استعداد انپروهای مسلح عراق قبل از تجاوز به ایران ۱۰۵
- حمله سراسری عراق ۱۱۲
- حماسه ۳۴ روز مقاومت ۱۱۹

- روزشمار مقاومت خونین شهر ۱۲۹
- عملیات بیت المقدس (فتح خرمشهر) ۱۳۸
- شرح عملیات ۱۴۳
- مرحله اول ۱۴۳
- مرحله دوم ۱۴۴
- مرحله سوم ۱۴۵
- مرحله چهارم عملیات از ۱ تا ۴ خرداد ۱۴۵
- میزان انهدام یگانهای دشمن ۱۴۸
- پیام حضرت امام خمینی قدس سره ال شریف به مناسبت عملیات
بیت المقدس و فتح خرمشهر ۱۵۹
- آزادسازی خرمشهر از زبان مسئول اطلاعات ارتش عراق ۱۶۲
- منابع و مأخذ ۱۶۹

بی تردید یکی از بارزترین صفات ایرانیان در طول تاریخ که آنان را از سایر ملل متمایز می‌سازد، دلیری و مقاومت در برابر بیگانگان و تسلیم ناپذیری آنان در مقابل متجاوزان به سرزمین خویش است بطوری که کتابهای تاریخی مملو از سرگذشت پهلوانانی است که یک تنه در برابر دشمن خونخوار و متجاوز ایستادگی کرده و آنان را به شکست وادار نموده است. آریوبرزن پس از شکست سپاه داریوش سوم هخامنشی از اسکندر بارها در مقابل نیروهای این سردار مشهور مقاومت کرده و آنها را شکست داده است. جلال الدین خوارزمشاهی هنگامی که پدرش قطب الدین محمد به جای رویارویی با نیروهای مغول از مقابل آنان گریخت و سرنوشت مردم ایران را به دست این قوم خونخوار سپرد، یک تنه در برابر خیل عظیم مغولان قرار گرفت و در چندین جنگ توانست آنان را شکست دهد.

خرمشهر از جمله شهرهائی است که نام آن در نزد ایرانیان به استقامت و پایمردی شهره است. شهری که علی‌رغم تاریخ و پیشینه نه چندان بلند، نامی بلند آوازه در مواجهه با دشمنان و اشغال‌گران داشته است و تاریخ این شهر مملو از رشادتهای مردانی است که در طی زمان صفحات افتخارآمیزی را از خود به یادگار نهادند از سرتیپ آقا جانی خان و حاج جابرخان در جنگ ایران و انگلیس گرفته تا شهیدان جنگ جهانی دوم چون شهید غلامعلی بایندر، هریسچی، میلانین... و بالاخره شهیدان حماسه مقاومت ۳۴ روزه و حماسه سوم خرداد، شهیدان محمدعلی جهان‌آرا، شهید عبدالرضا موسوی، شهید آلبوغبیش، شهید حسینی، شهید تحریری، و....

کتاب حاضر روایت دو قرن مقاومت و ایستادگی مردمان این خطه از خاک جمهوری اسلامی ایران است، که به دور از هرگونه تعصب قومی و نژادی، و دخیل دادن نظرات و آراء شخصی می‌کوشد سیر حوادث را براساس منابع مستند و معتبر تاریخی، صرفاً روائی و نه تحلیلی آن‌گونه که روی داده است، بازگو کند تا نسل امروز و نسل‌های آینده بدانند که میراث‌دار خون‌بهای شهیدانی هستند که از قرن نوزدهم تا پایان قرن بیستم میلادی برای اعتلا و سربلندی میهن‌شان مرگ با عزت را بر زندگی ذلیلانه و زبونانه ترجیح دادند و نام خود را در تاریخ خرمشهر و ایران جاودانه ساختند.

این کتاب در پنج فصل نگاشته شده است. فصل اول هجوم همسایه غربی یعنی دولت عثمانی در اوائل قرن نوزدهم به خرمشهر را مورد بررسی قرار می‌دهد

فصل دوم تجاوز انگلیس به خرمشهر و اشغال این شهر در سال ۱۸۵۷ میلادی را بررسی می‌کند

در فصل سوم کتاب ابتدا نگاهی به علل و چرایی آغاز جنگ‌های جهانی در سالهای ۱۹۱۴ و ۱۹۴۰ میلادی انداخته و سپس وضعیت خرمشهر و خوزستان را در جنگ‌های جهانی اول و دوم مرور می‌کنیم.

فصل چهارم کتاب، به مسئله بحران قومی و جریانهای تجزیه‌طلبی در خرمشهر از زمان براندازی حکومت شیخ‌خزعل تا پیروزی انقلاب اسلامی، جریان خلق عرب، پیامدها و اثرات این جریانها در ترغیب و تشویق رژیم بعث عراق جهت حمله به ایران و آغاز جنگ تحمیلی می‌پردازد.

در فصل پایانی، یورش ددمنشانه و مغول‌گونه ارتش صدام به جمهوری اسلامی ایران در ۳۱ شهریور ۵۹، مقاومت ۳۴ روزه جوانان غیور خرمشهر در برابر دشمن متجاوز، عملیات غرورآفرین بیت‌المقدس و آزاد سازی خرمشهر در سوم خرداد و در نهایت پیام امام خمینی (ره) به مناسبت این روز و این رویداد بزرگ، را مرور می‌کنیم

یورش عثمانی به خرمشهر

پیشینه خرمشهر

براساس نوشته‌های اکثر منابع تاریخی خرمشهر در سال ۱۸۱۲ میلادی توسط حاج یوسف آلبوکاسب (عموی شیخ خزعل) بنا گردید.

در آن دوره، قرن سیزدهم هجری، تیره‌ای از طایفه بنی‌کعب به نام آلبوکاسب که شیخ مرداو بن علی بن کاسب بزرگ آن بوده، در محمره (خرمشهر) زندگی می‌کرده‌اند. پس از فوت شیخ مرداو، فرزند او حاج یوسف جانشین وی می‌گردد. با توجه به آنکه در آن زمان شهر محمره (خرمشهر) بخشی از قلمرو شیخ ثامر بنی‌کعب، شیخ‌المشایخ فلاحیه (شادگان امروزی) محسوب می‌گردیده، شیخ آلبوکاسب نیز تحت حکمرانی او بوده است.

حاج یوسف بنا به دستور شیخ‌المشایخ، شیخ غیث بن غضبان، بندرگاه کوت‌المحمره را احداث می‌نماید. این اقدام مدبرانه نقطه عطفی در تاریخ شهر خرمشهر محسوب گردیده و آغازی می‌گردد بر شکوفایی و رونق اقتصادی این بندر که در پی خود آبادی و آبادانی این شهر را به همراه می‌آورد. ساکنان عرب این ناحیه که اکثراً از اعضاء خاندان بنی-کعب از دودمان آلبوکاسب که نسب آنها به مرداو بن علی بن کاسب می‌رسید. بودند، به مرور زمان و به ویژه در فاصله اواخر حکومت آغا محمدخان تا اوایل دوران حکومت محمدشاه قاجار ده کوچک و سرسبز محمره را که از نعمت آب فراوان دو رودخانه آب شیرین اروندرود و کارون برخوردار بود و بندرگاه آن جانی گرفته و از رونقی قابل توجه

برخوردار بوده را توسعه داده تا جائی که این بندر در اواخر دوره قاجاریه رقیب عمده‌ای برای بندر مهم بصره در عراق محسوب می‌گردیده است^۱

اولین نبرد در تاریخ خرمشهر

به فاصله کمتر از دو دهه از بنای خرمشهر، حاکم ترک بصره به کمک خاندان آل صباح این شهر را مورد تجاوز قرار داده و به نوشته حسین خلف خزعل نویسنده کوییتی تا منطقه دره (خیابان مبارز کنونی) پیشروی کردند اما مردم این شهر مقاومتی که عمدتاً از قبیله محیسن بودند به کمک عشایر بنی کعب فلاحیه (شادگان) توانستند آنان را از خرمشهر بیرون رانده و شکست سختی را به نیروهای متجاوز وارد نمایند.

نبرد شیخ غیث با والی بصره و شیخ کویت در خرمشهر

در سال ۱۸۲۴م عهدنامه‌ای بین شیخ غیث و شیخ حمود بن ثامر شیخ منتفک^۲ بصره منعقد و به موجب آن در مواقع جنگ منتفک و بنی کعب در کنار یکدیگر قرار گرفته و بر ضد دشمن مشترک وارد جنگ می‌شوند.

داود پاشا والی جدید بغداد که از شیخ حمود الثامر دل خوشی نداشت از اختلاف بین او و برادرزاده اش عقیل بن محمد استفاده کرده ضمن پناه دادن به نامبرده در سال ۱۸۲۶ نیروی بزرگی را مجهز و به همراه عقیل بن محمد روانه جنگ با شیخ حمود کرد.

^۱ دو هزار سال تاریخ خرمشهر، از خارا کس تا برآمدن آلبوچاسب، یاسر خلفی، ص ۲۵-۲۶

^۲ - امارتی متشکل از چندین عشیره از سال ۱۵۳۰م تا اوائل قرن بیستم، حکومت قسمت‌های زیادی از جنوب و مرکز عراق را در اختیار داشت

حمود پس از آگاهی از حرکت سپاه پاشای بغداد پیامی به متحد خویش شیخ غیث فرستاد و او را از ماجرای یورش قوای پاشا آگاه نمود و از او درخواست اعزام نیروی کمکی کرد و شیخ غیث نیروئی به فرماندهی دو برادرش مبارز و ثامر مجهز و به سوی بصره گسیل داد.

پس از رسیدن بنی کعب، حمود بصره را از چند جبهه در محاصره گرفت و نیروها را بدین صورت تقسیم کرد بنی کعب و فیصل فرزند حمود جنوب بصره را به محاصره درآوردند و ماجد فرزند دیگر حمود در بخش دیگری از اطراف بصره که به رودخانه معقل معروف بود مستقر گردید و شیخ غیث هم نامه ای به سلطان مسقط فرستاد و از وی کشتی جنگی و نیروی جنگی درخواست کرد.

عزیز آغا فرمانروای بصره که توان روبه رو شدن با قوای بنی کعب و منتفک را نداشت، از شیخ جابر بن صباح شیخ کویت درخواست اعزام نیروی دریائی کرد و امیر کویت با قوای زیر فرمانش در آبهای نزدیک بصره آماده جنگ گردید. از طرفی عزیز آقا هدایائی برای فرمانده قوای دریائی مسقط فرستاد و او را به بی طرفی در جنگ تشویق نمود و با درخواست از سادات و علمای دین، آنان را نزد مبارز و ثامر کعبی فرستاد و از آنان خواست تا آتش بس بین قوای متخاصم به وجود آید و این وساطت پذیرفته شده و برادران شیخ غیث به سوی محمره عقب نشینی کرده و در محرزی مستقر شدند. در پی بازگشت بنی کعب، فیصل و ماجد پسران شیخ منتفک با نیروهای خویش به سوی محمره آمدند و در محلی به نام درّه مستقر شده و بدین سان محاصره بصره پایان یافت.

پس از چندی شیخ عقیل و عزیز آغا به دلیل اینکه شیخ غیث پسران شیخ حمود را پناه داده تصمیم گرفتند که به محمره حمله کنند. پس

نیروی بزرگی را از قبائل عقیل، ربیعه و اهالی جزائر که جمعاً بالغ بر دوهزار سواره و بیست هزار نفر پیاده گرد آورده و به سوی محمره حرکت کرده و در کنار منطقه دربند موضع گرفتند. سپس لشکر خویش را در سه محور تقسیم کرده، محور شمالی به فرماندهی شیخ عقیل، محور جنوبی به رهبری علی الزهیر و محور سوم در اختیار عزیز آغا قرار گرفت.

در اکتبر ۱۸۲۶ برابر با رمضان ۱۲۴۲ قمری جنگی سخت و خونین بین طرفین روی داد که با دادن تلفات جانی و مالی فراوان قوای مهاجم شکست سختی خورد و ناگزیر از عقب نشینی به ابوجذیع گردیدند.

پس از این شکست خفت بار شیخ عقیل و عزیز آغا لشکر شکست خورده خود را جمع کرده و با تجهیز نیروهای تازه نفس از بغداد، ماردین، دیاربکر و عشائری که تحت نفوذشان بودند، خود را برای حمله مجدد به محمره آماده کردند و در نهر ابوجذیع مستقر شدند.

در همین احوال عزیز آقا نامه‌ای به شیخ جابر بن صباح نامه نوشت و از وی درخواست کمک کرد و شیخ کمک به همراه نیروی دریائی خود حرکت کرده و در هارثه مقابل بریم آماده رویارویی شدند.

بنی کعب که آماده نبرد بودند. در ۲۴ صفر ۱۲۴۳ هـ ۱۴۲۷ م با نیروهای مهاجم وارد کارزار شدند که در این جنگ بار دیگر نیروهای شیخ عقیل و عزیز آغا شکست خورده و با دادن تلفات زیاد از قبیل یکصد و پنجاه

اسیر و ۴۰۰ قایق انباشته از برنج و جو و روغن و مقداری اسلحه متواری شده و به سوی ابو جذیع عقب نشینی کردند.^۳

حملة علی رضا پاشا به خرمشهر

اشغال خرمشهر در سال ۱۲۵۳هـ/۱۸۳۷م بدست پاشای بغداد مهمترین رویداد و حادثه‌ای است که تا آن زمان در این شهر نوبنیاد رخ داده بود. درباره اسباب و علل این یورش منابع تاریخی عوامل مختلفی را ذکر کرده‌اند. نزدیک‌ترین منبع به آن دوران که به این واقعه اشاره کرده است، رساله سرحدیه (تحقیقات سرحدیه) نوشته میرزا جعفرخان مشیرالدوله است که به عنوان نماینده ایران در کمیسیون تعیین حدود از طرف محمدشاه انتخاب گردید. ایشان در این باره می‌نویسد: «معلوم ارباب استحضار حالات سالفه است که از عهد نادرشاه مغفور تا زمان تشریف داشتن شاه مغفور طاب ثراه، در محاصره هرات و وقوع قتل و غارت محمره ملک این دولت علیه بدست علیرضا پاشا والی سابق بغداد، ابدأ بخلاف اتحاد و استسلام مشاجره و گفتگوی سرحدّ دولتین علیتین در میان نبود ولکن آن اوقات بعلت آزادی گمرک محمره و خوش سلوکی حاکم روز بروز گمرک بصره و آبادی آنجا مختل، و این معنی بر طبع منافق علیرضا پاشا ناموافق آمده متتهز فرصت می‌بود و به مفاد قل موتوا بغیضکم رفتار می‌نمود، غیبت پادشاه دین‌پناه را از مقر خلافت برای اجرای نیت باطل خود غنیمت و بهترین وسائل فرصت شمرده علی‌الغفله با استعداد زیاد به محمره هجوم آورد و حاکم آنجا با جمعی از اعراب که همان ساعت دست‌رس بود حرکت مذبوحی کرد به مقابله او شتافت.

^۳- دو هزار سال تاریخ خرمشهر، از خاراکس تا برآمدن آلبوچا سب، یا سر خلفی،

و در پیش قشون دولتی همراه علیرضا پاشا بود تاب مقاومت نیاورده، روی برتافت. اکثری از جمعیت او مقتتل و قلیلی به شهر و اطراف فراری و در گوشه اختفا و انزوا متواری گردید. قشون عثمانیه بدون مانع و بلافاصله داخل شهر شده تمامی خانها و کاروانسرا و انبارها را که با اموال تجار دولت علیه پر بود غارت و خیرکی بی‌نهایت کرد، رجال آنجا را قتل و دستگیر و صبیان و نسوان آنها اسیر و بی‌گداد مراجعت نموده^۴»

لسان الملک سپهر همچون مشیرالدوله، علت هجوم پاشای بغداد به محمره را خوش سلوکی و مدارای حاکم محمره با بازرگانان و کاسته شدن عشاری بصره می‌داند: «از بهر آنکه در شهر محمره عوانان حاکم و عشاران با مجتازان و بازرگانان طریق رفیق و مدارا می‌سپردند و از این روی تجار بیشتر حمل خود را به محمره فرود می‌آوردند و از وجه عشاری بصره کاسته می‌شد^۵»

پس منابع قاجاری تنها دلیل حمله علیرضا پاشا به محمره را از رونق افتادن و کاهش درآمد بندر بصره ذکر کرده‌اند.

عبدالنبی قیم در کتاب پانصد سال تاریخ خوزستان به تفصیل این واقعه را شرح داده است. ایشان علاوه بر کاهش درآمد گمرکات بندر بصره عوامل دیگری را در این ماجرا دخیل می‌داند: «نزدیکی انگلیسی‌ها با حاج جابر خان، خشم و غضب فرانسوی‌ها را به دنبال داشت، از این روی فونتانیه کنسول فرانسه در بغداد، دولت عثمانی را علیه حاج جابر تحریک کرده، آنها را به حمله بر محمره تشویق کرد. علاوه بر این فونتانیه

۴ - تحقیقات سرحدیه، میرزا جعفر خان مشیرالدوله، ص ۲-۳

۵ - ناسخ التواریخ، قاجاریه، لسان الملک سپهر، جلد دوم، ص ۷۰۲

فرانسوی مشاور سیاسی و نظامی علیرضا پاشا در این حمله او را همراهی می‌کرد. عامل دیگر خیانت عبدالرضا بن برکات از شیوخ بنی‌کعب است. در این نبرد عبدالرضا بن برکات از خاندان آل‌ناصر و از شیوخ بنی‌کعب نقش مهمی در فریب شیخ ثامر و غافلگیر کردن او داشت. عبدالرضا بن برکات پیش از این بر سر زعامت و رهبری بنی‌کعب با شیخ ثامر، اختلاف و منازعه داشت. از این رو از فلاحیه خارج شده، نزد والی بغداد روزگار می‌گذراند. عبدالرضا در این کارزار، شیخ ثامر و حاج جابر را فریفته، گسیل و رهشپاری سپاه سوی محمره را دگرگونه جلوه داده و آن را سوی بصره قلمداد کرد.^۶»

نکته قابل توجه در این گزارشات آن است که در هیچ کدام از منابع ذکری از فرار و تسلیم شهر، توسط حاج جابر به علیرضا پاشا به میان نیامده است بلکه بالعکس از مقاومت و پایمردی او سخن رفته است. حال اینکه چرا برخی سعی دارند وقایع امور را وارونه جلوه دهند، بر ما معلوم نیست.

^۶ - پانصد سال تاریخ خوزستان، عبدالنبی قییم، ص ۳۳۸-۳۳۹

فصل دوم

جنگ ایران و انگلیس در خرمشهر

جنگ ایران و انگلیس در سال ۱۸۵۷م و اشغال خرمشهر

رخداد مهمی که در نیمه دوم قرن نوزدهم به وقوع پیوست، حمله نیروهای انگلیسی به محمره و اشغال این شهر است. این جنگ که در سال ۱۲۷۳هـ/۱۸۵۷م روی داد اوج دولت خواهی حاج جابر بود و از مهم‌ترین عوامل اعتلا و پیشرفت کار وی به شمار می‌رود. در این جنگ حاج جابر و یارانش با ایستادگی و پایمردی در برابر نیروهای متجاوز آنچنان رشادتی از خود نشان دادند که زبانزد همگان گشت و مایه تقرب و نزدیکی بیش از پیش او در دستگاه حکومتی شد.

این جنگ که کسروی از آن به عنوان «یکی از داستانهای رسوائی‌آمیز تاریخ ایران» یاد می‌کند، به تلافی اشغال هرات توسط حاکم سامال سلطانه حاکم خراسان صورت گرفت.

شروع و ابتدای این جنگ بدین ترتیب بود که در سال ۱۸۵۴م با آغاز جنگ‌های شبه جزیره کریمه بین انگلستان و روسیه، شاه ایران بر آن شد از گرفتاری انگلیسی‌ها در این جنگ بهره برده، دوباره به هرات حمله کند و مانع اشغال این شهر بوسیله دوست محمدخان و انگلیس گردد. انگلیسی‌ها کوشیدند تا مانع لشکرکشی شاه به هرات شوند اما نتوانستند. در این بین روابط ایران و انگلستان سخت تیره شد.

در پایان سال ۱۸۵۵م، مری سفیر انگلیس در تهران که دریافت جلوگیری از لشکرکشی ایران به هرات غیر ممکن است، قطع روابط سیاسی انگلیس را با ایران اعلام کرد. بهانه ظاهری این اقدام نزاع میان سفیر انگلیس و صدر اعظم بر سر منشی ایرانی هیئت انگلیسی به نام میرزا هاشم بود. در آغاز ۱۸۵۶م ارتش ایران از مشهد به هرات رهسپار شد، در ماه مه همان سال آن شهر را به محاصره در آورد و سپس در ۲۶ اکتبر ۱۸۵۶م آن را تصرف کرد.

رابرت گرنت واتسن تصرف هرات را یکی از آرزوهای ملی ایرانیان می‌داند و در همان حال این شهر را به مثابه اهرم فشار بر علیه دولت انگلیس قرار می‌دهد تا بتواند از این بابت غرامتی از آن دولت دریافت دارد: «لشکرکشی هرات را از جهتی بدان منظور شروع کردند که آرزوی ملی ایرانیان در تصرف آن محل حاصل گردد و از جهت دیگر مایه امیدواری شود که پیشرفت در جبهه افغانستان امتیازاتی برای ایران فراهم سازد و بعداً با از دست دادن آن غراماتی از دولت انگلیس دریافت دارند»^۷.

روایت های متعددی از وقایع و رخدادهای این جنگ در منابع تاریخی ایرانی و انگلیسی نقل شده است. روایت ایرانی این جنگ به نقل از مشاهدات و یادداشت‌های یک افسر ایرانی به نام یاور فراهانی، در کتاب دوهزار سال تاریخ خرمشهر به تفصیل آمده است^۸ در این کتاب روایت انگلیسی این جنگ بر اساس نوشته های کاپیتان هنت انگلیسی نقل می‌گردد.

^۷ - تاریخ ایران از ابتدای قرن نوزدهم تا سال ۱۸۵۸، رابرت گرنت واتسن، ترجمه وحید

مازندرانی، ص ۳۹۵

^۸ - دو هزار سال تاریخ خرمشهر، یاسر خلفی، ص ۱۶۰-۱۸۰

جنگ محمره (خرمشهر)

روز چهارم مارس (۲۶ جمادی الثانی) به صاحب منصبان اطلاع داده شد که سر جیمز اوترام در صدد است عده‌ای را به محمره بفرستد. روز پنجم معلوم شد که مشارالیه چهار هزار نفر را حرکت داده است.

بر حسب اطلاعات حاصله ده الی سیزده هزار مرد جنگی و عده کثیری سوار و هفت فوج از بهترین افواج ایران در محمره برای کارزار حاضر شده و سنگرهای مستحکمی که قطر دیوارهای هر یک هجده الی بیست پا می‌باشد رو به سمت رودخانه برپا کرده‌اند تا از نزدیک شدن نیروهای ما بخشی ممانعت به عمل آورند.

شیوع این اخبار و اشکال نزدیک شدن به خشکی در مقابل توپخانه دشمن و از طرفی دیگر حصول اطلاع از اینکه شاید دولت بی طرف عثمانی نسبت به وقوع جنگ نزدیک خاک خود اعتراض نماید همه دست به هم داده و فرمانده را مجبور کرد که هر چه زودتر بصوب مقصد رهسپار شود.

روز ششم مارس (۲۸ جمادی الثانی) چند فروند کشتی با عده‌ای سواره نظام هندی و توپخانه و مهمات جدید وارد شدند. ضمناً اطلاع رسید که فرمانده جدیدی هم با عده و قورخانه کافی به یاری اردوی مغلوب برازجان رسیده است و در صدد است که هر چه زودتر بوشهر را مورد حمله قرار دهد.

بعد از ظهر روز ششم فرمان حرکت صادر گردید و به سمت خارک که مثل سایر نقاط خراب و ویران است، حرکت نمودیم.

برای توقف در اینجا چند نفر نظامی بمنظور تأمین مصرف سوخت کشتی‌های بریتانیا ماندند و بقیه عازم محمره گردیدند.

عده کثیری از شوارهای دشمن برای کسب اطلاع از تعداد افراد ما تا کنار رودخانه که در تیر رس ما بود نزدیک آمدند و ما نیز چون هنوز فرمان جنگ داده نشده بود بطرف آنها گلوله خالی نکردیم.

از دو روز قبل از ورور ما در حدود سه هزار پیاده نظام دشمن به سرکردگی یک نفر صاحب منصب ارشد در مواضع محاذی رودخانه قرار گرفته به سنگر بندی و دیدبانی مشغول شده بودند. سوارهای خصم نیز گاهگاه سوار خوبی کرده بخپال خود جلوی ما نمایش می دادند.

شط العرب که فعلا میدان عملیات ماست فوق العاده منظره زشتی دارد و در کناره های کوتاه و مسطح آن آبادیهای محقر از خشت و گل میان نخلهای خرما بنا شده است.

وسعت رودخانه باندازه وسعت رودخانه تیمس (تایمز) مقابل تیلبری و آب آن گل آلود و جزر و مدش زیاد است. از سمت دریا که به شط نزدیک می شوید گله گله مرغ سقا و انبوه نی و گون در مقابل شما هویدا می گردد. در فصل تابستان برف کوه های اطراف ذوب می شود و آب رودخانه تا چند هفته طغیان می کند بعد که رو به نقصان نهاد گل و لایی که باقی می ماند موجب مالاریای مهلکی است از تب های سند به مراتب خطرناک تر.

با وجود این سکنه اطراف که به این اوضاع خو گرفته اند، کاملا قوی البنیه و سالمند. مرض آبله در این حول و حوش وفور دارد بهمین علت اکثر اهالی مجدرند.

افرادی که در کشتی بودند از هیچ طرف اجازه نداشتند که به خشکی بروند زیرا به خاک دشمن که مقتضی نبود قدم گذاشته شود چه احتمال می رفت که بر اثر زد و خورد های مختصر تلفاتی داده شود و بخاک ترکیه نیز پیاده شدن بملاحظه حفظ بی طرفی آن دولت ممنوع بود.

چند روز زندگی در کشتی همه را متأذی کرده بود و همه در انتظار ورود فرمانده و قوای امدادیه بودند.

در خلال این مدت دائماً خبر می‌رسید که دشمن با وجودی که قبل از حرکت ما از بوشهر استحکامات قابل توجهی در این نقطه احداث کرده بود، باز جداً مشغول سنگر بندی است و اخبار مزبور نیز بوسیله دیده‌بان‌های کشتی کامیت تأیید می‌گردید.

کاپیتان مزنون و سایر دوستان فرانسوی ما نیز که آن مواقع مستحکم را مشاهده کرده بودند، اظهار می‌داشتند که استحکامات مزبور نباید سرسرس تلقی شود چه ایشان تسخیر آن سنگرها را با نیروی فعلی امکان ناپذیر می‌دانستند.

بنا به مراتب فوق عموم افراد میل داشتند که هر چه زودتر دست بکار بزنند و اقدام خصم را خنثی نمایند.

پانزدهم مارس ژنرال هیولاک وعده او رسید و معلوم شد که نایب استاکلر یکی از صاحب‌منصبان فوج تازه وارد، یک روز قبل از حرکت از بوشهر بواسطه عدم اعتیاد به آب و هوای آنجا تب کرده و وفات یافته است.

روز شانزدهم مقارن غروب اکثر عده‌ای که منتظر آنها بودیم بما ملحق شدند و از آن ساعت بعد هر دقیقه ورود جنرال اوترام انتظار می‌رفت. روز بعد که کشتی پریکورسر رسید از واقعه غم‌انگیز انتحار جنرال استاکلر در بوشهر همه اطلاع حاصل کردیم. ضمناً اطلاع داده شد که در نتیجه آن حادثه رقت‌آور جنرال اوترام تصمیم گرفته است که برای سرکردگی قوای بوشهر در آنجا توقف نماید و فرماندهی نیروی محمره بجنرال هیولاک واگذار شده است.

از آنجا که احتمال می‌رفت که عده کثیری از سپاهیان خصم به نیروی انگلیس در بوشهر حمله کنند، لذا دستور داده شد که سلطان پریتی‌جان

با عده خود و چند عراده توپ ببندر مزبور مراجعه کند. از سوء تصادف باد شدیدی وزید و هوا را منقلب کرد و در نتیجه کشتی‌هایی که حامل توپ بود پس از طی مسافت مختصری مراجعت نمودند و کشتی دیگری هم که حامل عده بود بگل نشدست و چند روز بعد با زحمات زیاد بلشکر دوم ملحق شد.

انقلاب و طوفان هوا از انتقال افراد لشکر از یک کشتی به کشتی دیگر جلوگیری به عمل می‌آورد ولی در عین حال مأمورین حمل و نقل با تمام قوا برای پیاده کردن افراد و آلات و ادوات و اسبها و قاطرها بتهیه وسائل لازمه مشغول شدند و کشتی‌های جنگی نیز برای اختفای تفنگچیان زیر دست خود پناه‌گاههای لازم تعبیه می‌کردند. جنرال اوترام بالاخره وارد شد و بلافاصله نقشه‌های اطراف را برای حمله به دشمن تحت مطالعه قرار داد.

با ورود فرمانده موضوع غم انگیز دیگری بین افراد شایع شد و آن خبر انتحار کاپیتان اترسی فرمانده نیروی دریائی هند بریتانیا بود که به فاصله یک هفته بعد از خودکشی جنرال استاکر به این کار تأسف آور مبادرت کرده بود.

خبر مرگ این دو نفر صاحب‌منصب برجسته در تمام افراد اردو تأثیرات عمیق بخشید بخصوص که اقدام ایشان جز احساس سنگینی مسئولیت و اضطراب افکار هیچ دلیل دیگری نداشت و اگر چند روز دیگر صبر و شکیبائی پیشه کرده بودند قضایا به نحو دلخواه حاتمه پیدا می‌کرد. تا بیست و سوم مارس از طرفین به ابراز هیچ‌گونه عملیات خصمانه‌ای مبادرت نگردید و متوالیاً به عده و مهمات ما افزوده می‌شد. روز بیست و چهارم مارس بطرف رودخانه، بنقطه‌ای که تعیین گردیده بود یعنی به سه میل فاصله تا قلاع دشمن حرکت کردیم کنار رودخانه تا نیم میل به جز نخل خرما هیچ چیز دیگری دیده نمی‌شد. ولی معلوم بود که هم

اراضی متعلق به ایران و هم نواحی متعلق به عثمانی پر از جمعیت و احشام است. و با اینکه دشمن می‌توانست بخوبی ما را آماج گلوله های توپ و تفنگ خود کند هیچ اقدامی بعمل نیاورد.

بیشتر روز بیست و پنجم صرف این شد که افراد از کشتی های خود به کشتی های کوچکتر و سبک سیرتر نقل مکان کنند. شبانگاه که چند صد نفر از نیروی خصم مشغول سنگر بندی و سوار کردن دو عراده توپ صحرائی بودند، شش الی هشت گلوله توپ بطرف آنها شلیک و عملیات آنها در ضمن اینکه بطور قطع چند نفر تلفات به ایشان وارد آمد، خنثی شد. بقیه شب به آرامی گذشت و چند نفر از صاحب‌منصبان برای دیده‌بانی و رسیدگی به نیروی دشمن با بلم کوچک تا سیصد متری توپخانه خصم رفتند. و در جزیره کوچک باتلاقی وسط رودخانه واقع در سمت شمال توپخانه خصم با تیر و تنه درخت، زنبورک‌خانه‌ای برای افکندن توپخانه تشکیل دادند. بدیهی است جلادت و دلیری عده‌ای که مأمور این عمل بودند آن هم در نزدیکی قوای خصم و وسط رودخانه پر آب و سریع السیر حاجت بتعریف و توصیف ندارد.

بامدادان بیست و ششم مارس از جزیره مزبور شروع به افکندن نارنجک شد. و اولین خمپاره در وسط قوای خصم پخش گردید. چنانکه بعد اطلاع حاصل شد یازده نفر از افراد دشمن بر اثر انفجار خمپاره بخاک هلاکت افتادند. و مدتی همه دچار حیرت شده بودند. که این آتش خانمانسوز از کجا رسیده است. صدای خمپاره اولی که بلند شد، کشتی‌های جنگی سمیرامیس، اژدها، فیروز، آسی، ویکتوریا و فالکلند که اجازه حمله داشتند در حالی که کشتی‌های کوچکتری بآنها قلس بود شروع به پیشرفت نمودند و طولی نکشید که صدای گلوله توپ کشتی سمیرامیس نیز بلند شد و توپخانه دشمن هم در مقابل با شدت هر چه تمامتر شروع به تیراندازی کردند. در این موقع هوا صاف

و نسبتاً آرام بود فقط بقدری که دود توپ و تفنگ در هوا پخش شود نسیم ملایمی می‌وزید.

منظره رودخانه که در زیر اولین اشعه آفتاب صبح موج می‌زد با سرسبزی و خضارت نخلستانهای مقابل و شرع کستی فالکند که بر فراز شطالعرب به اهتزاز درآمده بقدری فریبنده و جالب توجه بود که هیچ چیز حتی بمباران توپهای اطراف نمی‌توانست نظر شخص را از آنجا برگرداند.

عملیات توپخانه قوای انگلیس فوق العاده قابل تمجید بود و تأثیر آن بزودی آشکار شد. زیرا که تغییر اشکال اولیه برج و باروها و استحکامات دشمن که با نهایت زیر دستی برپا شده بود و سقوط نخلهای خرما بهترین دلیل نتایج حسنه آن بشمار می‌رفت.

افراد توپخانه ایران تا سه ساعت مردانه جنگیدند ولی بعد نعره شلیک توپهای دشمن رو بتخفیف گذاشت. در این اثنا کشتی برنيس که حامل افراد پیاده نظام بود بر اثر صدور دستور که با علائم بیرق داده شد رو به خشکی حرکت کردند. عبور کشتی از فاصله سکصد متر با اضطراب و در زیر آتش دشمن معلوم است چقدر رشادت و خونسردی لازم دارد، تنها کسانی که خود در این گونه ورطه‌های هولناک شرکت داشته‌اند اهمیت آن را احساس می‌کنند.

نظامی‌های این کشتی در این موقع بگله گوسفندی که در داخل آغل بصحرا هجوم می‌کنند، شبیه بودند و در این صورت معلوم بود که یکی دو گلوله توپ از چپ و راست چقدر تلفات به آنها وارد می‌ساخت. کشتی برنيس با آنکه زیاد آماج گلوله شد خوشبختانه فقط به بدنه و دکل‌های آن توپ خورد و به عرشه آن آسیبی وارد نشد.

لفتنان چینی دربانورد هندی ناخدای کشتی مزبور برای اینکه نزدیک شدن بخشکی و پیاده شدن افراد به تعویق نیفتد، شخصاً کشتی را

میراند و به هر ترتیبی بود آن را به کشتی کوچکی که به سمیرامیس اتصال داشت نزدیک کرد و کشتی خود را میان آن کشتی و فیروز قرار داد سپس برای اینکه افراد دشمن زیاد به این نقطه متوجه نشوند بطور مسلسل شروع به تیراندازی کرد و نظامیهای کشتی برنیس پیاده شدند. چند نفر از ایرانیها فرودگاه این عده را هدف قرار دادند و گاه گاه با تفنگهای فتیله‌ای خود شلیک می‌کردند. ولی قوای ما وقت را از دست ندادند و عده زیادی از پیاده نظام و چند نفر بمب افکن به خشکی رسیدند. قوای مخالف در این موقع عقب‌نشینی نمودند بهمین جهت همان عده معدود که پیاده شده بودند بخوبی توانستند از حملات خصم جلوگیری بعمل آورند تا بقیه قوا نیز پیاده شوند.

ساعت دو بعد از ظهر تمام عده پیاده نظام و افراد توپخانه صحرائی و پنجاه سوار سندی بخشکی رسیدند. و چون در این موقع مد رودخانه شروع شده و مانع از وصول سایرین بساحل بود جنرال اوترام تصمیم گرفت که با همان عده به تعقیب قوای خصم بپردازد. لذا به بمب‌اندازها دستور داد که گاه گاه نارنجک بیندازند و وسایل پیشرفت عده را به آن وسیله فراهم کنند. در منتهی‌الیه نخلستان کنار رودخانه که خیمه و خرگاه خصم بخوبی دیده می‌شد فرمان توقف صادر گردید. و خود فرمانده برای رسیدگی بعملیات خصم و چگونگی اوضاع اردوی آنها در جلو سوار شد. ضمناً سوارهای سندی را بسرکردگی کاپیتان گرین آجودان خود برای تحقیق اوضاع و احوال اطراف مأمور کرد. اردوی خصم مرکب از دو قسمت بود که پانصد متر با دیگری فاصله داشتند و در منتهی‌الیه یمین و یسار عقب گرفته بودند.

در حین پیاده شدن افراد ما به خشکی تیراندازی بشدت خر چه تمتمتر ادامه داشت، یکی از بمب‌ها خوشبختانه مخزن بزرگ باروت و قورخانه دشمن را محترق کرد و شلیک توپخانه آنها رو بتخفیف نهاد و وقتی که

تمام عده ما بخشکی رسیدند کشتی‌ها دیگر مرتب توپ اندازی نمی‌کردند فقط گاه گاه یک تیر توپ شلیک می‌شد.

در ضمن توصیف و شرح چگونگی جنگ و بیان رشادتهی دریانوردان هندی لازم است کوشش و جانفشانی‌های مأمورین نقلیه و ملاحان کشتی‌های بارکش که نیز هر یک از آنها دو الی سه عراده توپ داشتند از نظر محو نشود. در موقع پیاده شدن افراد دو عراده از توپهای دشمن نزدیک شدند و یکی از آنها بطور مسلسل میان عده‌ای که می‌خواستند پیاده شوند، گلوله خالی می‌کرد. نظر به اینکه عرشه کشتی پر از جمعیت بود و افراد می‌خواستند یکی بعد از دیگری پیاده شوند، لذا ممکن بود تلفات زیادی داده شود. و اگر کشتی‌های جنگی بریتانیا در این موقع به حملات متقابل مبادرت نمی‌کردند، قطعاً عده کثیری هدف گلوله‌های دشمن واقع شده بقتل می‌رسیدند. کشتی پوتینگر در این موقع خدمات شایانی نمود و انصافاً توپ‌اندازی می‌کرد. و با آنکه هشت مرتبه آماج گلوله واقع شد باز از میان در نرفت. افراد بمحض اینکه پیاده شدند بر طبق دستور به فوریت به چادرها و به اردوی خصم حمله کردند. نقطه توجه و حمله ما سمت چپ عقب شهر محمره (خرمشهر) بود که خود شاهزاده فرمانده نیروی ایران با چند عراده توپ و عده‌ای سوار در آنجا اقامت داشت.

پیاده نظام اردوی محالف به فاصله پانصد متر در سمت راست اقامتگاه شاهزاده مقیم بودند و عده ریادی نیز اطراف توپها و در نخلستانهای مجاور انجام وظیفه می‌کردند و قبل از اینکه ما به حملات مبادرت کنیم سپاهیان دشمن برای اینکه جنگ در حوالی قرارگاه شاهزاده رخ نهد، بسمت راست هجوم آوردند و جناح چپ لشکر ما را مورد حمله قرار دادند. در نتیجه نیروی ما اندکی عقب نشست ولی این حادثه جنرال اوترام را به وحشت نیانداخت و فرمان حمله صادر کرد. قوای بریتانیا

به طرف جلو یورش آوردند و هنوز توپهای صحرائی ما بطور کامل تیراندازی نکرده بودند که سپاه خصم متلاشی شد. ایرانیها خیمه و خرگاه خود را گذاشته هزیمت نمودند بطوری که هیچ تصور نمی‌رفت که چند دقیقه قبل یک اردوی بزرگ مجهز و مسلح در مقابل ما صف‌آرایی کرده بود.

سپاه خصم چنان روحیه خود را از دست داده و بوحشت افتاده بود که نه فقط رعایت فکر عمومی پادشاه را که فرمانده آنها بود، نکرده و رو به گریز نهادند بلکه به وظیفه و افتخارات ملی پشت پا زدند و بقدر کافی ایستادگی ننمودند. بعد معلوم شد بقسمی دست و پای خود را گم کرده‌اند، که کلیه اثاثه حتی خیمه و پوش شاهزاده را گذاشته فرار کردند.

میدان جنگ و اراضی این حدود پر از اسلحه و اشیاء دیگر از قبیل قطار فشنگ و زین و یراق و خورجین و قالی و رختخواب و علیق اسب حتی آذوقه افراد بود. از زخمیهای خصم فقط عده قلیلی باقی مانده بود بعد معلوم شد که یا افراد یا اهالی شهر مجروحین را از میدان جدال بیرون برده‌اند.

لشکر ایران قبل از گریز قورخانه خود را آتش زده و خواسته بودند به این وسیله پرده‌ای روی جبن و هراس خود بیندازند. جنرال اوترام موقعی که اردوی ما به سمت قرارگاه دشمن پیشرفت می‌نمود، احتیاط و مراقبت‌های لازم را از دست نداد بلکه عده قلیلی را مأمود حفظ خیمه و خرگاه ایران کرد تا عرب‌های محل به غارت اثاثه مشغول نشوند. بقیه را هم به تعقیب قوای خصم مأمور کرد. این عده سه‌الی چهار میل نیروی ایران را تعقیب نمودند و پس از دستگیری چند نفر از مجروحین چون شب نزدیک بود بر طبق دستور توقف کردند و فقط سوارهای سندی به تعقیب دشمن پرداختند.

اردو در همین نقطه شب را بصبح رسانید و به علت برودت هوا بتابین و صاحب‌منصب بلا استثناء چون بالاپوش نداشتند فوق‌العاده سخت گذشت و از سوء تصادف قراولهای دو فوج نیز به یکدیگر شروع به تیراندازی کردند، دو نفر سخت مجروح شدند و سه نفر مختصر جراحی برداشتند. سواره نظام اردو که روز اول بواسطه مدّ دریا بخشکی نیامده بودند امروز به ما ملحق شدند. و تماماً اول آفتاب برای تعقیب قوای خصم حاضر بودند ولی سواره‌های سندی که تا یازده مایل به تعقیب دشمن رفته بودند، مراجعت کردند و معلوم شد که ایرانیها به سرعت تمام هزیمت کردند جنرال اوترام تصمیم گرفت که بفوریت خود را به محمره برساند و ذخایر شاهزاده را از بین ببرد.

عده ما روز بیست و هفتم مارس به سمت شهر برگشت و محمره و سربازخانه‌های آنجا را تصرف کرد. یکدسته از قوای ما نیز در نخلستانهای اطراف شهر چادر زده و برای رهایی از شر میکروب مالاریا که بر اثر باتلاقیهای گل‌آلود و مرداب‌های این حدود ایجاد می‌گردید، شبها به صحرا می‌رفتند و روز از دست مگس و شب از دست کک بجان آمده بودند. از طرف فرمانده چند نفر مأمور انتظام شهر شدند و به عموم اهالی ابلاغ گردید که جان و مال سکنه شهر در امان خواهد بود و در نتیجه روابط خوبی بین اهالی شهر و افراد اردو فراهم شد. هجده عراده توپ برنجی خیلی خوب و بمب‌افکن جزء غنایمی بود که به دست ما افتاد. و یکی از آنها را که دوازده پوندی و ساخت روسیه بود به موجب خطوطی که روی لوله آن کنده بودند، از طرف امپراطور سابق روس به پادشاه ایران اهدا شده بود. مقدار متناهی از ذخایر جنگی و قورخانه و آذوقه اردوی ایران بتصرف ما در آمد و در حول و حوش توپخانه آنها در حدود هشتاد الی نود جنازه مشاهده شد که هنوز آنها را دفن نکرده بودند.

شب قبل از ورود ما بخشکی عده زیادی از مقتولین را به شهادت قبور تازه نخلستان مجاور به خاک سپرده بودند. و خود ایرانیها می گفتند سیصد نفر تلفات داده اند در حالی که ادمه شلیم مدام توپخانه ما بایستی خیلی زیادتر از اینها را به خاک هلاک انداخته باشد... از مجروحین جنگ عده قلیلی گرفتار شدند و اکثر آنها فرار کرده بودند در صورتی که اگر اسیر می شدند، بمراتب برای آنها بهتر بود و جراحات آنها بهبود حاصل می کرد زیرا بر طبق اطلاع هر کدام از ایشان که به دست اعراب افتاده اند بوضع رقت باری بقتل رسیده اند. مجروحینی که بدست ما گرفتار دند در بادی امر در ابراز محبت ما بشک افتاده بودند و وقتی از آنها توجه و مراقبت به عمل می آمد تصور می کردند که این اقدام برای آن است که بعدها آنها را در معرض شکنجه و عذاب سخت تری قرار دهند و بدین ملاحظه حتی از نوشیدن آب هم از دست ما خودداری می نمودند. جریان فوق حاکی از این بود که خود ایرانیها با اسرای جنگی چه معاملاتی می کنند.

تلفات اردوی بریتانیا در این جنگ ده نفر و یک صاحب منصب یعنی لفظتان هریس بود و سی نفر مجروح شدند. این اندازه تلفات کم از طرف ما آن هم در مقابل توپخانه شدید و مهم دشمن فوق العاده مورد توجه بود. کشتی های ما اغلب هدف گلوله شده و دکل و بادبانهای اکثر آنها سوراخ های متعدد برداشته و چند بلم کوچک نیز بکلی خرد و خمیر شده بودند. مثلاً تنها به بدنه کشتی فیروز سیصد گلوله تفنگ خورده بود و از طرفی ایرانیها قرارگاه بمب افکن ما را پیدا کرده آن را هدف قرار دادند و بلمی را که به آن اتصال داشت غرق نمودند ولی باز جای تعجب است که تلفات جانی زیاد وارد نشد.

محمربه با اینکه یکی از مراکز مهم تجاری است این ایام در کثافت غوطه می خورد و چون در ملتقای کارون و شطالعرب واقع شده دارای

مزایای زیادی می‌باشد و مثل بصره و بغداد مرکز ورود کالاهائی است که از هندوستان به ایالات جنوبی ایران حمل می‌شود. از نقاط جالب توجه شهر یکی باغ حکومتی است که اشجار سیب و زردآلو و توت و موز و نار و انار فراوان دارد و دیگری بازار شهر که مثل اکثر بازارهای مشرق زمین در نظافت آن مراقبتی بعمل نمی‌آید. اراضی اطراف محمره یک قسمت باتلاق است و یک قسمت ریگزار و جسته گریخته بعضی نقاط قسمت دوم مزروع می‌باشد.

استحکام توپخانه و سنگربندی عده ایران از هر جهت استحقاق تمجید داشت و در تعبیه و بنای آنها مه‌گونه اصول حزم و احتیاط مراعات شده بود و اردوی خصم با اندک شهامت و جرأت می‌توانست به کلی ما را نابود نماید با اقل تلفات زیادی به ما وارد کند. سنگرهای دشمن هجده پا قطر و بیست و پنج پا ارتفاع داشت و گودال‌های آب هم برای خاموش کردن خمپاره‌ها تعبیه شده بود. توپخانه‌ای که در سمت شمال اردوی ایران قرار داشت مشتمل بر هجده عراده توپ بود که آن را در دست راست کارون در ملتقای شط‌العرب سوار کرده بودند و در محاذی توپخانه جنوبی قرار داشت که مرکب از یازده عراده توپ بود. توپخانه شمالی بوسیله خندق بزرگی با شهر مرتبط بود و در بین آن نیز سنگری ساخته و هشت الی ده عراده توپ در آن گذاشته بودند.

عده کثیری نظامی در این خندق مأموریت داشتند، که لاینقطع به طرف ما تیراندازی کنند و خون زیاد حاکی از این بود که خمپاره‌های ما تأثیر خوبی داشته است. در اطراف رودخانه نیز نقاط دیگری برای دو الی چهار توپ و دیت چپ رودخانه محلی برای ده عراده توپ ترتیب داده بودند.

در خارج نهر کوچکی که با توپخانه شمالی ارتباط داشت یک توپ دوازده پوندی که عراده آن خرد شده بود مشاهده گردید. و در کنار

توپ مزبور جنازه سه نفر تفنگچی و یک نفر سلطان افتاده بود و نامه‌ای در جیب صاحب‌منصب مزبور پیدا شد که نویسنده آن جنگ سختی را پیش‌بینی نموده و سرپرستی عیال و اطفال خود را به برادرش که در تهران اقامت داشته توصیه کرده بود. این مراسم بعدها صحیح و سالم بوسیله نماینده سیاسی بریتانیا مقیم بغداد به مقصد ارسال گردید. از توپخانه شصت و هشت پوندی ما نتایج خوبی بدیت آمد چه هر یک از گلوله‌های آن مقدار زیادی از نخلها را روی هم می‌غلطانید و وحشت و هراس زیادی در دل افراد دشمن ایجاد می‌نمود. قتل آقا جان خان سرتیپ فرمانده فوجی که مأموریت حفظ سنگر اول را داشت و بامداد روز اول تیر خورده بود رعب و وحشت غیر قابل وصفی در اردو ایجاد کرده بود.

اردوی ما تا پایان روز بیست و ششم در فضای آزاد بسر می‌برد. در روزهای بیست و هفتم و بیست و هشتم آذوقه و لوازم و خیمه‌های اقواج به استثنای آنها که خیمه‌های ایرانیها را در تصرف داشتند به خشکی انتقال داده شد.^۹

^۹ جنگ انگلیس و ایران در سال ۱۲۷۳ هجری قمری، کاپیتان هنت انگلیسی، ترجمه حسین

خرمشهر در جنگ‌های جهانی

زمینه‌های بروز جنگ جهانی اول

جنگ جهانی اول از برجسته‌ترین رخداد‌های تاریخ بشر است و بگونه مستقیم و غیر مستقیم نقش بزرگی در تعیین تاریخ قرن بیستم داشته است. این جنگ پایان تعدادی از نظام‌های پادشاهی اروپا را رقم زد و مایه نابودی چهار دودمان هابسبورگ، هومن تسولرن، عثمانی و رومانوف گردید. بیشتر تاریخ‌نگاران باور دارند که شکست گفتگوها پس از جنگ و معاهده ورسای و تحمیل غرامت بسیار به آلمان و دیگر دول شکست خورده مایه پرورش فاشیسم در ایتالیا و نازیسم در آلمان و زمینه آغاز جنگ جهانی دوم شد.

در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۴ فرانسه فردیناند، ولیعهد اتریش، برای یک دیدار رسمی عازم سارایوو، پایتخت بوسنی، شد و در آنجا بدست یکی از جوانان انقلابی بوسنی، که وابسته به انجمن اتحاد یا مرگ بود، کشته شد. کشته شدن ولیعهد اتریش یکبارہ اروپا را تکان داد. اتریش، که به هر حال در صدد بود استقلال صربستان را از میان بردارد، از این بهانه استفاده کرد و در ۲۸ ژوئیه ۱۹۱۴، یک ماه پس از کشته شدن ولیعهد، به صربستان اعلان جنگ داد. البته قبلاً پشتیبانی متحد نیرومند خود، آلمان، را بدست آورده بود. آلمان اتریش را به جنگ تحریک کرد.

از سوی دیگر روسیه، که خود را پدر خوانده صربستان می‌دانست، بسیج عمومی اعلام کرد و لشکریانش را در مرز آلمان متمرکز ساخت. دو روز بعد، در اول اوت ۱۹۱۴، آلمان به روسیه اعلان جنگ داد و چون مطمئن بود فرانسه وارد کارزار خواهد شد، در سوم اوت به فرانسه نیز اعلان جنگ داد. لشکریان آلمان و فرانسه برای نبرد می‌بایست از خاک بلژیک بگذرند. انگلیس، که به دنبال بهانه می‌گشت،

به عنوان دفاع از حقوق یک کشور کوچک در روز ۴ اوت به آلمان اعلان جنگ داد و بدین ترتیب جنگ جهانی اول آغاز شد.^{۱۰}

خرمشهر و جنگ جهانی اول

خرمشهر به واسطه موقعیت مهم و استراتژیکی که در ناحیه شمالی خلیج فارس داشت در منازعات بین المللی که در این منطقه صورت می گرفت اهمیت بسزائی می یافت. در جنگ جهانی اول وجود شیخ خزعل به عنوان حاکم خرمشهر که در آن برهه زمانی آنقدر قدرتمند می نمود که حاکمیت دولت مرکزی ایران، جرأت کوچکترین تعرضی را نسبت به وی نداشت و حاکمی شبه مستقل به حساب می آمد، می توانست بهترین تأمین کننده منافع انگلیس و حامی منابع تازه کشف شده نفت که اتفاقاً بزرگترین پالایشگاه تصفیه نفت در خاورمیانه تا آن زمان در قلمرو حکومتی وی قرار داشت، باشد. در جنگ جهانی دوم نیز وجود راه آهن سراسری جنوب-شمال که از خرمشهر شروع می شد، بزرگترین خدمت را به ارتش های متفقین جهت ارسال نیرو و مهمات به اتحاد جماهیر شوروی ایفا نمود به طوری که بعدها وجود همین راه هن، ایران پل پیروزی لقب گرفت

جنگ جهانی اول در خوزستان

در نوامبر ۱۹۱۴ میلادی دامنه جنگ به اروند رود کشیده شد. از آغاز جنگ میان دولتهای اروپا در هر دو سوی خلیج فارس برای جنگ گریز ناپذیری که در منهی الیه شمالی خلیج تدارک دیده می شد، ترکان عثمانی، تدارک نظامی و انگلیسی ها که نیروی زمینی در محل نداشتند، تدارک سیاسی و دریایی می دیدند.

^{۱۰} جنگ های جهانی اول و دوم، کامران فانی، صص ۶-۷

هر دو طرف جنگ-عثمانی و بریتانیا- به ارائه خدمات از ناحیه شیخ محمره (خرمشهر) چشم دوخته بودند.^{۱۱}

عثمانی‌ها در این اندیشه بودند که با استفاده از مسلمان بودن شیخ خزعل و همچنین حمایت مراجع از آنها و ترغیب و تحریک مردم تحت سیطره خزعل، او در کنار آنها بایستد. انگلیسی‌ها با توجه به این امر که روابط و پیوندهای چندی با شیخ محمره (خرمشهر) داشتند و در بعضی منازعات شیخ خزعل با عثمانی‌ها، از او در مقابل عثمانی‌ها حمایت کرده بودند، بر همکاری و هم‌پیمانی شیخ، حساب می‌کردند و می‌دانستند شیخ خزعل از میان آنها و عثمانی‌ها، آنها را انتخاب می‌کند.^{۱۲}

آغاز نبرد در خوزستان و بین‌النهرین

نیمه شب ۳۱ اکتبر ۱۹۱۴، ناخدای کشتی اشپیگل تلگرافی مبنی بر شروع جنگ با عثمانی دریافت کرد. ناخدا نان به خزعل اطلاع داد که کشتی را شب دوم نوامبر، به سوی آبادان خواهد برد. تا بهتر بتواند از پالایشگاه حفاظت کند. نبرد در بین‌النهرین آغاز شده بود.

نیروی اعزامی پس از تسخیر ایستگاه تلگراف ترکها در فاو به طرف بالای اروندرود حرکت کرد و در سینه ساحل چپ اروندرود، که در قلمرو عثمانی بود، در فاصله دو مایلی آبادان در قسمت عثمانی مستقر شد. تا ۱۰ نوامبر همه نیروها در ساحل پیاده شدند.

^{۱۱} حکومت شیخ خزعل بن جابر و سرکوب شیخ‌نشین خوزستان، دکتر ویلیام تئودور

سترانک، ترجمه صفا الدین تبرائیان، ص ۲۳۱

^{۱۲} فراز و فرود شیخ خزعل، عبدالنبی قسم، ص ۱۷۷

در شب دهم، سرپرسی کاکس^{۱۳} پیغام فرستاد که ترکها روبه‌روی محمره (خرمشهر) در ده مایلی اردوگاه بریتانیایی‌ها موضع گرفته، آماده حمله‌اند.

روز چهاردهم، خبر رسید که روحانیان شیعه عراق و خوزستان درصدد اعلام جهاد علیه انگلیس هستند. شیخ خزعل توانست روحانیان محمره را آرام کند. تا آن زمان هیچ نشانه‌ای از نارضایتی در میان رعایای خزعل دیده نشده بود. اما بریتانیایی‌ها مدام از جهاد احتمالی مسلمانان با خود نگران بودند. نگرانی آنان هنگامی فزونی یافت که مجتهدان برجسته نجف در پیام‌هائی برای شیخ خزعل، از او خواستند در مقام یک فرمانروای شیعه به جنبش جهاد با بریتانیا بپیوندند. در همین زمان نیز فرمانروای بصره و فرمانده قوای عثمانی از خزعل خواستند به آنان بپیوندند.

پاسخ شیخ خزعل به عثمانی‌ها چنین بود: «صرف نظر از دیگر ملاحظات، او در مقام یک ایرانی ملزم به رعایت بی‌طرفی است و بنابراین قبول پیشنهاد آنان امکانپذیر نیست.» فرمانده عثمانی در پاسخ به او نوشت: اگر شیخ به عثمانی نپیوندد، بی‌درنگ محمره را مورد حمله قرار خواهد داد. وی در انجام این تهدید خویش عده‌ای از اعراب را در ساحل غربی رود گرد آورد اما محتاطانه عمل می‌کرد و نمی‌خواست بی‌طرفی ایران

۱۳ - سرپرسی کاکس : از شخصیت‌های برجسته بریتانیا در ایران و خاورمیانه بود. او در سال‌های ۱۹۰۴ تا ۱۹۱۹ در خلیج فارس حضور داشت. کاکس ابتدا و در سال ۱۹۰۴ به عنوان کنسول بریتانیا در ایالات ایرانی فارس، لرستان و خوزستان انتخاب شد، ۵ سال بعد به عنوان منشی دولت بریتانیا به هند رفت. کاکس در سال ۱۹۱۰ با عنوان سرهنگی به خلیج فارس برگشت تا نیروهای انگلیسی را در جریان جنگ جهانی اول علیه عثمانی سامان بخشد. کاکس در سال ۱۹۱۸ وزیر مختار بریتانیا در تهران شد و نقش مهمی در بستن قرارداد ۱۹۱۹ بین بریتانیا و ایران ایفا کرد. او فعالیت دیپلماتیک خود را با حضور وینستون چرچیل که در کنفرانس قاهره در سال ۱۹۲۱ حضور یافته بود، به اتمام رساند.

را نقض کند. کاکس تهدید را جدی گرفت و از وزیرمختار انگلیس در تهران خواست دولت ایران را زیر فشار بگذارد تا از مجتهدان بخواهد از تحریک علیه خزعل و دولت بریتانیا دست بردارند. او در تلگرافی برای فرمانده ناوگان بریتانیا از او خواست کشتی جنگی بخاری کامت را که در محمره پهلو گرفته بود فرا خواند، تا نشانه‌ای از پشتیبانی خزعل از نقض بی‌طرفی ایران از سوی بریتانیا برجای نماند.

در روز ۱۷ اکتبر خزعل به انگلیس‌ها خبر داد که عثمانی در بخش بالای رود نزدیک محمره (خرمشهر) تجدید قوا می‌کند و به نظر می‌رسد این مهمترین موضع دفاعی ترکها باشد. در روز ۲۱ اکتبر قوای خزعل که ترکها نه تنها از مواضع خویش عقب‌نشینی کرده بودند، بلکه بصره را ترک کرده بودند. برای همین بصره بی‌هیچ مقاومتی به اشغال درآمد. بدین ترتیب خطر اشغال محمره نیز برطرف گردید.^{۱۴}

^{۱۴} - حکومت شیخ خزعل بن جابر و سرکوب شیخ‌نشین خوزستان، دکتر ویلیام تئودور

سترانک، ترجمه صفا الدین تبرائیان، ص ۲۴۱-۲۴۴

ایران در جنگ جهانی دوم

با شروع جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۱۸ش/۱۹۳۹م، اوضاع جهان دگرگونه شد و اغلب کشورهای جهان به حمایت از متفقین یا متحدین مجبور گردیدند، در این میان کشور ایران، با وجودی که از همان ابتدا سیاست بی‌طرفی اتخاذ نمود، به واسطه سیاستهای رضاشاه مبنی بر طرفداری از آلمان هیتلری و نیز به دلیل موقعیت استراتژیک، مورد توجه دول متفق قرار گرفت. از این رو، با حمله متفقین در سوم شهریور ۱۳۲۰ش، ایران عملاً به صحنه منازعه میان دول متخاصم تبدیل گردید. تاثیرات منفی این حمله با ناکارآمدی ارتش ۱۲۷هزار نفری رضاشاه، چنان جوّ سرخوردگی و یأسی در جامعه ایران، به‌ویژه در میان نظامیان جوان، به وجود آورد که اغلب ایشان با استفاده از فضای باز سیاسی ناشی از ورود متفقین و سقوط دیکتاتور (رضاشاه)، جذب گروهها و دستجات مختلف گردیدند. از این رو، در میان نظامیان سه گرایش متفاوت ناسیونالیسم، سلطنت‌طلب و چپ‌گرا، به‌وجود آمد؛

زمینه‌های آغاز جنگ جهانی دوم

یگانه پیروز جنگ جهانی اول، دولت بریتانیا بود. در این زمان، روسیه درگیر انقلاب بلشویکی بود، عثمانی در بحران تجزیه قلمرواش به سر می‌برد و آلمان نیز سقوط رایش دوم را شاهد بود. ظهور جمهوری وایمار در آلمان و فشار دول پیروز جنگ نوعی حس سرخوردگی و خشم را در میان آلمانها به‌وجود آورده بود. بحران اقتصادی (۱۹۲۹م، بر شدت ضعف جناح میانه‌رو و قدرت‌گیری تندروهای ناسیونال — سوسیالیست به رهبری هیتلر افزود؛ به‌طوری‌که هیتلر توانست با تصویب رایشتاگ، در سال ۱۹۳۳م، قانون اساسی جمهوری وایمار را ملغی و دیکتاتوری خود را به مدت چهار سال در آلمان برقرار سازد. با قدرت‌گیری هیتلر، سرکوب مخالفان و میلیتاریزه‌کردن آلمان، که بر بستر خواست توده‌ها

نضج می‌گرفت، در دستور کار قرار گرفت. قدرت روزافزون نیروهای نظامی آلمان با نوعی حمایت ضمنی جهان سرمایه‌داری همراه بود، زیرا آنان در تحلیلهای خود بر این باور بودند که نیروی نظامی قدرتمند نوظهور فاشیسم در آلمان، سرانجام کمونیسم را به ورطه نابودی می‌کشاند.

بدین ترتیب کشمکشهای جهان اردوگاهی موجبات به‌وجود آمدن دوران صلح نیمه‌مسلح (۱۹۳۸-۱۹۳۶م) را فراهم آورد. سال ۱۹۳۸م را سال پایان دوران صلح نیمه‌مسلح دانسته‌اند، زیرا در اروپا نیز میان کشورهای سرمایه‌داری شکاف عمیقی به‌وجود آمد و این حکومتها به دو بخش دیکتاتورهای فاشیست و کشورهای لیبرال تقسیم شدند

حادثه آنشلوس: یا الحاق اتریش سرآغاز کشورگشایی‌های آلمان فاشیست گردید. به‌دنبال الحاق اتریش به آلمان، هیتلر واگذاری فوری مناطق آلمانی‌زبان چک‌اسلواکی را تقاضا نمود و تهدید کرد در صورت رد تقاضایش، به جنگ اقدام خواهد کرد. نوئل چمبرلن، نخست‌وزیر انگلستان، به واسطه سیاست محافظه‌کارانه خود مصمم شد، حتی به قیمت تسلیم چک‌اسلواکی به آلمان، مانع از وقوع جنگ گردد و سرانجام در بیست‌ونهم سپتامبر ۱۹۳۸م، کنفرانسی با شرکت چهار رهبر آلمان (هیتلر)، ایتالیا (موسولینی)، انگلیس (چمبرلین)، و فرانسه (ادوارد دالایه)، در مونیخ تشکیل شد و جزئیات تجزیه چک‌اسلواکی معین گردید. بدین‌سان آلمان در اکتبر ۱۹۳۸م، مناطق آلمانی‌زبان چک را تصرف کرد. به‌رغم اغماضهای بیش از حد چمبرلن در برابر توسعه طلبی‌های هیتلر و پیمان محرمانه عدم تعرض میان روسیه و آلمان در بیست‌وسوم اوت ۱۹۳۹م، هیتلر در اول سپتامبر ۱۹۳۹م به لهستان لشکر کشید و متعاقب آن به انگلستان و فرانسه نیز اعلان جنگ کرد. حمله آلمان به لهستان،

انگلیس و فرانسه را در موقعیت دشواری قرار داد، زیرا آنها متعهد شده بودند که متفق خاوری‌شان (لهستان) را در صورت حمله آلمان یاری نمایند

بدین ترتیب جنگ جهانی دوم در اول سپتامبر ۱۹۳۹م میان آلمان و ایتالیا، از یک سو، و فرانسه و انگلستان، از سوی دیگر، آغاز شد و سایر کشورهای اروپایی نیز، به استثنای سوئد، سوئیس، اسپانیا، پرتغال و ترکیه، یکی پس از دیگری وارد جنگ شدند. سرانجام با حمله هیتلر به روسیه و نقض پیمان عدم تعرض در ژوئن ۱۹۴۱م، روسیه نیز، با زیرپا نهادن آرمان سوسیالیسم، به فرانسه و انگلستان پیوست^{۱۵}

^{۱۵} ماهنامه زمانه، شماره ۱۲، شهریور ۱۳۸۲، ص ۶۶-۶۷

مواضع ایران در قبال جنگ جهانی دوم

یک روز پس از شروع جنگ جهانی دوم، محمود جم نخست‌وزیر ایران در بیانیه‌ای اعلام کرد: «در این موقع که متأسفانه نایره جنگ در اروپا مشتعل گردیده است، دولت شاهنشاهی ایران به موجب این بیانیه تصمیم خود را به اطلاع عموم می‌ساند که در این کارزار بی طرفی خود را محفوظ خواهد داشت.»

حمله آلمان در ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱/اول تیر ۱۳۲۰ به شوروی، باعث شد شوروی وارد گروه متفقین شود. در این هنگام روسیه در مقابل حملات ارتش آلمان، به اسلحه، مهمات و دارو احتیاج ضروری داشت؛ و انگلستان به دنبال راهی برای حمل کالاهای مورد نیاز ارتش شوروی بود.

در آن موقع ۴ راه مهم دریایی وجود داشت:

- ۱- راه ولادی وستک در خاور دور؛ این راه بدلیل بعد مسافت ۱۱۰۰۰ کیلومتری از جبهه‌های جنگ قابل قبول نبود. مهمتر اینکه چون آمریکا و ژاپن در جنگ بودند مسیر کشتی‌های آمریکایی در اقیانوس آرام تا رسیدن به بنادر خاور دور شوروی خطرناک و ناامن بود.
- ۲- راه آرخانگلسک؛ این راه بعلت سرما در بیشتر اوقات سال یخ می‌بست و حمل و نقل مشکل بود.
- ۳- راه مورمانسک؛ به دلیل آنکه راه آهن مورمانسک به لنینگراد در اشغال آلمان بود، نمی‌شد از این راه برای حمل کالاهای مورد نیاز روسیه استفاده کرد.

۴- راه خلیج فارس و ایران؛ ایران بهترین مسیری بود که انگلیسی‌ها از آن می‌توانستند برای حمل مهمات به روسیه استفاده کنند. آنها می‌توانستند از طریق راه آهن جنوب به شمال کالاهای مورد نیاز را به روسیه ارسال کنند و نیز از نفت ایران برای تأمین سوخت مورد نیاز خود استفاده کنند.

۱۷ ژوئیه ۱۹۴۱ میلادی/۱۳۲۰ شمسی، در مورد حمله به ایران میان نمایندگان انگلیس و شوروی توافق و هماهنگی بوجود آمد. در این زمان تنها بهانه انگلیسی‌ها برای حمله به ایران حضور هفتصدوپنجاه نفر آلمانی بود که در کارخانه‌های دولتی، راه آهن و ساخت کارخانه ذوب آهن مشغول بودند.

بنابراین دولت انگلستان در تیر ماه ۱۳۲۰ از دولت ایران خواست هرچه سریع‌تر چهار پنجم آلمانی‌های شاغل در ایران را اخراج نماید. اما دولت ایران جواب داد رفتار اتباع آلمانی در ایران تحت کنترل مأموران شهربانی کشور قرار دارد و از نظر حفظ سیاست بی‌طرفی، شدیداً مراقب اعمال و رفتار کارشناسان آلمانی هستند و حضور کارشناسان برای انجام دادن خدمات و کارهایی که به آنها محول شده است، ضروری است و دولت ایران نمی‌تواند به سرعت جانشینی برای کارشناسان آلمانی پیدا کند. با این پاسخ، متفقین بهانه‌ای را که می‌خواستند پیدا کردند و مشغول تدارکات نظامی برای حمله به ایران شدند.

در سحرگاه روز سوم شهریور ۱۳۲۹/ بیست و پنج اوت ۱۹۴۱ نیروهای انگلیس و شوروی از غرب و جنوب و شمال وارد خاک ایران شدند. به نظر می‌رسد رضاشاه در آن زمان دچار سردرگمی شده بود و نمی‌دانست بین متفقین و آلمان کدام را انتخاب کند و متأسفانه مشاوران او نیز

اطلاعات درستی در اختیار او نمی گذاشتند. اگرچه اشغال ایران یکی از اهداف اصلی انگلیسیها بود و آنها تحت هر شرایطی ایران را اشغال می کردند، اما اگر رضاشاه با آنها همراه می شد ممکن بود خسارات و صدمات کمتری به ایران وارد شود. اما رضاشاه که مسحور پیروزی های سریع و پیشروی برق آسای ارتش رایش سوم در خاک شوروی بود، با اعلام سیاست بی طرفی مرتکب اشتباه محاسبه گردید و هشدارهای انگلستان و روسیه را نادیده گرفت. در نتیجه متفقین که حاضر نبودند به بهای شکست در برابر ارتش آلمان، بی طرفی ایران را حفظ کنند، نیروهای خود را از شمال (شوروی) و غرب و جنوب (انگلیس) وارد خاک ایران کردند.

با ورود متفقین به ایران در روز سوم شهریور ۱۳۲۰ و دستور رضا شاه مبنی بر ترک مقاومت در ششم شهریور، ارتش رضاشاه یکباره فرو ریخت و تنها مقاومتی که در این زمان شد، مقاومت نیروی دریایی ایران به فرماندهی دریادار غلامعلی بایندر بود که چند ساعت مانع پیشروی نیروهای انگلیسی در جنوب ایران شد .

حمله به بنادر جنوب (شاهپور، آبادان، خرمشهر، بوشهر) و نیروی دریایی با پرتاب یک موشک سبز رنگ از ناو انگلیسی در اروندرود که نشانه شروع جنگ بود آغاز شد .

حمله به بندرشاهپور

طبق قوانین بین المللی اگر در زمان جنگ هر یک از کشتی های غیر نظامی دشمن از ورود به بنادر خود احساس خطر کنند، می توانند به یکی از کشورهای بی طرف پناهنده شوند. هنگامی که آلمان به لهستان حمله کرد و متفقین وارد جنگ شدند، پنج کشتی آلمانی که در آبهای خلیج فارس

بودند، به بندر شاهپور پناهنده شدند و شش ماه بعد از آن سه کشتی ایتالیایی نیز به این بندر پناهنده شدند. چون ممکن بود افراد کشتی‌های پناهنده دست به اقداماتی بزنند که باعث نقض بی‌طرفی ایران شود، به دستور دریاسالار بایندر، ناو سیمرغ به فرماندهی ناوروان جعفر فزونی و ناو شهباز به فرماندهی ناوروان فرج‌الله رسایی مأمور حفاظت از تأسیسات نفتی و مراقبت از کشتی‌های پناهنده شدند.

دربار بایندر به ناوروان رسایی دستور داده بود اگر کشتی‌های آلمانی و ایتالیایی بخواهند در بندر شاهپور تظاهراتی کنند، فوراً جلوی آنها گرفته شود. هنگامی که پاریس به دست آلمان افتاد، کارکنان کشتی‌های آلمانی به مناسبت این پیروزی خواستند با برافراشتن پرچم‌های مخصوص جشن، ابراز شادی کنند؛ ولی یک گروه مسلح به فرماندهی ناوبان یکم رسولی به دستور ناوروان (بعدها دریابد) فرج‌الله رسایی، پرچم‌های جشن را پایین آوردند. تمام اجناس و کالاهایی که به کشتی‌های آلمانی و ایتالیایی وارد یا خارج می‌شد، دقیقاً مورد بررسی قرار می‌گرفت. به نقل از دریابد رسایی دو زمین فوتبال در بندر شاهپور درست شده بود و هنگامی که کارکنان کشتی‌های انگلیسی برای بازی وارد زمین می‌شدند، کارکنان نیروی دریایی بین دو زمین قرار می‌گرفتند تا امکان هیچ‌گونه برخوردی بین آنان بوجود نیاید.

با وجود این اقدامات در ساعت چهار بامداد روز سوم شهریور آرامش بندر شاهپور با حمله ناوهای انگلیسی و شلیک توپ‌های این ناوها به هم زده شد. یادداشت مشترک انگلیس و شوروی توسط سفیران این دو کشور در ساعت چهار صبح روز سوم شهریور به علی منصور نخست‌وزیر ایران داده شد؛ و درست در همان ساعت بندر شاهپور مورد حمله ناوهای انگلیس قرار گرفت. با در نظر گرفتن سرعت ناوهای

انگلیسی و فاصله دهانه خورموسی تا بندرشاهپور می‌توان گفت ناوهای انگلیسی از حدود ساعت یازده شب دوم شهریور، یعنی پنج ساعت قبل از اولتیماتوم، وارد آبهای ایران شده بودند .

چگونگی حمله ناوگان انگلیسی به بندرشاهپور از زبان ناسروان جعفر فزونی فرمانده ناو سیمرغ از این قرار است:

روزهای گرم و شبهای پر از شرجی داشتیم، هوا مرطوب بود و مه شدید تا ساعتی از روز دریا را می‌پوشاند، ساعت چهار بامداد روز سوم شهریور ۱۳۲۰ بود، من و ناسروان رسایی در عرشه کشتی خوابیده بودیم، بهتر است بگوییم دراز کشیده بودیم؛ چون در آن گرمای خفه‌کننده خواب به چشم‌انمان راه نمی‌یافت. درست یادم نیست چه ساعتی بود، ولی همین قدر می‌دانم که ساعت از چهار صبح گذشته بود که مه‌ناوی پاس به نام مه‌ناوی ناصر نعمان آمد و خبر داد که در محوطه بندرشاهپور سر و صداهایی است. خیلی زود متوجه شدیم که صدای شلیک اسلحه می‌باشد. وضع قرار گرفتن کشتی‌ها طوری بود که ناوهای شهباز و سیمرغ بین کشتی‌های آلمانی و ایتالیایی قرار گرفته بودند. بهتر بگوییم اول پنج کشتی آلمانی هر یک به فاصله تقریبی یک مایل از یکدیگر پهلو گرفته بودند. آن سوی ما سه کشتی ایتالیایی قرار گرفته بودند. به این ترتیب کشتی‌های آلمانی زودتر از ناوها و کشتی‌های ایتالیایی و ناوهای شاهنشاهی شهباز و سیمرغ مورد حمله ناگهانی ناوهای انگلیسی قرار گرفتند. انگلیسی‌ها برای مبارزه با ۱۱ واحد مستقر در بندرشاهپور (پنج کشتی آلمانی و سه کشتی ایتالیایی و ناوهای شاهنشاهی شهباز و سیمرغ و حوض شناور)، ۱۶ ناو مجهز انگلیسی و استرالیایی را وارد میدان کرده بودند. طبق رسوم و قوانین دریایی در چنین مواقعی که خطر برای کشتی قطعی است فرمانده کشتی برای اینکه کشتی به دست دشمن نیفتد آن را

منفجر می‌نماید و از بین می‌برد. انگلیسی‌ها با یورش‌های ناگهانی موفق شدند سه کشتی آلمانی را سالم بگیرند، ولی دو کشتی دیگر آلمانی و سه کشتی ایتالیایی به دست کارکنان منفجر شدند، و ما که مواد منفجره برای انهدام ناوها نداشتیم تصمیم گرفتیم با استفاده از بنزین ناوها را منفجر کنیم، ولی ناگهان خود را در محاصره سربازان انگلیسی دیدیم و از آنجایی که ناوهای ما برای تعمیر سالیانه به تعمیرگاه‌هایشان [= تعمیرگاه‌های انگلیسی‌ها] رفته بودند، از این رو [انگلیسی‌ها] از همه سوراخ و سنبه‌های آنها خبر داشتند. به طوری که بلافاصله پس از تصرف کشتی نقاط حساس آن را اشغال کردند. ما را به عنوان اسیر جنگی دستگیر کردند.

ناو شهباز به سبب آسیبی که به پروانه و سایر قسمت‌های آن وارد شد به طور کلی خراب گردید. اما ناو سیمرخ و حوض شناور، که در کرانه این بندر لنگر انداخته بود، و کشتی‌های پناهنده آلمانی و ایتالیایی، به تصرف نیروهای انگلیسی درآمدند.

نیروهای انگلیسی بعد از تصرف ناوها، برای تصرف تأسیسات بندری خود را آماده کردند. این تأسیسات که تحت فرماندهی ناخدا یکم عبدالله ظلی بود، بدون مقاومت در برابر نیروهای انگلیسی تسلیم و در نتیجه تمام بندر شاهپور به تصرف نیروهای انگلیسی درآمد. افراد پادگان نیروی دریایی بندر شاهپور ۱۴۰ نفر بودند که عده زیادی از آنها شهید و بقیه اسیر شدند.

در بندر شاهپور که در شبهای قبل از سوم شهریور چراغهای بندر خاموش می‌شد، در شب حمله چراغها تا صبح روشن بود. روشن بودن این چراغها به ۱۳ فروند ناوهای جنگی انگلیسی، استرالیایی و هندی

امکان داد تا راه خود را در تاریکی شب تشخیص داده و به آسانی وارد لنگرگاه بندر شاهپور شوند و خود را به ۸ فروند کشتی تجارتی آلمانی و ایتالیایی که به ایران پناهنده شده بودند و دو فروند ناو جنگی ایرانی که مأمور حفاظت بندرگاه شاپور و کشتیهای تجارتی بودند، برسانند و همه آن ها را خلع سلاح کنند. در آن زمان، ورود به لنگرگاه بندر شاهپور در تاریکی شب بدون برخورداری از نور چراغ برای هدایت کشتیها غیرعملی بود.. روشن نگه داشتن چراغهای بندر شاهپور کار عوامل انگلیس ها بود.

حمله به آبادان

در آن زمان آبادان مرکز تأسیسات نفتی و محل سوخت گیری کلیه ناوهای ایرانی بود. ناو پلنگ برای حفاظت از تأسیسات نفتی در کنار یکی از اسکله های این بندر پهلو گرفته بود. فرماندهی این ناو بر عهده ناخدا سوم میلانیا بود و ناوبان یکم کهنمویی مسئول قسمت توپخانه و ناوبان یکم ریاضی مسئول امور هدایت این ناوها بود.

در روز دوم شهریور، یک ناو انگلیسی وارد آبهای آبادان شد و در نزدیکی ناو پلنگ پهلو گرفت. معمولاً رسم بر این است که اگر دو کشتی از دو کشور مختلف در کنار هم پهلو می گرفتند، فرمانده ناو قوی تر آجودانش را به ملاقات فرمانده ناو دیگر می فرستد و بعد از این ملاقات، فرمانده ناو برای ملاقات فرمانده ناو قوی تر می رود و بعد از آن فرمانده ناو قوی تر به ناو او می رود. روز دوم شهریور که آجودان فرمانده ناو انگلیسی به دیدن ناخدا میلانیا رفت، ناخدا میلانیا طبق رسم معمول به دیدار فرمانده ناو انگلیسی رفت و پس از دیدار از فرمانده ناو انگلیسی و انجام تشریفات وقتی تصمیم به برگشت گرفت، فرمانده ناو انگلیسی به او گفت که امروز نمی تواند برای بازدید از ناوهای ایرانی بیاید و فردا

برای بازدید خواهد آمد. ناخدا میلانیاں بعد از بازگشت به ناو پلنگ در مورد تشریفات بازدید فرمانده ناو انگلیسی از ناو پلنگ به کارکنان ناو برای انجام مراسم دستورهایی داد.

در ساعت چهار بامداد سوم شهریور هنگامی که ناوهای انگلیسی به فرماندهی سرهنگ آدامس به کشتی‌های آلمانی، ایتالیایی و ایرانی در بندر شاهپور حمله کردند، در همان موقع فرمانده ناو انگلیسی با شلیک ناگهانی به ناو پلنگ حمله کرد، در این موقع ناخدا میلانیاں در عرشه ناو خوابیده بود. ناوبان یکم کهنموئی فرمانده توپخانه ناو، در کنار توپخانه استراحت می‌کرد. ناوبان یکم ریاضی در قسمت عقب ناو مشغول کشیک و انجام وظیفه بود و نگهبانان ناو هر کدام سر پست‌های خود بودند و بقیه افراد هم در روی عرشه کشتی خوابیده بودند.

بعد از حمله ناگهانی به ناو پلنگ، ناخدا میلانیاں به افسران و افراد خود دستور داد در محل‌های جنگی خود قرار بگیرند، اما شلیک توپ‌های انگلیسی آنقدر زیاد بود که در همان لحظه اول قدرت هر اقدامی از افسران و افراد ناو گرفته شد، و اغلب افراد کشته یا زخمی شدند. ناوبان ریاضی که مشغول کشیک بود، هدف خمپاره‌های ناو انگلیسی قرار گرفت و در همان لحظه شهید شد. ناوبان یکم کهنمویی بر اثر شلیک خمپاره یک دست خود را از دست داد و در حالی که با دست دیگر قصد روشن کردن توپ‌ها را داشت با اصابت یک خمپاره دیگر به شهادت رسید.

در حمله هواپیماهای انگلیسی به ناو پلنگ، قسمت پایین ناو که محل نگهداری مسلسل‌ها بود منفجر شد و ناو پلنگ بر اثر برخورد گلوله‌های دشمن سوراخ شد. ناخدا میلانیاں ناچار شد دستور تخلیه ناو را صادر

کند، چند لحظه به غرق شدن ناو پلنگ باقی نمانده بود که افرادی که در ناو بودند جسد نوابان کهنمویی و نوابان ریاضی و سایر کشته‌شدگان و مجروحان و خود ناخدا میلانین که زخمی شده بود را از ناو خارج کردند و ناو پلنگ در مقابل چشمان آنها در آب‌های اروندرود غرق شد.

ناخدا میلانین که زخمی شده بود، در بیمارستان شرکت نفت ایران و انگلیس بستری شد. اما چون از حمله ناگهانی و ناجوانمردی انگلیسی‌ها ناراحت بود قبول نکرد در این بیمارستان بستری شود. لذا مجبور شدند او را به تهران ببرند و در شرایط آن زمان و اشغال ایران چهل و هشت ساعت طول کشید تا به تهران برسد؛ و به علت جراحات زیاد به شهادت رسید. تمام افسران ناو پلنگ به جز ستوان دوم وهاب‌زادگان، که در مرخصی بود، شهید شدند و از مهنایان و ملوانان تعداد کمی زنده ماند.

حمله به بندر خرمشهر

انگلیسی‌ها از طریق شرکت نفت ایران و انگلیس، اطلاعات کاملی از وضع نیروی دریایی داشتند و چند روز قبل از حمله، شرکت نفت عمق رودخانه کارون در محل لنگرگاه ناوهای ایرانی را اندازه‌گیری کرده بود. همچنین انگلیسی‌ها در سازمان نیروی دریایی ایران عواملی داشتند که از طریق آنها به مقدار اسلحه و مهمات و قدرت دفاعی نیروی دریایی پی برده بودند. به همین جهت بود که فقط یک ناو برای حمله به نیروی دریایی ایران در خرمشهر فرستاده بودند. این ناو، شبانه خود را از بندر بصره به دهانه کارون و مقابل مرکز نیروی دریایی جنوب رسانیده بود و در ساعت ۴/۳۰ بامداد روز سوم شهریور، بیست دقیقه بعد از حمله ناوهای انگلیسی به بندر آبادان، بندر خرمشهر به صورت ناگهانی مورد حمله ناو انگلیسی قرار گرفت. در بندر خرمشهر ناوهای ببر، شاهرخ، هما و کشتی یدک‌بر لنگر انداخته بودند.

چون یکی از اهداف اصلی انگلیسیها نابودی نیروی دریایی جوان ایران بود، از مدتها پیش به افراد و جاسوسان خود در جنوب دستور داده بودند که اطلاعات کاملی از اوضاع نیروی دریایی ایران کسب کنند. به همین دلیل به راحتی توانستند سه پایگاه مهم دریایی نیروی دریایی ایران را اشغال کنند. به نظر می‌رسد آنها به طور برنامه‌ریزی شده ابتدا به بندر شاهپور که کشتی‌های پناهنده آلمانی و ایتالیایی در آنجا بودند حمله کردند و سپس به آبادان برای حفاظت از تأسیسات نفتی رفتند و بعد از آن مرکز نیروی دریایی یعنی خرمشهر را مورد حمله قرار دادند. در نخستین حمله ناو انگلیسی به بندر خرمشهر، ناو ببر مورد حمله قرار گرفت و در آبهای خلیج فارس غرق شد.

دریادار بایندر فرمانده نیروی دریایی جنوب در این زمان در منزل خود بود. وی بعد از شنیدن خبر حمله به نیروی دریایی و غرق شدن ناو ببر، همراه سروان مکران نژاد تلاش کرد خود را به خرمشهر برساند تا سربازان مستقر در آنجا را برای دفاع آماده کند؛ اما در مقابل اداره بی‌سیم خرمشهر مورد حمله تانک‌های انگلیسی قرار گرفت و همراه سروان مکران نژاد به شهادت رسید.

چگونگی حمله به بندر خرمشهر در کتاب ۲۵۰۰ سال بر روی دریاها، که بخشی از خاطرات یکی از افسران نیروی دریایی است، چنین است: ...من نیز عازم منزل خود که نزدیک محوطه نیروی دریایی و در سر راه کوت شیخ واقع بود شدم، فوراً لباس پوشیده و برای خواب روی بام منزل رفتم و خوابیدم. ناگاه گماشته‌ام را دیدم که با عجله مرا صدا می‌کرد و می‌گفت: سرکار از دور صدای تیراندازی با توپ می‌آید. سراسیمه برخاستم، فکر کردم که باز هم مانند چند روز پیش هوایم‌ای ناشناسی بر فراز آبادان مشاهده شده و ناو پلنگ که در اسکله شماره ۱۱ آبادان

پهلوی گرفته بسوی آن هواپیما تیراندازی می‌کند. هنوز به این فکر سروصورتی نداده بودم که محوطه نیروی دریایی روشن شد و صدای شلیک توپ در همان نزدیکی گوشه‌هایم را سخت متأثر ساخت. باز هم خیال کردم که هواپیمایی در آسمان خرمشهر دیده شده و ناو ببر آن هواپیما را هدف قرار داده است. با شتاب از روی بام پایین آمده و تفنگ شکاری خود را با مقداری فشنگ در اختیار گماشته گذاشتم. خواستم چراغ را روشن کنم تا لباس پیوشم، ولی متأسفانه برق نبود و بنظر می‌آمد جریان برق در تمام خرمشهر و محوطه نیروی دریایی قطع شده است. پس از خروج از منزل، در مقابل اسکله شرکت نفت مشاهده گردید که یکی از افسران ناو شاهنشاهی ببر (ناوبان یکم احمد عظیم) با عده‌ای از ناویان وظیفه که برای تمرین تیراندازی در محوطه بی‌سیم می‌خواستند به آن طرف رودخانه کارون بروند از وسط راه برگشته‌اند. آن افسر به من اشاره کرد که روی زمین دراز بکشم و خود را پنهان سازم، افرادی که برای تیراندازی می‌خواستند بروند، در داخل کرجی کارون کاملاً خود را مخفی ساخته بودند. ناگهان رگبار مسلسل سنگین شیشه‌های منزل مجاور را در هم شکسته و موجب تعجب من شد. افسر نامبرده با افراد خود در اسکله شرکت نفت پیاده شده و خود را پنهان ساختند. بطوری که افسر مزبور می‌گفت هواپیمایی در میان نبوده، بلکه یک کشتی جنگی انگلیسی به ناو ببر یا نیرومندترین واحد نیروی دریایی ایران حمله کرده و آنرا آتش زده است. بلافاصله با آن افسر به سمت محوطه نیروی دریایی روان شدیم و افراد نیز به دنبال ما روی زمین می‌خزیدند. صدای شیپور آشوب از سربازخانه نیروی دریایی شنیده می‌شد. با هزار زحمت به سربازخانه رسیدیم. رییس ستاد نیروی دریایی مرحوم ناخدا نصرالله قندی به اتفاق سر افسر نگهبان (ناوسروان علی زند) و افسر نگهبان (ستوان یکم سعید مبصر) و فرماندهان گروه دریایی ناوبان یکم سیف‌الله

آهنین و ناویان یکم ابوالحسن فاطمی و همچنین مدیر ماشین ناو ببر سروان مهندس رضا نوربخش در سرباز خانه بودند. ما برای کسب تکلیف، خود را به رئیس ستاد معرفی کردیم. ایشان دستور دادند افراد فوراً اسلحه بگیرند و آماده دفاع شوند. ضمناً به سروان نوربخش و ناویان یکم عظیماً تأکید کرد که هرچه زودتر خود را به ناو ببر که همچنان می سوخت برسانند و سعی کنند تا بلکه موفق به خاموش کردن آتش در روی ناو مزبور بشوند. لذا دو افسر اخیرالذکر به سمت ناو ببر رفتند، ولی چون خاموش کردن ناو میسر نبوده و استفاده از توپخانه و مسلسل‌های ناو مذکور، به علت آنکه در زیر آتش ناو انگلیسی قرار گرفته و با شدت می سوخت عملی نبود، ناچار برای جلوگیری از سرایت آتش سوزی به مخازن مهمات که ممکن بود به کلی محوطه نیروی دریایی را از بین برد، دو افسر مزبور شیرهای مخصوص غرق کردن مهمات ناوها را با دشواری فراوان گشودند و در نتیجه آب رودخانه با فشار زیاد در مدت بسیار کوتاهی مخازن مهمات را پر کرده و بدین ترتیب کشتی نیمه غرق گردید. فرماندهان گروهان‌های دریایی هر کدام به نوبه خود افرادشان را مسلح کرده (البته فرصت آن نبود که ناویان لباس بپوشند و هر کدام با زیرپیراهن و شلوار تفنگ و فشنگ گرفته و به راه می افتادند و در حرکت لباس می پوشیدند) و آنها را در پشت نرده‌های ساحلی محوطه نیروی دریایی مستقر ساختند. این افراد در نزدیکی نرده‌ها موضع گرفتند و آماده تیراندازی شدند. عده دیگری از ناویان برای آنکه مبادا اشخاص غیرنظامی از ساحل عراق به محوطه نیروی دریایی هجوم بیاورند در کنار ساحل اروندرود مستقر گردیدند. در این موقع من با ناویان یکم آهنین در وسط محوطه نزدیک مجسمه رضا شاه قدم می‌زدیم، البته گاه و بیگاه بسوی ما تیراندازی می‌شد ولی افراد ما با کمال شهامت مواضع خود را حفظ می‌کردند و ناو انگلیسی

از اروندرود داخل رودخانه کارون شده و تقریباً به مقابل ناو ببر که به حالت نیمه غرق می‌سوخت رسیده بود. یک کشتی حامل نیروی انگلیسی به ظرفیت ۵۰۰۰ تن در مقابل گمرک در ساحل عراق لنگر انداخته بود. ناو انگلیسی در کارون آرام آرام پیش می‌رفت و در ضمن هر دو طرف ساحل رود را زیر آتش سنگین مسلسل‌های خود گرفته بود. من مجدداً از محوطه به سربازخانه برگشتم. رئیس ستاد نیرو همچنان در سربازخانه بود و به افراد دستور می‌داد که به سوی ناو انگلیسی تیراندازی کنند. ضمناً سربازخانه هم زیر رگبار مسلسل‌های ناو انگلیسی که دیروز هنگام عبور از اروندرود به خاک ایران سلام کرده و ادای احترام نموده بود قرار داشت. همچنین نارنجک‌های زیادی از طرف ناو مزبور به سربازخانه پرتاب می‌شد که به محض برخورد به زمین در نقاط مختلف سربازخانه منفجر شده و ایجاد رعب و وحشت می‌نمودند. رگبار مسلسل مخزن آب آشامیدنی را که بین سربازخانه و تعمیرگاه جای داشت سوراخ سوراخ کرده و آب تصفیه که با هزار زحمت برای رفع احتیاج افراد و ساکنین محوطه نیروی دریایی تهیه شده بود به شدت خارج می‌شد. سینه ناوچه‌هایی که داخل کارون به اسکله چسبیده بودند به سمت رودخانه بهمن‌شیر بود و لذا با توپ کوچکی که در قسمت جلو داشتند نمی‌توانستند به ناو انگلیسی که از دهانه کارون داخل شده بود تیراندازی نمایند و لذا رئیس ستاد نیروی دریایی به سمت ناوچه‌ها روان شد که برای تیراندازی دستوراتی به آنها بدهد و برای آنکه مورد اصابت رگبار مسلسل ناو انگلیسی قرار نگیرد از پشت انبارهای نیروی دریایی که نزدیک تعمیرگاه بودند حرکت می‌کرد. یکی از ناویان در همان نزدیکی ایستاده و به سمت ناو انگلیسی تیراندازی می‌کرد. چون من با رئیس ستاد بودم لذا به من دستور داد که به طرف آن سرباز بروم و به او بگویم که درازکش تیراندازی نماید. من رفتم که به سرباز مزبور دستور بدهم

که رییس ستاد مقابل گاراژ اتومبیل دریادار بایندر به شدت بر زمین افتاد و گفت تیر خوردم. به اتفاق دو سرباز دیگر که در همان نزدیکی بودند کشان کشان رئیس ستاد را که می‌نالید و خون از بدنش می‌رفت از لای سیمهای خاردار دور بهداری گذرانده و بلافاصله در بهداری بستری نمودیم. در این موقع دو افسر دیگر (ناخدا ۳ مشکین نفس و ناو سروان زند) در بیمارستان بودند. چند دقیقه بعد افسر نگهبان پادگان (ستوان مبصر) هم که کمانه یک تیر پیشانی‌اش را خراشانده بود به بهداری آمد. صدای هواپیماهایی شنیده شد که به سوی خرمشهر و محوطه نیروی دریایی می‌آمدند^{۱۶}

^{۱۶} پایگاه جامع تاریخ معاصر ایران

خرمشهر در بحران

قومیت‌گرائی و تمایلات تجزیه طلبانه درفاصله
شهریور ۱۳۲۰ تا بهمن ۱۳۵۷

با پایان یافتن جنگ جهانی دوم و آزادی نسبی که در سالهای بعد از آن بوجود آمد، احزاب ریادی با گرایشات مختلف در منطقه خاورمیانه شکل گرفتند. در ایران که این آزادی همچنین متأثر از خروج رضا شاه از کشور بود، باعث ایجاد فضای باز سیاسی و شکل‌گیری احزاب و گروه‌های مختلف بود. دهه ۱۳۲۰ در ایران همچنین متأثر از چند عامل دیگر نیز بود: ۱- رشد و گسترش افکار چپ‌گرایانه و کمونیستی؛ ۲- تمایلات ناسیونالیستی در منطقه عربی بویژه با روی کار آمدن جمال عبدالناصر در مصر؛ ۳- اقدامات انگلیس به منظور حفظ نفوذ و قدرت خود در منطقه نفت‌خیز خوزستان بویژه پس از شکل‌گیری اندیشه ملی کردن صنعت نفت و قدرت گرفتن دکتر مصدق.

در کنار این مسائل بخصوص در مورد گسترش تمایلات قومی و تجزیه-طلبانه، تشکیل حکومت نوپای عراق بعد از جنگ جهانی دوم و ادعاهای ارضی این کشور در قبال خوزستان، نکته قابل توجه می‌باشند.

تشکیل حزب بعث در عراق البته به این ادعاهای قومیتی دامن می‌زد و برای آن نوعی ارزش‌گذاری می‌نمود که ناگزیر از سوی بسیاری از رهبران کشورهای عربی دنبال می‌شد. حزب بعث در سال ۱۹۴۷ میلادی توسط دو معلم به نامهای میشل عفلق^{۱۷} و صلاح بیطار پایه‌گذاری شد.

^{۱۷} میشل عَفَلَق متولد سال ۱۹۱۰ در دمشق فیلسوف، جامعه‌شناس و ملی‌گرای عرب سوری بود. او بنیادگذار عقیدتی جنبش بعثی (شکل سکولاری از ملی‌گرایی عربی) بود. میشل عفلق پدر معنوی صدام حسین به شمار می‌رود. میشل عفلق نظریه‌پرداز و آغازگر حزب بعث سوسیالیست عرب بود که با کمک صلاح‌الدین بیطار این حزب را تأسیس کرد. وی در دمشق در خانواده‌ای مسیحی از شاخه ارتودکس یونانی زاده شد و در سال ۱۹۴۹ به‌عنوان وزیر

عفلق یک مسیحی ارتودوکس و بیطار مسلمانی با گرایش مسیحی بود. بنیانگذاران حزب بعث بر این باور بودند که وحدت اعراب پیش شرط حل و فصل معضلات جهان عرب و بازگشت آنها به دوران شکوه و عظمت پیشین است. از این رو، در ایدئولوژی حزب بعث، دولت‌های عربی تشکیل شده پس از فروپاشی امپراطوری عثمانی به رسمیت شناخته نمی‌شوند. در تعریف بنیانگذاران فکری حزب بعث فرد عرب کسی است که به زبان عربی صحبت کند، در سرزمین اعراب زندگی کرده باشد یا پس از آنکه در فرهنگ کشورهای عربی جذب و ادغام شده، خود را متعلق به ملت عرب بداند. عفلق، نظریه پرداز این حزب معتقد بود که پیامبر اسلام در درجه اول بنیان‌گذار امت عرب و در درجه دوم، فردی مذهبی بود.

با پایان گرفتن کار رضا شاه در ایران و خروج او از کشور در سال ۱۳۲۰، اولین ززمه‌های نارضایتی در خوزستان مربوط به حضور شیخ چاسب پسر شیخ خزعل در خوزستان بود که با کمک تعدادی از رؤسای قبایل و با پشتیبانی مالی عراق، در صدد تشکیل یک گروه سیاسی و نظامی برآمد. اما به زودی در دام تشکیلات امنیتی رژیم پهلوی افتاد و از انجام هر گونه حرکتی ناکام ماند.

فرزند دیگر شیخ خزعل به نام عبدالله در سال ۱۳۲۴ با تشویق و حمایت کشورهای عربی منطقه از جمله عراق به خوزستان بازگشت و با استفاده از شرایط سیاسی آن زمان، سعی در شکل دادن به حضور سیاسی شیوخ

آموزش و پرورش برگزیده شد و تا چند سال در این منصب باقی ماند. میشل عفلق در جهت یگانگی و ملی‌گرایی تند اعراب و رهایی از استعمار غربی تلاش زیادی کرد.

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8904020945>

عرب در هوزستان و تصاحب قدرت در خوزستان و ایجاد زمینه برای جدا سازی این استان از خاک ایران را داشت.

شیخ عبدالله در این راه از مساعی دولت انگلیس نیز بر خوردار بود. فعالیت شیخ عبدالله هم‌زمان بود با اوج گرفتن نارضایتی کارگران صنعت نفت خوزستان به تحریک حزب توده و درگیری‌هایی که متعاقب آن بین عشایر عرب و کارگران واقع شد. حزب توده با بهره‌برداری از تضییقاتی که توسط عمال انگلیسی صنعت نفت بر کارگران می‌رفت، توانست تعداد زیادی از آنان را در زیر لوای حزب توده گرد آورد. در تقابل با این مسئله، کنسول انگلیس در خوزستان با پشتیبانی استاندار خوزستان آقای مصباح فاطمی و پیمانکاران شرکت نفت ایران و انگلیس، با همکاری تعدادی از شیوخ عرب منطقه اتحادیه‌ای به نام اتحادیه عشایر خوزستان، تشکیل داد.

این اتحادیه که ابتدا برای حفاظت از منافع انگلیس تشکیل شده بود با حمایت‌های عراق و چراغ سبز انگلیس به زودی داعیه‌های قومیتی و تجزیه‌طلبانه را مطرح ساخت

دولت عراق که پشتیبانی همه جانبه‌ای از تمایلات تجزیه‌طلبانه در خوزستان داشت، پس از تشکیل حزب استقلال عراق با استفاده از شرایطی که در خوزستان پدید آمده بود و حضور شیخ عبدالله پسر شیخ خزعل به عنوان نماد تمایلات تجزیه طلبانه و قومیت عرب، با انتشار اعلامیه‌ای بر بازگشت خوزستان ایران به عراق تأکید نمود. دولت عراق در این زمان حتی از خوزستان به عنوان یکی از استانهای خود نام می‌برد که در اشغال حکومت ایران می‌باشد. بنابر این دکتر فاضل وزیر امور خارجه عراق که عنوان نمایندگی در انجمن صلح پاریس را داشت، زمینه

را برای طرح موضوع خوزستان، به زعم آنان عربستان، در اتحادیه عرب و حضور شیخ عبدالله خزعلی در آن جلسه آماده نمود.

ار این زمان، تشکیل گروه‌ها و احزاب با رویکرد تجزیه‌طلبانه و مخالف حکومت مرکزی ایران در خوزستان به شدت از سوی کشورهای عربی به ویژه عراق دنبال می‌شد. انگلستان هم که خود را با مخالفت‌ها و احساسات ضد انگلیسی در میان دولتمردان و مردم ایران مواجه می‌دید، برای کنترل و نفوذ بیشتر خود در منطقه نفتی خوزستان، از هرگونه تحرکات تجزیه‌طلبانه در منطقه حمایت می‌کرد؛ زیرا این گروه‌ها در صورت موفقیت اولیه، به دلیل عدم توانائی سیاسی به سرعت در آغوش انگلستان می‌افتادند که سابقه استعماری دیرینه در منطقه داشت.

تشکیل حزب سعادت توسط تعدادی از جوانان تحصیل کرده عرب خوزستان نیز در همین راستا مورد حمایت عراق و انگلیس بود. این نام برگرفته و یادآور نام «کمیتة قیام سعادت» متشکل از تعدادی قبایل عرب و بختیاری در اوائل دوره رضا شاه به بهانه حمایت از احمدشاه قاجار بود. اعضای این حزب اهداف خود را یگانگی و اتحاد اعراب خوزستان، ایجاد مراکز آموزشی جهت آموزش به زبان مادری و مقاومت در برابر دخالت‌های حکومت مرکزی اعلام نمودند.

هر چند اعضای این حزب شیعه مذهب بودند و برنامه‌های خود را بر پایه آموزه‌های مذهبی اجرا می‌کردند، اما بزودی در دام سیاست‌های دولت انگلیس افتاده و به درگیری با کارگران هوادار حزب توده کشیده شدند. در درگیری‌های پیش آمده که تعداد زیادی از طرفین در آن کشته و مجروح شدند منزل حداد کنعانی از رهبران برجسته حزب سعادت به آتش کشیده شد و خود او نیز به قتل رسید.

سیاست انگلیس در قبال خوزستان

در این سالها به هدایت و تشویق لرد چارلز تران رئیس اینتلیجنت سرویس خاورمیانه دستگاه امنیتی انگلیس، زمینه شکل گیری جنبش‌هایی با صبغه قومی در منطقه پدید آمد که در مقاطع مختلف تاریخی هر کدام ضمن ترویج افکار و عقاید خود، در بعضی موارد به اقدامات تخریبی و تروریستی نیز متوسل می‌شدند. از جمله این گروه‌ها که با حمایت و هدایت انگلیس شکل گرفتند می‌توان به: جنبش ناسیونالیست عرب، جبهه‌ی التحریر خوزستان، قداثیان خلق عرب و حزب کارگران عرب اشاره داشت.

نقشه دیگر دولت انگلیس برای تجزیه استان خوزستان، بویژه در سالهای ابتدائی پس از پایان جنگ جهانی دوم همواره در ذهن دولتمردان این کشور وجود داشته است. با آغاز جنگ جهانی دوم، دولت انگلیس به بهانه حفظ منافع خود در حوزه‌های نفتی جنوب، استان خوزستان را به اشغال خود درآورد. دولت‌های عراق و سایر امارت‌های عربی در این زمان از فرصت استفاده کردند و از دولت انگلیس خواستند که خوزستان را به کشور خود الحاق کند. همزمان حزب استقلال عراق با انتشار بیانیه‌ای برگزاری یک رفراندوم تحت نظر یک سازمان بین‌المللی غیر متعهد را درخواست کرد تا مردم این خطه به اصطلاح سرزمین عربی بتوانند به سادگی اراده خود را بیان کنند. حزب استقلال عراق سپس بیانیه دیگری انتشار داد که در آن پرده از قصد اصلی خود برداشته بود؛ به این بهانه که این ایالت که بیشتر ساکنان آن را عربها تشکیل می‌دهند، باید به یک کشور عربی بپیوندد. اما جامعه عرب به دلیل مخالفت مصر در آن زمان، به خاطر خویشاوندی که بین دربار ایران و مصر به وجود آمده بود، به این مسئله رسیدگی نکرد. با وجود این، قبائل عرب با

هدایت دولت عراق شکایتی علیه ایران به جامعه عرب تسلیم کردند و از طرف دیگر در سال ۱۳۳۵ انجمنی بنام دفاع از خوزستان تشکیل شد که هدف آن جلب توجه محافل بین المللی به مسأله خوزستان بود. در تمام این تحرکات دولت عراق دست داشت و حتی به اعراب خوزستان پیشنهاد کرده بود که تابعیت عراق را بپذیرند.

نقشه دیگر دولت انگلیس جهت تجزیه خوزستان، در زمان دکتر محمد مصدق بوده است. همزمان با ملی شدن شرکت نفت، مجدداً موضوع تجزیه خوزستان از سوی دولت انگلیس مطرح شد. وزارت امور خارجه انگلیس برای این منظور طرحی نظامی تهیه و تنظیم کرد که حاوی نقشه اشغال خوزستان از سوی دولت عراق با کمک و یاری انگلستان بود. طرح مذکور مشروط بر این بود که دوران متارکه‌ای در پی حمله برقرار شود و در طول دوران یاد شده، ایران از این استان خود به نفع عراق چشم‌پوشی کند.

در مراحل بعدی، دولت انگلیس با تحریک ایلات و عشایر و تحویل اسلحه به آنها، اعلام کرد که ایلات و عشایر جنوب خود می‌توانند بهره‌برداری نفت جنوب را بدست بگیرند. و نگذارند که دولت مرکزی ایران از منابع طبیعی و نفتی خوزستان استفاده کند. سرانجام این مرحله تجزیه خوزستان هم با سقوط حکومت دکتر مصدق و تشکیل کنسرسیوم نفت و تأمین منافع نفتی انگلیس متوقف شد.

موج عربی

موج عربی دخالت در امور خوزستان و تحریک اعراب این نواحی به جدا شدن از ایران، از سال ۱۹۶۱ (۱۳۴۰ش) در پس اوج گیری حرکت‌های ناسیونالیستی و استقلال‌طلبانه جهان سوم بخصوص با توجه به

نهضتی که جمال عبدالناصر در مصر رهبری آن را بر عهده داشت، شکل گرفت. از آن جمله تشکلی که مدتی بهد با نام جبهه التحریر، جبهه آزادی‌بخش، خوزستان ایجاد گردید.

مؤسس این جبهه آزادی‌بخش، محی الدین کعبی متولد ۱۹۲۲ اهواز بود. او پس از پایان تحصیلات خود در عراق، به نزد پدر هود شیخ حمیدان از شیوخ عشیره کعب در اهواز بازگشت. محی الدین در اشعاری که در همین زمان سروده روح شیخ خزعل را مورد خطاب قرار می‌دهد. او در سال ۱۹۴۶ (۱۳۲۵ش) عضو کادر رهبری حزب سعادت خوزستان بود. وی در سال ۱۳۳۷ با تعدادی از دوستان عرب و همین‌طور عراقی خود تشکیلات جبهه التحریر یا جبهه آزادی‌بخش را بنیان گذاشت. محی الدین و تعدادی از همفکرانش برای مدتی به کویت رفتند و پس از بازگشت، فعالیت سیاسی خود را در اهواز از سر گرفتند.

محی الدین به منظور اجرای اولین برنامه عملیاتی خود، به ارتش ایران پیوست و تلاش کرد تا حمله‌ای نظامی علیه خوابگاه‌های سربازان ترتیب دهد، اما دو ساعت قبل از شروع عملیات دستگیر و روانه زندان شد و تنها پس از تقدیم ضمانت از سوی عشایر و وساطت آنها آزاد شد. محی الدین یک بار دیگر در تاریخ ۴ آذر ۱۳۴۲ به اتهام تشکیل یک سازمان عربی جدایی طلب توسط ساواک بازداشت شد و به همراه دو نفر دیگر از اعضای گروهش به نام‌های عیسی و دهراب پس از تحمل ۸ ماه بازداشت، توسط دادگاه نظامی به اعدام محکوم و در ۲۴ خرداد ۱۳۴۳ در پادگان اهواز تیرباران شدند.

این حزب که اتکایش بر قومیت عربی بود، در اصول به حزب بعث گرایش پیدا می‌کرد. البته محی الدین با در پیش گرفتن شعارهای مترقی

و اتخاذ مشی مبارزه با رژیم وابسته شاه توانست در میان عده‌ای از جوانان عرب، پایگاهی پیدا کند. این سازمان که ساخته و پرداخته کشور عراق بود، علیرغم آنکه محی الدین سعی در استقلال عمل خود داشت، به زودی تبدیل به گروهی برای اجرای سیاست‌ها و مطامع رژیم عراق شد. پس از دستگیری و اهدام برخی سران جبهه، سایرین متواری شدند و در کشورهای لیبی، سوریه و عراق مراکزی برای ادامه فعالیت ایجاد کردند.

رژیم عراق که پس از حاکمیت حزب بعث، آشکارا از خود تمایل تجاوز به منطقه بسیار با ارزش نظامی، سیاسی و اقتصادی خوزستان را نشان می‌داد، از این گروه به عنوان سرویس اطلاعاتی که به تحرکات سیاسی تبلیغاتی و یا به اقدامات خرابکارانه نیز دست می‌زد، استفاده می‌کرد. پس از توافق سال ۱۹۷۵ الجزایر، رژیم بعث تعدادی از عناصر جبهه را به رژیم شاه تحویل داد که برخی اعدام شدند و برخی به زندانهای طولانی مدت محکوم شدند.

بعد از انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر بین ایران و عراق، همین جبهه به لیبی رفت ولی با این وجود، عراق همچنان برای حفظ و بقای چنین گروهی تلاش می‌کرد تا در موقع مقتضی از آن استفاده کند.

لیبی پس از به قدرت رسیدن سرهنگ قذافی، از دیگر کشورهای عربی بود که از تجزیه خوزستان حمایت می‌کرد. سرهنگ قذافی که داعیه رهبری جهان عرب را داشت و خود را هم‌پایه جمال عبدالناصر می‌دید برای نشان دادن خود در سطح منطقه، به حمایت از خلق‌های عرب و از جمله تمایلات تجزیه‌طلبانه در خوزستان می‌پرداخت. از دی ماه ۱۳۵۱ لیبی به طور علنی به مخالفت با رژیم شاه و حمایت از گروه‌های تجزیه‌

طلب در جنوب ایران پرداخت. دولت قذافی تحت نام جبهه آزادی‌بخش احواز و عربستان در نقشه‌های جغرافیائی که در کشورش به چاپ رسانده بود، علاوه بر اینکه نام خلیج فارس را به خلیج عربی تغییر داد، خوزستان را نیز به عنوان یک ناحیه عربی که باید به اعراب باز گردد، ذکر کرد.

دولت لیبی در کنگره‌ای که در سال ۱۳۵۰ به نام کنگره خلق‌ها در این کشور تشکیل داده بود، کسانی را به عنوان نمایندگان جبهه آزادی‌بخش عربستان (خوزستان) و جبهه التحریر الأحواز به آنجا دعوت کرد. حمایت لیبی در روزهای ابتدایی بعد از انقلاب هم از جدایی‌طلبان جنوب ادامه یافت. عناصر وابسته به این گروه‌ها، از مبدأ لیبی و دار الطریق سوریه، به مقصد خرمشهر، همراه با مقداری اسلحه وارد تهران شدند که شناسایی و متواری گردیدند. بعد از انقلاب اعضای همین گروه‌ها به تخریب و انفجار لوله‌های نفت و اماکن و مراکزی در خوزستان پرداختند.

تأسیس جبهه آزادی‌بخش اهواز یا جبهه التحریر یا جبهه آزادی‌بخش عربستان توسط عراق، پشتیبانی آشکار و روشن دولت‌ها و یا نمایندگان پارلمان‌های سوریه، کویت، مصر، لیبی و عراق، از طرح جدا شدن خوزستان از ایران، اختصاص دادن شبکه‌های ویژه رادیو و تلویزیونی برای تشویق عرب‌های خوزستان به جدایی‌طلبی و نیز چاپ و پخش صدها کتاب، روزنامه و مجله، تشکیل سمینار و اجلاس در این ارتباط بوده است.^{۱۸}

^{۱۸} راه‌نما، ماهنامه مطالعات بین‌المللی تروریسم، سال دوم، شماره هشتم، شهریورماه ۹۱، ص

نگاهی به درگیری‌های خرمشهر در خرداد ۱۳۵۸
پس از پیروزی انقلاب و از هم گسیختن وحدتی که علیه شاه بین
نیروهای سیاسی با گرایشهای مختلف شکل گرفته بود، آیت الله آل شبیر
خاقانی به تدریج از نیروهای مذهبی فاصله گرفت و به جریان قومی
نزدیک شد.

این امر به نوبه خود شکاف میان دو جریان قومی و مذهبی را عمیق کرد
و موجب بروز جنگ داخلی کوتاه مدتی در خرمشهر در ماه‌های خرداد
و تیر ۱۳۵۸ شد. هر چند این جنگ مهار شد، اما رژیم بعث عراق که
برای آغاز جنگ با ایران زمینه‌چینی می‌کرد، به بهره‌برداری از این رخداد
پرداخت.

نخستین اختلاف بر سر ترکیب اعضای کمیته انقلاب اسلامی خرمشهر
بود که آیت الله آل شبیر خاقانی به رغم حضور توأمان نیروهای قومی و
مذهبی، با ترکیب آن مخالف بود. این اختلاف به استعفای دسته جمعی
اعضای کمیته و انحلال آن انجامید و موجب شد که هر یک از دو جریان
قومی و مذهبی تشکیلات سیاسی نظامی خود را در خرمشهر به وجود
آورند. به این ترتیب کانون فرهنگی نظامی جوانان مسلمان خرمشهر به
وسیله نیروهای مذهبی بنیان نهاده شد و جریان قومی نیز ستاد رزمندگان
خلق عرب را به وجود آورد که از حمایت آیت الله شبیرخاقانی برخوردار
شد. به موازات ستاد رزمندگان خلق عرب و همسوبا آن، تشکیلات دیگری
به نام کانون فرهنگی خلق عرب شکل گرفت که سه شعار اساسی را
محور حرکت خود قرار داده بود: اول اینکه دروس مدارس خوزستان
باید به زبان عربی باشند، دوم آنکه نفت باید ابتدا در خوزستان مصرف
و سپس به بیرون ارسال شود و سوم اینکه مسئولان استان خوزستان باید
همگی از عرب‌زبانان باشند.

بدین ترتیب نزاع بر سر خواسته‌های جریان قومی بالا گرفت و فضای سیاسی خرمشهر را به شدت ملتهب کرد. در اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ کانون فرهنگی نظامی جوانان مسلمان خرمشهر با انتشار اعلامیه‌ای که به امضای گروهی از کسبه شهر رسید، حمایت آیت‌الله شبیرخاقانی از جریان قومی را مورد انتقاد قرار داد و سپس در واکنش به این انتقاد، طرفداران آیت‌الله شبیر خاقانی در فرمانداری خرمشهر تحصن کردند. این تحصن با راهپیمائی متحصنان و به آتش کشیدن کانون فرهنگی نظامی جوانان مسلمان خرمشهر وارد فاز خشونت شد و تحصن متقابل نیروهای مذهبی در مسجد جامع و اعتراض شدید آنها به آیت‌الله شبیر خاقانی و فرزندش را در پی داشت. جریان قومی حتی تعدادی از اعضای کانون فرهنگی نظامی جوانان مسلمان را نیز به گروگان گرفتند.

در این شرایط فرمانداری خرمشهر به سبب شرایط بحرانی منطقه، خواستار خلع سلاح عمومی، انحلال سازمانها و کانونهای غیر رسمی و تخلیه اماکن دولتی اشغال شده به وسیله این سازمانها شد. متعاقب این خواسته و پس از مذاکرات متحصنان مسجد جامع با دریا دار احمد مدنی استاندار خوزستان، تحصن مسجد جامع با دو شرط پایان یافت: تخلیه تمام اماکن سازمان سیاسی خلق عرب و کانون فرهنگی خلق عرب و نیز تحویل سلاح‌های همه سازمانهای سیاسی نظامی خرمشهر به فرمانداری این شهر.

با وجود این سازمان سیاسی خلق عرب از اخلیه سازمانها و تحویل سلاح‌های خود سر باز زد و اعضای کانون فرهنگی خلق عرب در محل این کانون دست به تحصن زدند. در این شرایط استاندار خوزستان که تا این زمان می‌کوشید بحران را از طریق میانداری و میانجیگری حل و

فصل کند، با اختطار قبلی صد نفر از تکاوران نیروی دریائی را از بوشهر به خرمشهر فرا خواند تا کنترل مؤثری را بر شهر اعمال کند.

این اقدام استاندار، نتیجه مطلوب را به بار نیاورد و در اوائل خرداد گروهی از مهاجمان که گمان می‌رفت وابسته به سازمان سیاسی و کانون فرهنگی خلق عرب هستند، با حمله به گمرک خرمشهر، یک پاسدار و یک مأمور گارد ساحلی را از پای درآوردند. بلافاصله بعد از این واقعه، دریادار مدنی به خرمشهر آمد و طی مذاکرات چند جانبه با فرماندار، شهردار، برخی روحانیون و نیز برادر آیت‌الله شبیر خاقانی توافق شد که ضرب الأجل خلع سلاح تا ۱۰ خرداد تمدید شود. اما این توافق نیز به اجرا در نیامد و از بامداد ۹ خردادماه درگیری‌های شدیدی در خرمشهر و اطراف آن روی داد.

بیانیه‌ای که دولت موقت سه روز پس از این واقعه منتشر کرد، حاکی از آن بود که درگیری از سوی یازمان سیاسی و کانون فرهنگی خلق عرب آغاز شده و حمله به متحصنان مسجد جامع، آتش زدن اماکن عمومی و خصوصی و تیراندازی به سوی مأموران پلیس، بالا گرفته است. در این بیانیه کشته شدن پنج نفر از اعضای جریان قومی و مجروح یا دستگیر شدن ۵۰ نفر از آنان تأیید شده و از کشیده شدن دامنه درگیری‌ها به آبادان نیز سخن رفته بود. اما نکته مهمتر آن بود که همزمان با درگیری در خرمشهر، سربازان عراقی نیز در مقابل پاسگاه مرزی خرمشهر مستقر شده و چهار فروند بالگرد عراقی بر فراز پاسگاه‌های مرزی ژاندارمری در منطقه خسروآباد به پرواز درآمدند.

البته روایت جریان قومی کاملاً برعکس بود و حتی آیت‌الله آل شبیرخاقانی با انتشار اطلاعیه‌ای حمله به دفتر سیاسی و کانون فرهنگی خلق عرب

را آغاز درگیری و مسبب آن دانست. به هر حال، درگیری مسلحانه با هر گروهی که بود، موقعیت نظامی جریان قومی را کاملاً تضعیف کرد و امکان تحرک نظامی را از آنان گرفت. در این شرایط، هواداران جریان قومی در مسجد امام صادق، پایگاه آیت‌الله شبیر خاقانی، دست به تحصن زدند و برای برآورده شدن خواسته‌هایی چون برکناری استاندار، رسیدگی دولت به موضوع حمله به خانه آیت‌الله شبیر خاقانی و جمع آوری سلاح-هائی که به ادعای آنان از سوی نیروی دریائی میان اعضای کانون فرهنگی نظامی جوانان مسلمان خرمشهر توزیع شده بود، ۴۸ ساعت مهلت دادند. آنها خواسته‌هایی مانند محکوم کردن کشتار خلق مسلمان عرب از سوی مراجع تقلید را مطرح کردند که اجابت آن خارج از حیطه قدرت حکومت مرکزی بود. آیت‌الله شبیر خاقانی هم با اعلام اینکه تیمسار مدنی به جای برکناری و محاکمه به جای دیگری منتقل شود و ضرب الاجل جریان قومی از ۴۸ ساعت به ۵ روز افزایش یابد، حمایت خود را از خواسته‌های متحصنان اعلام کرد.

درگیری‌های خرمشهر که در پی درگیری‌های اوایل سال ۵۸ در ترکمن-صحرا و به موازات درگیری‌های دامنه‌دار کردستان صورت گرفت و یک وجه آن خواسته‌های قومی بود، نگرانی‌های زیادی را در پایتخت به وجود آورد. نه فقط حکومت مرکزی بلکه احزاب سیاسی نیز ماجرا را با نگرانی تعقیب می‌کردند. از این رو در ۱۵ خرداد ۱۳۵۸ هیأتی متشکل از نمایندگان جبهه ملی، جبهه دموکراتیک ملی، کانون نویسندگان، کانون وکلا، حزب جمهوری اسلامی، حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان، حقوقدانان و دانشگاهیان از تهران به خرمشهر رفتند تا به میانجیگری بپردازند. در پایان این روز در جلسه‌ای که با حضور آیت‌الله شبیر خاقانی، احمد مدنی استاندار، فرمانده لشکر خوزستان، فرماندار خرمشهر، دادستان

انقلاب اسلامی و برخی روحانیان تشکیل شد، توافقاتی برای پایان مخاصمه به عمل آمد: انتخاب و انتصاب افراد در مشاغل دولتی بر مبنای شایستگی و ایمان و اعتقاد به انقلاب از میان عرب‌زبانان و فارسی‌زبانان، شناسائی و محاکمه مسببان وقایع خرمشهر، رسیدگی به خانواده مقتولان و مجروحان، برقراری امنیت شهر و روستابه وسیله شهربانی و ژاندارمری انحلال همه سازمان‌ها و کانونها و جبهه‌های نظامی بومی، استفاده از پاسداران غیر بومی در صورت لزوم، توجه به عملیات عمرانی در منطقه، بررسی حادثه حمله به خانه آیت‌الله شبیرخاقانی و رسیدگی به وضعیت دستگیرشدگان که از مفاد توافقنامه ۸ ماده‌ای بین مدنی و شیخ شبیر بود.

این توافق نشان می‌داد که جریان قومی کاملاً تضعیف شده و برای به کرسی نشاندن خواسته‌های اولیه و رادیکال خود دست بالا ندارند. به همین سبب تحرکات جریان قومی کمابیش ادامه پیدا کرد. و به موازات آن تحرکات مرزی و تبلیغات رژیم عراق افزایش یافت. در حالی که خرمشهر می‌رفت تا دوره‌ای از آرامش نسبی را تجربه کند، شیخ صادق خلخالی در مصاحبه‌ای در ۳۰ خرداد ۵۸ اعلام کرد که مجازات خائنان و تجزیه‌طلبان مرگ است و اگر شیخ شبیر نیز به بازی‌های تجزیه‌طلبانه ادامه دهد، خائن شناخته می‌شود و مصداق همین امر خواهد بود^{۱۹}. این

^{۱۹} قسمتی از مصاحبه باقر عالی‌خانی با آیت‌الله خلخالی: من عقیده‌ام این است که اگر دولت فاطح بود این کارها پیش نمی‌آمد. کما اینکه به مجرد ورود من به خوزستان به (آیت‌الله) شبیرخاقانی پیغام دادم: که من نه کار به حضرت امام دارم، نه کار به بازرگان دارم، نه کار به مدنی دارم، نه کار به آقای شریعت‌مداری دارم، من وقتی ببینم تو می‌خواهی.....خلاصه افراط کنی و بازی در بیابوری و خلق عرب و نمیدانم مسأله تجزیه درست کنی، به والله میگذارم پای دیوار و ده گلوله به مغرت خالی می‌کنم و همین حرکت من باعث شد که این شیخ دست و پایش را جمع کرد این را می‌گویند حرکت انقلابی، اگر این جور نباشد که نمی‌شود مملکت را اداره کرد! هی بشین مذاکره و از این بازیها..... هفتته نامه بامشاد شماره ۳، از ۲۳ تا ۳۰ تیر ۵۸

سخنان با توجه به جایگاه مذهبی شیخ شبیر کاملاً تحریک‌آمیز بود و به جریان‌های قومی فرصت داد تا درگیری‌ها را این باراز طریق ایجاد حریق و انفجار از سر بگیرند.

در تاریخ ۲۱ تیر ۵۸ انوشیروان رضائی، فرمانده سپاه خرم‌آباد که برای حفاظت از مرز و مؤسسات دولتی خرمشهر به منطقه اعزام شده بود، شهید شد. و دو روز بعد مهاجمان در مراسم ختم وی در مسجد جامع با پرتاب نارنجک، ۷ نفر را کشته و ۶۰ نفر را مجروح کردند. این بار مردم خشگمین خرمشهر پیش از قوای دولتی وارد عمل شده و ضمن حمله به خانه شیخ شبیر که با مقاومت مسلحانه محافظان او و کشته شدن عده‌ای از طرفین همراه بود، شیخ را دستگیر کردند و ابتدا به اهواز اعزام و سپس با نظر امام خمینی، همراه خانواده‌اش به قم منتقل شد.^{۲۰}

^{۲۰} راه‌نما، ماهنامه مطالعات تروریسم، سال دوم، شماره هشتم، شهریورماه ۱۳۹۱، صص ۴۲-۴۳

روزشمار غائله خلق عرب

۸ فروردین ۱۳۵۸: تشدید تبلیغات و تحرکات قومی در خرمشهر

۱۸ فروردین ۱۳۵۸: اعلام موجودیت کانون فرهنگی خلق عرب مسلمان در اهواز

۲۱ فروردین ۱۳۵۸: نامه دولت موقت به آیت‌الله شبیر خاقانی مبنی بر اعزام هیأتی از ایرانیان عرب‌زبان خوزستان به تهران برای بیان خواسته‌های خود جهت گنجاندن در قانون اساسی

۲۷ فروردین ۱۳۵۸: بروز اختلاف بین روحانیان خرمشهر بر سر خلع سلاح نیروهای موسوم به خلق عرب و نیروهای مذهبی و انقلابی و جایگزینی نیروهای رسمی اعزامی دولت برای تأمین امنیت شهر

۲ اردیبهشت ۱۳۵۸: تهدید آیت‌الله محمد طاهر آل شبیر خاقانی به ترک کشور در اعتراض به آنچه وی آن را مداخله بی‌رویه کمیته‌ها برخلاف موازین شرعی و قانونی می‌دانست

۷ اردیبهشت ۱۳۵۸: تقاضای خودمختاری هیأت نمایندگان عرب‌زبان در خوزستان از دولت

۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸: انتشار اطلاعیه سازمانها و کانونهای موسوم به خلق عرب در حمایت از آیت‌الله شبیر خاقانی و عزل فوری مدنی از سمت استاندار خوزستان

۱۵ اردیبهشت ۱۳۵۸: تلگراف استاندار خوزستان به وزارت کشور درباره روابط مشکوک کنسول عراق با عناصر محلی در خرمشهر

۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۸: سخنان تحریک آمیز آیت‌الله شبیر خاقانی علیه کانون فرهنگی نظامی جوانان مسلمان خرمشهر در مسجد امام صادق و متعاقب آن حمله عناصر خلق عرب به ساختمان کانون و به آتش کشیدن آن و بازداشت اعضای کانون از جمله محمدجهان‌آرا

۲ خرداد ۱۳۵۸: دیدار گروهی تحت عنوان نمایندگان خلق عرب مسلمان با نخست‌وزیر در تهران و تسلیم خواسته‌هایی از قبیل اعتراف به ملیت خلق عرب ایران، تشکیل مجلس محلی در منطقه خودمختار، مشارکت در مجلس و دولت، تأسیس دانشگاه و دادگاه‌های عربی، به رسمیت شناختن زبان عربی در منطقه، آزادی بیان، ایجا رادیو و تلویزیون مستقل محلی به زبان عربی و...

۵ خرداد ۱۳۵۸: ملاقات سران شیوخ ایل باوی خوزستان با استاندار و سوگند وفاداری به انقلاب اسلامی، اعلام انزجار از تجزیه‌طلبی و آمادگی مبارزه با آن، سخنان مدنی درباره توطئه‌های ضد انقلاب در خوزستان و ضرورت مقابله با آنها

۶ خرداد ۱۳۵۸: دستور به کلیه قوای انتظامی خرمشهر برای آغاز خلع سلاح عمومی و گرفتن سلاح‌های غیر مجاز در خرمشهر بنا به خواسته دولت، آیات عظام و مردم

۷ خرداد ۱۳۵۸: دستگیری سه نفر از اعضای مسلح سازمان سیاسی خلق عرب توسط پاسداران انقلاب اسلامی و کماندوهای ارتش

۸ خرداد ۱۳۵۸: حمله عناصر خلق عرب به گمرک خرمشهر و به شهادت رساندن دو پاسدار انقلاب اسلامی

۹ خرداد ۱۳۵۸: آغاز درگیری مسلحانه در خرمشهر با شلیک پیاپی سرنشینان یک پیکان سواری در ساعت ۴ صبح، سنگر بندی عناصر سازمان سیاسی خلق عرب در خیابانها، حمله به ساختمان شهربانی، اعلام وضعیت فوق العاده، حمله به پاسگاه‌های مرزی، نیروی دریائی و اداره بندر، ایجاد آتش سوزی‌های متعدد، تصرف مراکز مختلف و بازپس‌گیری آنها، منع عبور و مرور از ساعت ۱۰ شب، بروز اغتشاش و درگیری در آبادان و اهواز همزمان با وقوع درگیری در خرمشهر، تحرکات نظامی نیروهای عراقی در نزدیکی مرز همزمان با اوج درگیری در خوزستان، تحریک و تشویق رادیوهای عراق و کویت در ایجاد درگیری در خوزستان

مقارن ساعت ۴ بامداد یک اتومبیل پیکان سواری با چند سرنشین در شهر به حرکت درآمد و با شلیک‌های پیاپی آرامش شهر را بر هم زد تا جائیکه صدای الله‌امبر از بعضی خانه‌های شهر به گوش می‌رسید. این اتومبیل به سوی مسجد جامع محل تحصن مخالفان جریان خلق عرب آمد و پس از شلیک تیر و پرتاب کوکتل متواری گشت. صدای شلیک گلوله‌های پی در پی مردمی را که در مسجد جامع به خواب رفته بودند وحشت‌زده بیدار کرد. به دنبال این تیراندازی بامدادی برای مدت کوتاهی صدای گلوله شنیده نشد. لیکن عناصر سازمان سیاسی خلق عرب به داخل شهر آمده و شروع به سنگربندی کردند. به این ترتیب بار دوم تیراندازی‌ها بیشتر و بیشتر شد تا آنجا که از ساعت ۶ بامداد شهر از صدای گلوله پر شد و این در حالی بود که افرادی از داخل رودخانه به سوی شهربانی خرمشهر شلیک می‌کردند. مهاجمان گوشه‌هایی از ساختمان شهربانی را به آتش کشیدند و از دو طرف به سمت آن حملات مسلحانه را شروع کردند. سرانجام نیروهای کمکی و پاسداران وارد شهر شدند و پاسداری نقاط حساس شهر را به عهده گرفتند و تیراندازی‌های متقابل توسعه و ادامه یافت.

با شروع درگیری‌ها، مدنی استاندار خوزستان- که شب گذشته در خرمشهر مانده بود- بامداد امروز در این شهر حالت فوق العاده اعلام کرد و از مردم خواست حتی الامکان از خانه‌های خود خارج نشوند و آرامش و خونسردی خود را حفظ کنند.

در ساعت ۶ بامداد پاسداران انقلاب و کماندوها و تکاوران ارتش، ساختمان پانزده هزار متری سازمان سیاسی خلق عرب را از چهار طرف محاصره کردند و درگیری شدیدی بین دو طرف

درگرفت. پس از نیم ساعت نیروهای دولتی از داخل ساختمان شهربانی به ساختمان سازمان سیاسی نفوذ کردند در ساعت ۶:۳۰ حمله به اطراف ساختمان کشیده شد در حالی که اعضای سیاسی خلق عرب از درون سنگرهای ساختمان و پشت‌بام به شدت می‌جنگیدند.

در ساعت ۶:۴۰ با رسیدن نیروهای کمکی ساختمان مرکز سیاسی خلق عرب سقوط کرد. در نتیجه درگیری در ساختمان مذکور، از سازمان سیاسی خلق عرب ۳ نفر کشته، ۱۰ نفر مجروح و ۷ نفر دستگیر شدند و مقداری اسلحه بدست نیروهای ارتشی افتاد. همزمان با حمله به ساختمان سازمان سیاسی خلق عرب، کماندوها به ساختمان کانون فرهنگی خلق عرب در خیابان فردوسی حمله کردند این ساختمان سریعاً سقوط کرد و ۳۰ نفر از افراد کانون فرهنگی بازداشت شدند.

در ساعت ۷ صبح افراد سازمان سیاسی خلق عرب ساختمان فرمانداری خرمشهر را که مرکز فرماندهی عملیات است از ناحیه پشت ساختمان مورد حمله قرار دادند که با مقاومت روبرو شده و مجبور به عقب‌نشینی شدند.

ساعت ۷:۴۵ ساختمان شهربانی بار دیگر مورد حمله قرار گرفت و در حالی که گوشه‌هایی از آن همچنان در آتش می‌سوخت، با رسیدن نیروهای کمکی از یقوت آن جلوگیری شد و مهاجمان عقب نشستند. ساختمان شهربانی تا ساعت ۱۱ صبح در آتش می‌یوخت و چند اتومبیل مستقر در شهربانی با کوکتل مولوتف به آتش کشیده شد و نیروهای پلیس مستقر- که صرفاً از ساختمان و موقعیت خود دفاع می‌کردند- موفق شدند از سقوط حتمی شهربانی جلوگیری کنند.

همان با این زد و خوردها، در خیابانهای مرکز شهر با راه‌بندان و آتش زدن اثاثیه، عبور و مرور قطع و حالت ففق‌العاده ایجاد شد. همچنین به پایگاه دریایی خرمشهر و پادگان دژ آماده‌باش داده شد.

به نوشته روزنامه اطلاعات، تا ساعت ۷:۴۵ صبح خبری از تلفات احتمالی و یا زخمی شدن کسی نرسید، لکن به گفته مسئولان بیش از ۳۰ تن از مهاجمین دستگیر شدند.

در ساعت ۸ صبح بین افراد سازمانهای سیاسی خلق عرب و پاسداران در فیلیه خرمشهر در نزدیکی گمرک درگیری شدیدی درگرفت. در این درگیری برتری با نیروهای خلق عرب بود و فرمانده پاسداران این منطقه چندین بار تقاضای کمک کرد.

در همین ساعت خبرنگار روزنامه کیهان طی گزارشی از خرمشهر اعلام کرد: «از ساعت ۳/۵ بامداد امروز تیراندازی شدیدی در شهر خرمشهر آغاز شده و صدای رگبار یک لحظه قطع نمی‌شود. کماندوهای دولتی، گروه‌های ضربت و پاسداران انقلاب اسلامی ایران ساختمانهای متفرقه را محاصره نمودند. مدارس و بازار به کلی تعطیل است، وضع شهر غیر عادی می‌باشد. امروز صبح گروهی به ساختمان مخابرات حمله کردند و شیشه‌های آن را خرد نمودند و گروهی دیگر دستگاه‌های پمپ‌بزن شهر را خرد کردند. تیراندازی همچنان ادامه دارد. آژیر آمبولانس به گوش می‌رسد، تعداد کشته‌شدگان و زخمی‌ها هنوز مشخص نیست. تا این لحظه کار کماندوها و پاسداران این است که خلق عرب را خلع سلاح نمایند و تا ۸ صبح دستور تخریب و شدت عمل نگرفته‌اند. این در حالی است که اکنون ساختمانهای پست و تلگراف و ساختمان دخانیات و چندین مغازه به آتش کشیده شده‌اند و به علت آتش سوزی سیم‌های برق و تلفن، برق و ارتباطات تلفنی قسمتی از خرمشهر قطع گردیده است. تمام خیابانهای شهر توسط افراد مسلح سازمان خلق عرب سنگربندی شده و صدای رگبار مسلسل لحظه‌ای قطع نمی‌شود. ارتباط شهر با فرمانداری و مرکز ستاد عملیات قطع شده است و اعراب در تمام خیابانهای شهر مستقر شده‌اند.

در ساعت ۹ صبح حمله به کلانتری ۱ در کوتشیخ خرمشهر توسط افراد آن دفع گردید. در سه راه شلمچه در جاده مرزی ایران و عراق نیز اعراب قسمتی از تأسیسات غیر قابل استفاده ارتش را به آتش کشیدند.

تا ساعت ۱۰ صبح صدای تیراندازی در سرتاسر خرمشهر به گوش می‌رسید. صدها فروشگاه بزرگ و کوچک به آتش کشیده شدند، دود غلیظی تمام شهر را در بر گرفته است. فروشگاه‌های مبل شیرازی، مبل حسان، سوپرمارکت ونک از جمله فروشگاه‌های بزرگی هستند که طعمه حریق شدند. انبار کابل شرکت برق، انبار شرکت نفت و انبار راه‌آهن به آتش کشیده شده است. به ادارات دولتی مانند مخابرات و دخانیات حمله شده و خساراتی به بار آمده است. در کنار ساختمان فرمانداری درگیری شدیدی بین دو طرف جریان دارد. بازارها و خیابانهای شهر را مردم سنگربندی کرده‌اند. کلیه راه‌های ورودی شهر، جاده اهواز به خرمشهر و آبادان به خرمشهر بسته شده است.

در ساعت ۱۰:۳۰ افراد خلق عرب از طریق کارون و شط‌العرب با موتور لنج و دوبه به پایگاه نیروی دریایی خرمشهر حمله کردند که پایگاه به دفاع پرداخت. این حمله و دفاع به مدت ۳ ساعت ادامه داشت که در نتیجه با عقب‌نشینی نیروهای خلق عرب مرتفع شد.

در ساعت ۱۰:۵۵ نیروی در سائی جمهوری اسلامی در تلفنگرامی به ستاد ارتش جمهوری اسلامی‌آخرین وضعیت خرمشهر را تا این ساعت چنین گزارش داد: ۱- مهاجمین از خیابان

چهل متری تا مبل شیرازیکلیه مغتزه‌ها را آتش می‌زدند. ۲- بیمارستان دکتر مصدق را آتش زدند. ۳- اطراق ژاندارمری خرمشهر را به آتش کشیده‌اند. ۴ کارخانه صابونسازی در اطراف خرمشهر را به آتش کشیده‌اند. ۵ نمایندگی شورلت ایران، منازل بلوار مهر واقع در جاده شلمچه، انبار برق و اداره پخش خرمشهر را آتش زده و مورد حمله قرار داده‌اند. ۶- برابر گزارش بیمارستان پایگاه نیروی دریائی تا ساعت ۱۰:۳۰ روز ۵۸/۳/۹ تعداد دو نفر از پرسنل این نیرو کشته و ۸ نفر زخمی گردیدند. ۷- برابر گزارش آقای دیده‌ور رئیس اداره بندر خرمشهر در ساعت ۱۰:۰۰ روز جاری به اداره مزبور حمله شده و مشغول تخریب و چاشنی گذاری با وسایل منفجره می‌باشند.

در ساعت یازده صبح اداره بندر و انبارهای آن به آتش کشیده شدند و پاسگاه‌های ژاندارمری خن، بهمشیر، دربند، و هرپه مورد حمله قرار گرفتند اما مهاجمین نتوانستند پاسگاه‌ها را خلع سلاح نمایند. در همین هنگام، جایگاه پمپ‌بزرین خرمشهر، نمایندگی شرکت جنرال موتورز و بانک صادرات شعبه چهل متری به آتش کشیده شدند. و سه فروند کشتی ۳ هزار تنی تجاری نیز در آبهای کارون جنب پل خرمشهر به آتش کشیده شد و کاملاً از بین رفتند.

مقارن ظهر کلاتری ۳ خرمشهر که به تصرف عناصر خلق عرب در آمده بود از آنها باز پس گرفته شد

بر اساس اطلاعیه دولت موقت، افراد سازمانهای خلق عرب در ظهر چهارشنبه ۵۸/۳/۹ جاده خرمشهر آبادان را اشغال کردند که به این ترتیب عبور و مرور کاملاً قطع گردید. همچنین پاسگاه ژاندارمری حرطه و پادگان نیروی دریائی در محاصره افراد مسلح قرار گرفت

با تشدید درگیری‌ها، افراد گروهک خلق عرب در خرمشهر از سایر نیروهای خلق عرب تقاضای کمک کرده‌اند و این نیروها برای کمک به تدیج وارد خرمشهر شدند. علاوه بر این، عده‌ای از اهالی منطقه عرب‌نشین شادگان نیز پس از کسب اطلاع از زد و خورد و جنگ در خرمشهر اکثراً مسلح شده و به سوی این شهر سرازیر شدند، هر چند در بین راه قوای دولتی از حرکت آنان جلوگیری کردند لیکن بسیاری از این افراد از طریق بیابانها خود را به خرمشهر رساندند.

از سوی دیگر، نیروهای کمکی از تهران، اهواز و دیگر شهرهای خوزستان وارد خرمشهر شدند. تعداد افراد اعزامی از سپاه پاسداران انقلاب تهران به خرمشهر در دو روز ۸ و ۹ خرداد به ۴۰۰ نفر رسید. ۱۳۰ تن از پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان دزفول نیز به وسیله دو فروند هلی‌کوپتر به کمک نیروهای انتظامی خرمشهر به این شهر اعزام شدند. اضافه بر این احمد مدنی استاندار خوزستان طی تلفنگرامی به وزارت کشور خواستار نمایش نیروهای نظامی در

خرمشهر شد. در این تلفنگرام آمده بود: «وضع خرمشهر آشفته تر شده است و بسیاری از نقاط شهر به وسیله عناصر آشوبگر وابسته به خلق عرب و غیره به آتش کشیده شده است. درخواست نیرو گردیده است که بیشتر از پاسداران می باشند. ولی بایستی نیروی هوایی دزفول برای نمایش قدرت، نیروئی به فرودگاه آبادان گسیل دارد. در پی این درخواست، دو فروند هواپیمای جت بوئینگ نیروی هوایی در فرودگاه آبادان به زمین نشست و تعدادی کماندو را برای تقویت نیروهای مستقر در خرمشهر به آبادان منتقل کرد.

با ورود نیروهای کمکی سپاه و ارتش، از ساعت ۲ بعد از ظهر تیراندازی ها تا حدودی فروکش کرد و مأموران انتظامی و نظامی و پاسداران شهر را در دست گرفتند و فقط گاه گاهی صدای رگبار و تک تیرها به گوش می رسید. اما از ساعت ۴ بعد از ظهر درگیری بار دیگر شدت یافت و مجدداً تیراندازی ها بخصوص از قسمت کوت شیخ با اسلحه کالیبر ۵۰ تیربار آغاز گردید. تیراندازی از درون کشتی های کوچک تجاری که در مقابل اداره شهربانی متوقف شده بودند آغاز و بیشتر به سمت ساختمان شهربانی و مأموران آن شلیک می شد بطوری که دیوارهای ساختمان گلوله باران شده است. ناوچه های مسلح نیروی دریائی خرمشهر به طور مداوم بر روی رودخانه مشغول گشت می باشند و عبور و مرور و سائط نقلیه آبی را به سختی زیر نظر دارند. بر اساس اطلاعاتیه دولت موقت در ساعت ۵ بعد از ظهر نخلستان و جنگل خسرو آباد را عناصر خلق عرب به آتش کشیدند. با تشدید درگیری مدنی استنادار خوزستان با شرکت در جلسه شورای امنیت شهر خرمشهر دستور داد با تمام قدرت مهاجمین را سرکوب نمایند.

در ساعت ۹ شب شهر به کلی خلوت شد، چراغ ها در اغلب خیابانها خاموش بود، رفت و آمد به کلی قطع گردید. جلسه شورای امنیت شهر از صبح به طور مداوم در فرمانداری ادامه داشت. از ساعت ۱۰ شب منع عبور و مرور در خرمشهر اعلام شد. در همین ساهت گروهی به پاسگاه های ژاندارمری در نوار مرزی به سختی حمله کردند ولی مأمورین ژاندارمری با شدت به آنها پاسخ داده از پاسگاه ها نگهداری می کنند.

در مورد تعداد زخمی ها و تلفات درگیری خرمشهر مطبوعات ارقام مختلفی را اعلام کردند. روزنامه کیهان ۵۸/۳/۱۰ ابتدا خبر داد در برخوردهای خشونت بار خرمشهر تاکنون ۲۱ کشته و ۷۶ تن مجروح شده اند. همین روزنامه در بخش دیگری به نقل از خبرگزاری پارس نوشت: در برخوردهای دیروز خرمشهر ۴ نفر کشته و ۱۷ نفر زخمی شدند که از این تعداد ۱۳ نفر از زخمی شدگان از مهاجمین و ۴ نفر از پاسداران بودند. این روزنامه در گزارش دیگری به نقل از آمار بیمارستان دکتر مصدق اعلام کرد: تعداد کشته شدگانی که در سردخانه این بیمارستان می باشند تا عصر دیرز ۱۲ جسد بود ولی تعداد کشته شدگان از ۳۰ نفر تجاوز می کند و تعداد

زخمی‌ها از یکصد نفر متجاوز است. روزنامه اطلاعات به نقل از شخصی که از وی به عنوان یکی از اعضای خلق عرب نام برد نوشت که کشته شدگان بیش از ۱۵ نفر و مجروحین بین ۶۰ تا ۷۰ نفر می‌باشند.

همزمان با وقوع درگیری در خرمشهر، شهرهای اهواز و آبادان نیز دستخوش اغتشاش و نا آرامی شد. در اهواز گروهی در ارتباط با وقایع خرمشهر و به طرفداری از گروه‌های درگیر با دولت، در خیابانهای امام خمینی و سی‌متری دست به تظاهرات زدند و شعارهایی در محکومیت واقعه خرمشهر دادند با شروع این تظاهرات، مغاره‌ها تعطیل شد و گروه‌هایی از مردم اهواز به مقابله با تظاهر کنندگان پرداختند و ضد و خوردی بین دو طرف به وجود آمد. بلافاصله مأموران و پاسداران انقلاب وارد عمل شدند و با تیراندازی‌های خود به زد و خورد پایان دادند و تظاهر کنندگان متفرق شدند.

از سوی دیگر، به دنبال وقایع خرمشهر، شهر اهواز با ورود نیروهای پاسدار و افراد داوطلب تقویت شد و چون احتمال حمله به مرکز رادیو و تلویزیون در اهواز می‌رفت، ساختمان این محل به محاصره پاسداران درآمد و ۳ زره‌پوش در اطراف این محل مستقر شدند. در پی نا آرامی‌های اهواز، مدنی استاندار خوزستان که در این شهر به سر می‌برد گفت: به دنبال آشوب مختصری که در اهواز روی داد، چند نفر از عناصر ضد انقلاب دستگیر شدند. دادگاه‌های انقلاب اسلامی در اهواز و سایر شهرهای خوزستان بدون هیچ‌گونه تبعیضی به محامکه عناصر ضد انقلاب خواهند پرداخت، دستور داده‌ام پس از اطمینان کامل از هویت عناصر ضد انقلاب و کسانی که علیه انقلاب ایران فعالیت می‌کنند، به دستگیری آنها اقدام کنند تا در این میان افراد بی‌گناه بی‌جهت مورد اتهام و دستگیری قرار نگیرند.

آبادان نیز در پی حوادث خرمشهر شاهد درگیری بود، در صبح نیروهای دولتی در ایستگاه ۸ آبادان به سازمان فرهنگی خلق عرب نفوذ کردند و پس از درگیری، عده‌ای را دستگیر نمودند و ساختمان سازمان مذکور را به تصرف درآوردند این نیروها سپس عازم سازمان سیاسی خلق عرب آبادان واقع در منطقه بهم‌نشیر شدند و این محل را نیز به تصرف درآوردند. از سوی دیگر، با انتشار اخبار وقوع درگیری در خرمشهر از ساعات اولیه بامداد گروهی از اهالی آبادان به هواداری از مهاجمین هلق عرب درگیر در حوادث خرمشهر در محل ایستگاه ۸ آبادان دست به تظاهرات زدند که با تیراندازی همراه بود. در این تظاهرات یک مینی‌بوس به آتش کشیده شد. پس از شروع تظاهرات، پاسداران انقلاب برای پراکنده کردن آنان وارد عمل شدند و در نتیجه دو طرف دست به تیراندازی زدند. بعد از ظهر مأموران ژاندارمری به کمک پاسداران شتافتند و در مقابل تظاهر کنندگان سنگر بندی کردند. همچنین در محل ایستگاه ۱۰ آبادان نیز - که در یک کیلومتری محل حادثه و مجاور نخلستانهای کنار بهم‌نشیر است - گروه‌های مختلف

به طرفداری از افراد درگیر در خرمشهر و آبادان تظاهراتی انجام دادند و با شلیک گلوله، به ساختمان یکی از تأسیسات فرعی شرکت نفت خسارتهائی وارد شد. به نوشته روزنامه کیهان در ساعت یک بعد از ظهر طی یک درگیری که در ایستگاه ۸ تا ۱۰ بین عده ۲۰۰ نفری از مهاجمان و پاسداران انقلاب اتفاق افتاد، سه نفر کشته و چهار نفر زخمی شدند. با وجود این این درگیری‌ها با فرا رسیدن شب آبادان آرامش خود را باز یافت و اوضاع به حال عادی بازگشت.^{۲۱}

۱۱ خرداد ۱۳۵۸: ۱۲ مجروح و دو کشته طی درگیری‌های امروز خرمشهر. اعلام آمادگی عده کثیری از جوانان اهواز برای خنثی کردن اعمال ضد انقلاب در پی حمله مسلحانه ضد انقلاب به پمپ‌بنزین این شهر

۱۲ خرداد ۱۳۵۸: ادامه تعطیلی ادارات دولتی، مدارس و بازار برای چهارمین روز متوالی، دومین روز تحصن در مسجد امام صادق، قطع برق شهر، آرامش نسبی در خرمشهر، کشف تعدادی اسلحه سرد و گرم توسط پاسداران انقلاب اسلامی و مراقبت شدید از مرزها

۱۸ خرداد ۱۳۵۸: پایان تحصن ۷ روزه عناصر خلق عرب در مسجد امام صادق خرمشهر پس از توافق بین شبیر خاقانی و مدنی

۲۰ خرداد ۱۳۵۸: انفجار در خط آهن خرمشهر به اهواز علی‌رغم امضای توافقنامه بین مدنی و شبیر خاقانی

۲۳ خرداد ۱۳۵۸: تلاش گسترده مقامات اجرائی، قضائی و نیروهای کمیته‌ها و پاسداران انقلاب برای مقابله با عوامل ضد انقلاب و بمب‌گذار در خوزستان، انتشار اطلاعیه دادستانی انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر

^{۲۱} روزشمار جنگ ایران و عراق - زمینه سازی، کتاب دوم، بحران در خوزستان، حسین یکتا، صص ۳۴۳-۳۵۲

درباره محدودیت عبور و مرور شبانه از جاده‌هی مرزی و ضرورت دریافت پروانه حمل سلاح در منطقه

گزارش ملاقات شیخ عیسی خاقانی با استاندار خوزستان و آزادی زندانیان عرب دستگیر شده در وقایع خرمشهر

مصاحبه شیخ عیسی خاقانی درباره حوادث خرمشهر، وحدت کلمه بین عرب و عجم، رد تجزیه‌طلبی، حمایت از مدنی (استاندار) و علوی (فرماندار)، نام خلیج فارس، تشکیل کمیته بررسی مسائل خرمشهر، تشکیل مجدد کانون فرهنگی عرب و همچنین فعالیت‌هایش در قطر

۲۴ خرداد ۱۳۵۸: مقاله شدید اللحن روزنامه الثوره علیه انقلاب اسلامی با عنوان معذور است آنکه هشدار داده (أعذر من أذرت) و اعلام صریح حمایت عراق از تحركات جدائی طلبانه در خوزستان

۲۵ خرداد ۱۳۵۸: ادامه خط‌مشی ایجاد رعب و وحشت و بمب‌گذاری جریان‌های قومی در خوزستان از جمله تیراندازی شبانه در آبادان، حمله با کوکتل مولوتف به سینما اتحاد و اداره بندر خرمشهر

تشدید جنگ تبلیغاتی بین ایران و عراق: تفسیر ۱۵ دقیقه‌ای تلویزیون بغداد از اوضاع ایران و حوادث خوزستان و نام بردن از خوزستان و خرمشهر با نام‌های عربستان و محمره، تفسیر رادیو صوت الجماهير از خواسته‌های مردم خوزستان و استفاده از الأحواز به جای اهواز

۲۶ خرداد ۱۳۵۸: انتشار اعلامیه شیخ شبیر خاقانی و دعوت از مردم برای حفظ اتحاد برای اعتلای کلمه توحید و تحقق عدالت اسلام و برقراری جمهوری اسلامی

۲۸ خرداد ۱۳۵۸: برپائی نمایشگاهی از سلاح‌ها و مسلسلهای ساخت عراق با آرم ارتش این کشور و اسناد و مدارکی دال بر دخالت عراق در ناآرامی‌های خوزستان در اهواز

اظهارات معاون سیاسی وزارت کشور درباره ناآرامی‌های خوزستان و نقش دولت‌های خارجی بویژه عراق و کویت در آن

۲۹ خرداد ۱۳۵۸: پرتاب نارنجک اشک‌آور به سوی شهربانی و بازار کویتی‌های آبادان

۳۰ خرداد ۱۳۵۸: انتشار خبری از قول حجت‌الاسلام خلیفانی مبنی بر مجازات خائنین و تجزیه‌طلبان از جمله شبیرخاقانی و در پی آن دعوت گروه‌های خلق عرب به راه‌پیمایی اعتراض‌آمیز در خرمشهر

ادامه اقدامات خشونت‌بار در خرمشهر: حمله به انبار مخابرات خرمشهر و به آتش کشیدن آن، آتش کشیدن خانه‌های اداره بندر و پرتاب نارنجک و بمب دستی به داخل خانه بعضی از مردم

۳۱ خرداد ۱۳۵۸: گسترش تدریجی تحریکات ایذائی خشونت‌بار ضد انقلاب در خرمشهر، گزارش مطبوعات از ایجاد آشوب در شهر و حمله با نارنجک جنگی و کوکتل مولوتف و مسلسل به مردم و به آتش کشیدن ساختمان مخابرات، انبار چوب و منازل پیش‌ساخته، ادامه اعتراضات و تجمعات علیه اظهارات حجت‌الاسلام خلیفانی، راه‌پیمایی گروه‌های موسوم به خلق عرب و انتشار قطعنامه پنج ماده‌ای: محکومیت حجت‌الاسلام خلیفانی، نقض توافقنامه بین شبیرخاقانی و مدنی، آزادی بدون قید و شرط زندانیان عرب، محاکمه و سرکوب پاسداران

اعلامیه ۹ تن از روحانیون خرمشهر درباره هجرت از شهر در اعتراض به آزادی عمل ضد انقلاب و اوضاع کنونی که زندگی در شهر را غیر ممکن کرده است

۱ تیر ۱۳۵۸: ادامه ناآرامی‌ها در خرمشهر، انفجار مین در محل تقاطع جاده خاکی و آسفالت‌ه شهر، قاچاق گسترده سلاح از عراق به ایران و دستگیری محمد ناصری قاچاقچی اسلحه و عزیز صابری از اعضای سازمان انقلابی در خرمشهر

۲ تیر ۱۳۵۸: تداوم عملیات خرابکارانه گروه‌های موسوم به خلق عرب در خوزستان از جمله به آتش کشیدن انبار سازمان آب، برق و مخابرات خرمشهر برای سومین بار، دستگیری رئیس انبار مخابرات خرمشهر به اتهام آتش زدن این انبار، دستگیری شش جاسوس عراقی در خوزستان توسط سپاه پاسداران.

۴ تیر ۱۳۵۸: تعویق مهاجرت روحانیون شهر در اعتراض به اقدامات ضد انقلاب و سفر نماینده ستاد امام خمینی به خرمشهر جهت رفع نگرانی از روحانیون

آزادی ۲۰۰ تن از بازداشت‌شدگان حوادث اخیر خرمشهر، پرتاب نارنجک به خانه حجت الاسلام جمی از روحانیون مبارز آبادان

۹ تیر ۱۳۵۸: حمله افراد مسلح به فرودگاه آبادان برای دومین بار و پرتاب نارنجک به سوی آن و آسیب دیدن یک هواپیمای دو موتور

گروهی باعنوان فدائیان سازمان سیاسی عرب عربستان با انتشار اخطاریه- ای تهدید به عملیات نظامی علیه نیروها و تأسیسات دولتی کرد

اظهارات دادستان انقلاب اسلامی خوزستان مبنی بر دستگیری ۱۰۰ نفر در ماهشهر که قصد رفتن به عراق برای آموزش نظامی و سیاسی داشتند، خبر فرمانده سپاه خرمشهر در مورد دستگیری عوامل عراقی که سلاح توزیع می‌کرده‌اند

گزارش مرزبانی خرمشهر از تحرکات خودروهای عراقی در داخل خاک ایران

۱۱ تیر ۱۳۵۸: اخطار دادسرای انقلاب اسلامی خوزستان به کسانی که با داشتن اسلحه غیر مجاز سبب ناامنی می‌شوند، اظهارات قائم مقام مرزبان خرمشهر درباره انواع اسلحه از عراق به خوزستان و آموزش افراد جبهه التحریر خوزستان در بصره، اظهارات فرماندار خرمشهر مبنی بر دستگیری ۱۲ جاسوس عراقی، تفسیر روزنامه کیهان از تأثیر انقلاب اسلامی در عراق

۱۲ تیر ۱۳۵۸: تلگرام سازمان سیاسی خلق عرب خوزستان به دبیر کل سازمان ملل و درخواست اعزام نماینده برای بررسی وضعیت زندانیان سیاسی عرب

۱۳ تیر ۱۳۵۸: تلگرام ژاندارمری کل کشور از آموزش نظامی ۱۶۰ ایرانی در پادگان محمد قاسم عراق زیر نظر افسران عراقی

افشاگری مرزبان خرمشهر درباره عوامل دست‌اندر کار حوادث خوزستان از جمله سیل قاچاق اسلحه از عراق به ایران، اقدامات تبلیغاتی عراق در خوزستان، خالی بودن پاسگاه‌های مرزی از نیرو و امکانات، آموزش نظامی گروهی با عنوان فدائیان عرب در اردوگاه‌های نظامی بصره، تمکز نیروهای عراق در مرز ایران و بریده شدن سیم‌های خاردار در منطقه کوشک

۱۴ تیر ۱۳۵۸: پرتاب بمب دستی به سالن انتظار فرودگاه اهواز و درگیری مسلحانه بین مهاجمین و پاسداران و فرار آنها، اظهارات فرماندار اهواز درباره هدف این حمله

۱۶ تیر ۱۳۵۸: ادامه انفجارات در خوزستان از جمله انفجار مهیب در لوله‌های نفت در پنج کیلومتری بندر ماهشهر و قطع خطوط نفت امیدیه، آغاچاری و رکود آبادان، شلیک موشک آر پی جی ۷ به پاسگاه مرزی سعیدیه و انهدام ساختمان پاسگاه و تیراندازی با سلاح‌های کالیبر کوچک و مجروح شدن تعدادی از پرسنل

۱۷ تیر ۱۳۵۸: پرتاب بمب دست‌ساز در کنار پل فلزی خرمشهر و زخمی شدن ۳ پاسدار، اطلاعیه دادستان داسرای انقلاب اسلامی خوزستان درباره مجازات شدید تظاهرات مسلحانه در شهر

تلگرام روحانیون خرمشهر به آیت الله العظمی نجفی و اظهار اطلاع از اوامر ایشان

۱۸ تیر ۱۳۵۸: راهپیمایی امروز در خرمشهر به دعوت جنبش مجاهدین خلق عرب به مناسبت چهلمین روز درگذشت شهدای خلق عرب با عکس‌هایی از شبیر خاقانی و عزالدین با شعارهای خودمختاری خلق عرب و درخواست محاکمه مدنی، صدور قطعنامه در پشتیبانی کامل از شیخ شبیر، آزادی بدون قسد و شرط زندانیان عرب، تضمین حقوق ملت‌های کرد، عرب و...، رفع سانسور، تظاهرات و پخش اعلامیه‌های گروه چهارشنبه سیاه در رادیو لندن

۱۹ تیر ۱۳۵۸: حملات مسلحانه به مأموران شهربانی مستقر در زیر پل و پایگاه نیروی دریایی خرمشهر و پاسگاه‌های مرزی خرمشهر، پرتاب مواد

منفجره به سوی باشگاه شهربانی اهواز و وقوع انفجار در خط آهن
خرمشهر به اهواز

۲۰ تیر ۱۳۵۸: ادامه تحرکات حشومت بار در خوزستان از جمله انفجار
لوله‌های حمل نفت اهواز به پالایشگاه آبادان، حملات متعدد گروه‌های
ناشناس به مراکز مختلف خرمشهر، درگیری پاسداران انقلاب با عناصر
ضد انقلاب در جزیره مینو

آزادی ۳۵ تن از دستگیر شدگان حوادث اخیر خوزستان از زندان اهواز
در پی دستور امام خمینی

۲۱ تیر ۱۳۵۸: فرماندار اهواز: برای اجرای خلع سلاح عمومی در ۵۶۸
روستای تابع اهواز به زودی سپاه پاسداران عشایری تشکیل می‌شود

اعدام عبدالرضا آل کثیر فرزند یکی از شیوخ خوزستان به جرم اعمال
ضد انقلابی و ایجاد آشوب در متنطقه دزفول

افشاگری علی شمس اردکانی سفیر ایران در کویت درباره اسناد همکاری
بین جبهه التحریر و ساواک

۲۲ تیر ۱۳۵۸: تشدید درگیری مسلحانه و انفجار در خوزستان از جمله
تیراندازی به مأموران شهربانی مستقر در زیر پل و پایگاه نیروی دریائی
خرمشهر، حمله به پاسداران و مأموران انتظامی و پاسگاه‌های مرزی،
کمین عناصر خلق عرب علیه پاسداران در منطقه کوت شیخ، شهادت
انوشیروان رضائی سرپرست پاسداران اعزامی از خرم‌آباد، خرابکاری در
لوله نفت دارخوین، گزارش رویت‌در رادیولندن از درگیری‌های خوزستان

اعلامیه شبیر خاقانی خطاب به مردم آبادان و خوزستان و درخواست حفظ آرامش و اعلام خطر به دولت نسبت به ایجاد لبنانی دیگر

اعلم موجودیت گروه جدیدی با عنوان سازمان چریکی صاعقه در خوزستان و انتشار اعلامیه‌ای در تشریح اهداف خود از جمله مبارزه چریکی برای خودمختاری خوزستان، حمایت از تمام گروه‌های مترقی و آزادی و عدم تابعیت از هیچ‌گونه ایدئولوژی.

۲۴ تیر ۱۳۵۸: اوج بحران در خرمشهر: برگزاری سومین روز شهادت سرپرست پاسداران اعزامی از خرم‌آباد در مسجد جامع خرمشهر، راه-پیمائی مردم در حمایت از انقلاب اسلامی، امام دولت و استاندار خوزستان و محکومیت ضد انقلاب و تحرکات تجریه‌طلبانه، پرتاب نارنجک به میان مردم و شهادت ۷ تن و مجروح شدن شصت تن، آتش گشودن عده‌ای به سوی جمعیت و پاسداران انقلاب از طرف منزل شیخ شبیر، مقابله شدید پاسداران و محاصره منزل شیخ و تصرف آن، بازرسی منزل شیخ و کشف تعدادی سلاح و مقادیری مهمات در آن، اقدام گسترده پاسداران انقلاب در سطح شهر بدای شناسائی و دستگیری عاملان ماجرا و اعلام آماده باش.

جستجوی خانه به خانه پاسداران انقلاب در خرمشهر برای دستگیری عناصر ضد انقلاب، کشف مقادیر زیادی موشک آر پی جی ۷ و مواد منفجره، دستگیری بیش از ۲۰ نفر از جمله دو تبعه عراقی که در قاچاق اسلحه به داخل ایران دست داشتند.

اعتراف افراد وابسته به گروه چریکی چهارشنبه سیاه و صاعقه به دخالت در حادثه مسجد جامع، صدور اطلاعیه شماره ۱ دادستانی انقلاب اسلامی

خوزستان و صدور حکم اعدام ۳ تن از متهمان و اجرای حکم در ساعت ۱۰ شب، تشکیل جلسه شورای شهر با شرکت مدنی استاندار، فرمانده ژاندارمری خوزستان، فرمانده لشکر ۹۲ زرهی و دادستان انقلاب اسلامی خوزستان و اتخاذ تصمیم درباره ضرورت انتقال شیخ شبیر از شهر

استعفای سید محمد رضا علوی فرماندار خرمشهر در آخرین ساعات امروز در اعتراض به آنچه که «دخالت افراد غیر مسئول در خوزستان» عنوان کرد

به مناسبت سومین روز شهادت پاسدار انوشیروان رضائی مسئول پاسداران اعزامی از خرم‌آباد، به دعوت جامعه روحانیت خرمشهر مراسمی در ساعت ۹ صبح در مسجد جامع این شهر بر پا شد. در این مراسم که به نوشته مطبوعات سی هزار تن در آن شرکت داشتند، حجت‌الاسلام سیدابوالقاسم دیباجی به عنوان نماینده امام خمینی در خوزستان، طی سخنانی با تأکید بر حمایت از انقلاب اسلامی و پیروی از امام خمینی، گفت: «باید به تشکیل سازمان پرداخت و به طور متحد با ضد انقلاب جنگید» پس از آن حجت‌الاسلام محمدی پشت تریبون قرار گرفت و در سخنانی به تبیین حوادث خوزستان پرداخت و گفت: «این دولت کاملاً اسلامی که منتخب امام و مورد تأیید عموم ملت است، خواست آزادی بدهد، اما این آزادی‌دادهای فراوان موجب فرصت‌طلبی و لجام گسیختگی شد. بنابراین ما خواستار آنیم که دولت مصراً با این ناهنجاری‌ها مبارزه کند.»

پس از این سخنرانی، مردم از مسجد جامع به راهپیمایی در خیابانهای اصلی شهر پرداختند و در محکومیت ضد انقلاب و طرفداری از مدنی استاندار خوزستان شعار دادند، سپس در میدان مقبل توقف کردند و به سخنان نماینده پاسداران گوش فرا دادند. آن‌گاه حجت‌الاسلام محمدی قطع‌نامه تظاهرات را قرائت کرد که در آن، ضد انقلاب و تحریکات تجزی‌طلبانه تقبیح و بر حمایت از انقلاب اسلامی، امام، دولت و استاندار خوزستان تأکید شده بود. پس از آن، مردم برای اقامه نماز ظهر و شنیدن زندگی‌نامه شهید، در حدود ظهر به مسجد جامع برگشتند؛ در این جا ابتدا دو تن از روحانیون با تشکر از مردم به دلیل راهپیمایی، بر حفظ وحدت و پیروی از امام خمینی رهبر انقلاب، تأکید کردند، سپس نماینده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پشت

تربیون قرار گرفت و از مردم خواست برای مقابله با ضد انقلاب تحرک بیشتری از خود نشان دهند. در ادامه پس از قرائت زندگی‌نامه شهید رضائی، یکی از دانشجویان دانشگاه محب خرمشهر طی سخنانی فرماندار خرمشهر را به علت رسیدگی نکردن به نیازهای ضروری شهر و نداشتن قاطعیت انقلابی، مورد انتقاد قرار داد. در آخرین لحظات این سخنرانی ناگهان نارنجکی از ناحیه جنوبی مسجد به داخل آن پرتاب شد که بر اثر انفجار آن در میان انبوه مردم هفت تن کشته و حدود شصت تن زخمی شدند. متعاقب آن، گروهی به سوی جمعیت آتش گشودند و گریختند که پاسداران انقلاب اسلامی به تعقیب آنها پرداختند اما مهاجمان با استفاده از خلوتی کوچه‌ها متواری شدند. علاوه بر این، به هنگام انتقال مجروحین به بیمارستان، از اطراف منزل شیخ شبیر خاقانی به طرف مردم و پاسداران تیراندازی شد که پاسداران به مقابله برخاستند و خانه‌ای را که از پشت‌بام آن تیراندازی می‌شد، به محاصره درآوردند. پس از تیراندازی متقابل که به جراحت یک پاسدار و کشته شدن دو ضد انقلاب انجامید، پاسداران انقلاب به خانه هجوم بردند و آن را به تصرف درآوردند. سپس با دستگیری عده‌ای در آن مستقر شدند. به هنگام هجوم پاسداران، از منزل شیخ شبیر خاقانی تلفنی به فرمانداری خرمشهر اطلاع داده شد که عده‌ای از پاسداران به منزل ایشان هجوم برده‌اند. مراتب از طریق فرمانداری به پایگاه دریائی خرمشهر اطلاع داده شد و برای جلوگیری از هر نوع حادثه‌ای عده‌ای از تکاوران به آن محل اعزام شدند.

پس از استقرار پاسداران در منزل شیخ شبیر، شیخ به همراه خانواده‌اش به مسجد امام صادق(ع) راهنمایی شدند و منزل و کتابخانه وی مورد بازرسی قرار گرفت. پس از دو ساعت بازرسی که در حین آن، ۴ قبضه تفنگ ژ-۳، یک قبضه کلاشینکف، یک قبضه تفنگ شکاری، ۸ عدد نارنجک و مقداری اوراق و اسناد بدست آمد، شیخ و خانواده‌اش مجدداً به منزل راهنمایی شدند و در یکی از اتاق‌ها استقرار یافتند و درب سایر اتاق‌ها قفل شد. پاسداران نیز در بیرون منزل مستقر شدند و کوچه و اطراف آن را تحت نظر گرفتند.

از سوی دیگر، بلافاصله پس از حادثه میجد جامع، حالت فوق العاده در خرمشهر اعلام شد و پاسداران انقلاب خیابانهای اطراف مسجد جامع را تحت مراقبت شدید گرفتند. ادارات دولتی، بندر و گمرک و همچنین مغازه‌های شهر به حالت تعطیل درآمد و مأموران انتظامی و پاسداران انقلاب تلاش گسترده‌ای را برای شناسائی و دستگیری عاملان ماجرا آغاز کردند. همچنین برای پیشگیری از حوادث ناگهانی و ختنی کردن هر گونه توطئه‌ای، نیروهای انتظامی

و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سراسر استان به حالت آماده‌باش درآمدند و مراقبت شدیدی از تأسیسات نفتی به عمل آمد.

به نوشته مطبوعات، پس از واقعه مسجد جامع خرمشهر، این شهر در التهاب و دلهره فرو رفت و پاسداران انقلاب با گشت در خیابانهای شهر جستجوی وسیعی را برای دستگیری مسببان واقعه آغاز کردند. در یکی از این گشت‌ها از یک خانه در خیابان مولوی خرمشهر چند قبضه موشک انداز از نوع آر پی جی ۷، مقدار زیادی مواد منفجره تی ان تی، شانزده بسته خرج خمیری برای انفجار پلها و راه‌آهن به دست آمد و چهار تن نیز دستگیر شدند. با این چهار نفر تعداد دستگیر شدگان وقایع خرمشهر در پایان روز به ۲۰ تن رسید. در بین دستگیر شدگان عده‌ای از عناصر عراقی نیز به چشم می‌خوردند. در مطبوعات به نقل از یکی از پاسداران خرمشهری چنین آمده است: دو تن از دستگیر شدگان تبعه عراق هستند و در بازجویی‌هایی که از آنها شد، معلوم گردید که این دو نفر در کار قاچاق و وارد کردن اسلحه به خاک ایران دخالت داشته‌اند.

سیدمحمد رضا علوی فرماندار خرمشهر شب هنگام در گفتگویی با خبرنگار کیهان گفت: در بین دستگیرشدگان امروز، عده‌ای از تبعه عراق دیده می‌شوند اما تصور نمی‌زود عراقی‌ها در حادثه حمله به مسجد جامع دخالت کرده باشند، اما دخالت آنها در حوادث قبلی این شهر از جمله انفجارها و حمله به مراکز و تأسیسات همومی شهر، حتمی است و دادگاه انقلاب اسلامی درباره آنها تصمیم خواهد گرفت. ول افزود: حمله امروز به مسجد جامع توسط گروهی از افراد محلی صورت گرفته است که بیشتر آنها دستگیر شده‌اند و تلاش وسیع پاسداران برای دستگیری بقیه آنها نیز ادامه دارد. بعد از ظهر امروز چندین خانه توسط پاسداران انقلاب اسلامی در خرمشهر مورد بازرسی قرار گرفت؛ در این خانه‌ها تعداد زیادی اسلحه ملاشینکف و نارنجک دستی ساخت شوروی به دست آمد و دارندگان آنها دستگیر شدند که بازجویی از آنها ادامه دارد. فرماندار افزود: گروهی از کسانی که به مسجد جامع حمله کرده و با پرتاب نارنجک موجب مرگ هفت نفر و مجروح شدن ده‌ها نفر شدند، دستگیر شدند و آقای زرگر دادستان انقلاب اسلامی خرمشهر بلافاصله کار بازجویی از متهمان را آغاز کرد. با سرعتی که در بازجویی از متهمان امال می‌شود تصور می‌کنم دادگاه انقلاب اسلامی همین امشب رأی خود را درباره آنها صادر کند و اگر در بین دستگیر شدگان افرادی مستحق مرگ نیز تشخیص داده شوند، حکم درباره آنها به اجرا در خواهد آمد.

بازجویی از دستگیر شدگان- که پاسداران انقلاب اسلامی آن را آغاز کرده بودند- با ورود ابوالقاسم ستاریان دادستان انقلاب اسلامی خوزستان که به همراه مدنی استاندار هوزستان به خرمشهر آمد، سرعت بیشتری گرفت. در این بازجویی‌ها عده‌ای از دستگیرشدگان که خود را وابسته به گروه چریکی چهارشنبه سیاه یا صاعقه معرفی کرده بودند، به شرکت در حادثه مسجدجامع و سایر حوادث خرمشهر اعتراف کردند. پرونده متهمان بلافاصله به دادگاه انقلاب اسلامی فرستاده شد و دادگاه پس از شنیدن اظهارات متهمان، چون وقوع جرم بدست آنان را محرز دانست، رأی خود را درباره سه تن از آنها صادر کرد.

از سوی دیگر، مدنی استاندار خوزستان که به اتفاق سرهنگ کنزی فرمانده ژاندارمری خوزستان، سرهنگ محمدحسین خقیقی فرمانده لشکر خوزستان و ابوالقاسم ستاریان دادستان انقلاب اسلامی خوزستان بعد از ظهر امروز برای بررسی چگونگی وقوع واقعه خرمشهر به این شهر آمده است، بلافاصله با فرماندار و مسئولان محلی برای بررسی علل واقعه جلسه‌ای تشکیل داد که تا پاسی از شب ادامه داشت. در این جلسه تصمیم گرفته شد برای جلوگیری از پیش‌آمدی علیه جان شیخ شبیر، وی به نقطه امنی برده شود.

در پی حوادث امروز خرمشهر و مهار امور به دست پاسداران انقلاب اسلامی در آخرین ساعات شب سیدمحمدرضا علوی فرماندار خرمشهر در اعتراض به آنچه آن را دخالت افراد غیر مسئول در خوزستان عنوان کرد، از سمت خود اساعفا داد و با ارسال تلگرافی علل استعفای خود را به اطلاع امام خمینی و مهندس بازرگان رساند. متن اسلغفای فرماندار خرمشهر چنین است:

« با همه تعقاد و ایمانی که به شخص تیمسار دکتر مدنی دام و با همه علاقه‌ای که برای ارائه خدمت ناچیزم به مردم قهرمان خرمشهر احساس می‌نمایم، از آنجا که دخالت افراد غیر مسئول و دیرآمدگان انقلاب زده که با توطئه‌های خویش مردم بی‌گناه عرب و عجم را به مسلخ می‌برند و با شیوه‌های جاه‌طلبانه خود خوزستان را به راهی می‌کشاند که باتلاق دولت آینده ایران خواهد شد و از آن جایی که اعتقادات مردمی، میهنی و مذهبی این‌جانب در یم موج فاشیستی و افراطی ملهم از طراحان مقیم اهواز و تهران محو و نابود می‌شود، از آن‌جایی که علی‌رغم تمام تأکیدهایی که به عمل آمده، دولت نتوانسته یک سیاست مشخص و معین که قابل دوام باشد ارائه دهد و با تأسف بسیار و در شرایطی که ادامه یک خدمت انقلابی را که هدیه‌ای برای ایران عزیز باشد، غیر ممکن می‌دانم، لذا از سمت فرمانداری خرمشهر استعفا

می‌دهم و بدین وسیله حضور امام خمینی رهبر کبیر انقلاب، ملت ایران و دولت جناب آقای بازرگان که شخص ایشان همیشه برای من نمونه‌ای از تمامی یک عنصر ملی هستند، اعلام می‌کنم. برای مقابله با این خطر مشهود با تمام قدرت و نیرو تیمسار مدنی را حمایت نمایم»^{۲۲}

۲۵ تیر ۱۳۵۸: انتقال شیخ شبیرخاقانی از خرمشهر به اهواز

عدم پذیرش استعفای علوی از سوی مدنی و ابقای وی در پست خود

سخنان امام خمینی در جمع صد نفر از اعضای جامعه مبلغان اعراب ایرانی خوزستان و تأکید بر رعایت حقوق همه قومیت‌ها در جمهوری اسلامی و ضرورت پرهیز از تفرقه و دادن فرصت برای تدوین قانون اساسی^{۲۳}، ملاقات گروه مذکور با آیت‌الله منتظری و تأکید ایشان به حفظ وحدت اسلامی و مبارزه با نغمه‌های تفرقه انگیز

^{۲۲} روزشمار جنگ ایران و عراق - زمینه سازی، کتاب دوم، خوزستان در بحران، حسین یکتا، صص ۹۰۶-۹۱۱

^{۲۳} بسم الله الرحمن الرحيم

لزوم توجه بیشتر عربها به اسلام

من اولاً از اینکه آقایان در این محل گرم، توی آفتاب، خائنه کوچک، مجتمع هستید معذرت می‌خواهم. و باید کلماتم را کوتاه کنم که آقایان در زحمت نباشند. و از همه تشکر می‌کنم که از راه دور آمدند و با من ملاقات کردند، و ما درد دل خودمان را به آنها بگوییم، و آنها هم مطالبی که دارند با ما در میان بگذارند. شما اولی به اسلام هستید از دیگران. شما عرب هستید، و اسلام از عرب است و پیغمبر اسلام عرب است، بنابراین عرب نسبت به اسلام بیشتر باید توجه داشته باشد، چون اسلام از خود اوست و دیگران دنباله.

امروز روزی است که سرنوشت اسلام، سرنوشت مملکت اسلامی، باید با دست توانای ملت، من غیر فرق بین طوایف مختلفه، این سرنوشت تحقق پیدا نکند. امروز روزی است که

حساسترین اوقات است برای مملکت ما. از یک طرف، مشغول بررسی قانون اساسی باید بشوند؛ و وکلای بلاد، اهل خبره تعیین بشوند، و مطالعه کنند قانون اساسی را که اساس مملکت و سرنوشت اسلام و مملکت در آن است. و از یک طرف، ملاحظه می‌کنید که در همه جا توطئه‌هایی در کار است که نگذارند این اساس و پایه درست متحقق بشود.

هدف از اغتشاشها

در هر جای از بلاد به وجهی ایجاد اختلاف می‌کنند، و بالخصوص در این چند روز و چند هفته‌ای که مسئله قانون اساسی در پیش آمده است، و مخالفین اسلام و مخالفین شما خوف این را دارند که قانون اساسی طوری تنظیم بشود و تصویب بشود که دست آنها برای همیشه کوتاه بشود. اینها در فکر افتاده‌اند که اذهان ملت را، اذهان مؤمنین را، اذهان خطبای معظم را، اذهان علمای اعلام را، اذهان سایر قشرها را، از این مسیر مستقیمی که باید حرکت کرد و منتهی شد به تصویب قانون اساسی منحرف کنند به مسائل دیگر. این شلوغی‌هایی که الآن در کردستان هست، در خوزستان هست، و این اختلافاتی که در همه جاهای مملکت هست، و این توطئه‌هایی که برای ایجاد یک خلاف، برای هیاهو بپا کردن هست، معلوم نیست که من باب اتفاق همین طور شده باشد. این یک نقشه‌ای است از آنهايي که می‌خواهند قانون اساسی اسلامی نباشد. هم قشرهای خارج و قدرتهای خارج از اسلام می‌ترسند؛ و هم قشرهای منحرف داخل می‌ترسند. الآن خوف آنها این است که اگر قانون اساسی آنطوری که اسلام می‌خواهد، آنطوری که برنامه قرآن کریم است، اسلام است، تصویب بشود، و دنبالش همین ملت، که اکثریت تام دارند و همین ملت که در فراندم آنطور پیروز شدند که در دنیا سابقه نداشت، اینها خوف این را دارند که قانون اساسی را خبرگانی که شما ملت تعیین می‌کنید آنها بررسی کنند، یک قانون اساسی اسلامی باشد، و بعد هم که به فراندم ملت گذاشته می‌شود می‌دانند که اکثریت با ملت است، خوف این را دارند که این مراحل طی بشود و دست خودشان و اربابهایشان از مخازن و از منافع ملت ما کوتاه بشود. از این جهت، ملاحظه کردید که در فراندم، بعضی از همینهایی که مخالف با اساس هستند تحریم کردند؛ و بعضی از همینهایی که مخالف با اسلام هستند بعضی از صندوقها را سوزاندند؛ یا با اسلحه جلو گرفتند از اینکه رأی بدهند. با همه وصف، ملت اسلام و ملت ما یک رأی صد، الایک یا دو، داد؛ و

همه گروهها یک از صد یا یک و نیم از صد رأی داشتند. اینها الآن احساس شکست در خودشان کرده‌اند. و در این احساس شکست دست و پا می‌زنند که جدا کنند گروهها را از گروه؛ پخش کنند بین مردم که کردها علی__ حده‌اند، عربها علی__ حده‌اند، بلوچها علی__ حده‌اند، فارسها علی__ حده‌اند، ترکها علی__ حده‌اند؛ و اینها را گروه گروه کنند. در صورتی که اسلام برای هیچ کس امتیازی قائل نیست، الا برای آنکه به طریقه اسلام رفتار کند و متقی باشد.

تلاش مردمی برای شکست توطئه‌ها

شما برادرها! که از راه دور آمده‌اید اینجا، و الآن هم در رنج هستید توی این آفتاب گرم و سوزان، توجه‌تان را باید معطوف کنید به اینکه مبدا این اشخاص مفسده‌جو و توطئه‌گر که می‌خواهند جدایی بیندازند ما بین عرب و عجم، ما بین کُرد و تُرک و عرب، و سایر چیزها، نبادا موفق بشوند به اینها. حيله‌های اینها را خنثی کنید. وقتی بنا شد که همه خطبای عرب و عجم در منابر گفتند ما همه برادر هستیم و همه اهل قرآن هستیم و همه اهل اسلام هستیم، دیگر حرفی باقی نمی‌ماند که اینها توطئه بکنند و بخواهند که این قانون اساسی، تأسیس آن درست نشود. باید دقت کنید، توجه کنید به اینکه در یک همچو موقعی همه اذهانتان متوجه به این باشد که قانون اساسی درست از کار درآید و اسلامی باشد. سرنوشت همه ما بر قانون اساسی [است] و بعد هم مجلس خبرگان؛ و بعد هم مجلس شورا، که ملی باشد؛ مثل سابق نباشد که تحت فرمان دیگران باشد.

بنابراین، آن چیزی را که من از شماها خواهم می‌کنم این است که گوش به حرف اینهایی که الآن می‌خواهند تفرقه بیندازند ندهید، توجهتان به مقصد باشد، توجهتان به پیشرفت اسلام باشد. همه قشرهای ملت، الا نادری که انحراف از اسلام دارند، با شما و با هم هستید. همه باید دست برادری به هم بدهید و این توطئه‌ها را خنثی کنید.

ویژگیهای اعضای مجلس خبرگان

و اشخاص خبره‌ای که می‌خواهید بفرستید به ملاحظه و بررسی قانون اساسی، که اساس را درست کنند، اشخاص با اوصافی که اسلام باشد؛ مسلم باشد؛ معتقد باشد به مذهب؛ معتقد باشد به طریقه ما؛ و انحراف راست و چپی نداشته باشد؛ انحرافات دیگر نداشته باشد؛ امین

حملات عناصر ضد انقلاب از داخل خاک عراق به پایگاه‌ها و سایر مراکز دولتی از جمله حمله با آر پی جی ۷ به پاسگاه مژمنی و حملات موشکی برای انهدام پل در جزیره مینو، مصاحبه مدنی با مطبوعات

ورود شیخ شبیر خاقانی در ۲۸ تیر ۱۳۵۸ به قم و انتشار پیامی خطاب به ملت ایران در ۳۰ تیر ۱۳۵۸ و اعلام برائت از عناصر ضد انقلاب.^{۲۴}

متن کامل این پیام که دفتر امام خمینی در قم آن را منتشر کرد چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم

درو و سلام بی‌کران بر ملت شریف ایران، ملتی که جهت تحقق بخشیدن به عدالت الهی و دستورات آسمانی از هیچ‌گونه سعی و کوششی دریغ ننموده و با اراده‌ای پولادین با طاغوت و طاغوتیان مبارزه کرد. با وجود اینکه همه در این انقلاب سهیم هستند، مجاهدتها و مبارزات

باشد؛ اسلام را بشناسد، اهل اسلام باشد، عالم اسلام باشد. یک همچو اشخاصی را تعیین کنید و بفرستید، تا اینکه قانون اساسی شما را مطالعه کنند، و یک قانون اساسی مطابق اسلام بررسی شده و مطابق اسلام عرضه کنند. اختلافات امروز بسیار مضر است، از همه اوقات ضرر اختلافات الآن بیشتر است. اگر یک اشخاصی پیدا شدند و خواستند به تبلیغات سویشان اختلافی بین شما برادرها ایجاد کنند، بین برادرهای عرب و عجم، بین برادرهای کُرد و غیر کُرد، تُرک و غیر تُرک، بدانید که توطئه است، و می‌خواهند همه‌تان را منحرف کنند از آن اساس، و خدای نخواستہ قانون اساسی ما را به طور انحرافی درست بکنند. ان‌شاءالله خداوند همه شما را موفق کند. و ثانیاً از همه شما تشکر می‌کنم که در اینجا هستید. والسلام علیکم و رحمۃ‌الله و برکاته

صحیفه امام خمینی جلد ۹- سامانه اطلاع‌رسانی پرتال امام خمینی(س)

^{۲۴} راه‌نما، ماهنامه مطالعات تروریسم، سال دوم، شماره هشتم، شهریورماه ۱۳۹۱، صص ۳۹-

آیت‌الله العظمی خمینی را می‌بایست چه قبل از پیروزی و چه بعد از آن در رأس تمام این مبارزات بر شمرده و امید دارم که بتوان با اتحاد و یگانگی هر چه تمام‌تر و با مساعدت‌های همه جانبه ملت ایران، در تقویت حکومت جناب آقای مهندس مهدی بازرگان و ساختن ایرانی بر پایه‌ها و موازین اسلام موفق گردیم. ضمناً متذکر می‌گردم که در این لحظات حساس و تاریخ‌ساز بر تمام ملت دلیر ایران لازم است که با اتحاد و یگانگی هر چه تمام‌تر در مقابل توطئه‌های مخوف بیگانه که خواه این توطئه‌ها از وابستگی به رژیم سابق و یا وابسته به گروه‌های چپ و راست باشد، ایستادگی نماید. و اگر شخصی و یا گروهی بخواهد در مقابل حکومت جمهوری اسلامی دست به تبلیغات سوء زده بایستی شدیداً با آن مبارزه نماید. و همانگونه که این جانب کراراً تذکر داده‌ام مشور ایران یک کشور مذهبی است نه یک کشور نژاد پرست و به هیچ کس و تحت هر شعار و یا لباسی اجازه نمی‌دهیم که یک وجب از ایران را چه در خوزستان و یا در هر نقطه دیگر ایران تجزیه نماید و با چنین افرادی با شدت مقابله خواهیم نمود

به افرادی که به این‌جانب علاقه دارند اعلام می‌دارم که من از عناصر ضد انقلاب که نمی‌توانند تعالی اسلام و کشور اسلامی را ببینند و خود را به من منسوب می‌کنند، هر کس و یا هر گروهی باشند، چه مقلد من باشند و یا مقلد مرجع دیگر، چه عرب و چه عجم، چه کمونیست باشند چه غیر کمونیست، شدیداً تبری می‌جویم. حال این‌جانب در اثر کسالت و خستگی برای استراحت در شهرستان مقدس قم مدتی اقامت می‌نمایم و در خاتمه توفیق دولت و ملت را جهت تحقق بخشیدن هر چه بیشتر به آرمانهای اسلامی از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

محمدطاهر آل شبیر خاقانی - ۲۶ شعبان ۹۹ - ۳۰ تیر ۱۳۵۸

فهرست انفجارات و خرابکاری‌هایی که در فاصله یک سال مانده به آغاز جنگ تا شهریور ۱۳۵۹ در خرمشهر رخ داده بود

۵۸/۷/۷ انفجار بمب در بازار خرمشهر

۵۸/۷/۸ انفجار شدید مواد منفجره و سقوط دکل مایکروویو کیلومتر ۴۰ جاده اهواز- خرمشهر و آسیب دیدن دستگاه رله

۵۸/۷/۸ انفجار بمب در پشت ساختمان فرمانداری و شکستن شیشه‌های ساختمان

۵۸/۷/۱۳ انفجار در بازار سیف خرمشهر کشته شدن دو تن و جراحت ۲۵ تن

۵۸/۷/۱۸ کشف بمب در مقابل اداره دارائی خرمشهر

۵۸/۷/۲۶ خشتی شدن مواد منفجره کار گذاشته شده در زیر دکل برق پل نو

۵۸/۷/۳۰ منفجر شدن یک واگن باری متوقف در ۱/۵ کیلومتری شرق پاسگاه دوربند خرمشهر

۵۸/۸/۲ انفجار دو بمب صوتی در دو نقطه خرمشهر (بدون خسارت)

۵۸/۸/۹ کشف ۸ قالب یک پوندی مواد منفجره در اطراف فلکه آتش نشانی خرمشهر

۵۸/۸/۲۵ انفجار بمب در نزدیکی شبکه برق خیابان بایندر در ایستگاه ماشین‌های کرایه آبادان- خرمشهر

۵۸/۸/۲۷ انفجار بمب در منطقه کوت شیخ

۵۸/۱۰/۱۱ انفجار تی ان تی زیر پل جزیره مینو

۵۸/۱۰/۱۱ انفجار بمب در ساندویچ فروشی فلکه فرودگاه و تخریب آن

۵۸/۱۱/۱۲ انفجار بمب در کناره دیواره غربی کوی کارمندان بندر (تخریب دیوار و شکستن شیشه‌ها)

۵۸/۱۱/۱۲ انفجار بمب ساعتی در نزدیکی کشتارگاه خرمشهر و کشته شدن یک تن، انفجار دیگر در محل ورودی اداره بندر و کشتی‌رانی

۵۸/۱۱/۲۸ کشف بمب ساعتی در سالن مراجعات عمومی پست در ساعت ۱۰:۳۰ صبح به وسیله نگهبان اداره پست و انتقال بمب به بیرون و انداختن آن به رودخانه

۵۸/۱۲/۲ انفجار بمب پشت دیوار تالار خانه جوانان (محل تجمع مردم برای سخنرانی خانم اعظم طالقانی) که بر اثر آن ۷ تن کشته و ۳۹ تن مجروح شدند. انفجار بمب دیگری در همین روز منجر به یک کشته و جراحت عده‌ای شد.

۵۹/۱/۸ انفجار بمب در بازار سیف و مجروح شدن ۹ تن

۵۹/۱/۱۱ انفجار در کوی طالقانی (بدون خسارت)

۵۹/۱/۱۵ انفجار بمب شش پوندی تی ان ان در یک پیکان و کشته شدن ۵ تن و مجروح شدن ۴ تن

- ۵۹/۱/۱۵ انفجار یک بمب در پیکان حامل ۳ سرنشین آموزش دیده در
عراق در نزدیکی پل خرمشهر
- ۵۹/۲/۶ انفجار بمب زیر تریلی در فلکه راه آهن خرمشهر
- ۵۹/۲/۶ انفجار بمب در کتابفروشی نسیم واقع در خیابان نقدی
خرمشهر
- ۵۹/۲/۸ انفجار بمب در کتابفروشی اتحاد واقع در خیابان ابن سینا و
تخریب آن
- ۵۹/۲/۱۸ انفجار بمب در نزدیکی کیوسک نوشابه فروشی در حوالی
کشتارگاه
- ۵۹/۴/۵ انفجار بمب در اسکله شماره ۸ و کشته شدن فرد بمب‌گذار
- ۵۹/۴/۲۷ انفجار دیوار حصاری اداره بندر با بمب^{۲۵}

^{۲۵} خرمشهر در جنگ طولانی، مهدی انصاری، محمد درودیان، هادی نخعی، مرکز اسناد دفاع
مقدس، چاپ سوم ۱۳۸۷، صص ۱۲۵-۱۲۹

خرمشهر در جنگ تحمیلی

زمینه‌ها و دلایل آغاز جنگ از سوی رژیم عراق قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، رهبران عراق با حساسیتی خاص تحولات ایران را زیر نظر داشته و بصورت پنهانی واکنشهایی را در مقابل آن انجام می دادند. با پیروزی انقلاب رهبران عراق خود را آماده برخورد با شرایط جدید کرده و با آماده ساختن مردم بویژه نظامیها درصدد برآمدند از خلاء بوجود آمده در منطقه سود جسته و آرزوهای دیرینه خود را جامه عمل بپوشانند. متقابلاً، ایران پس از سرنگونی رژیم شاه و استقرار حکومت جدید با مشکلات عدیده ای روبرو بود؛ قدرتهای جهانی بویژه آمریکا توطئه های متعددی را جهت سرنگونی و شکست انقلاب طراحی و اجرا کردند. ارتش آمریکایی شاه که دارای خود نظامیگری آمریکای بود بسرعت پاکسازی شد و عناصر وابسته و خائن از فرماندهی ارتش کنار گذاشته شدند. در این شرایط منطقه شدیداً دچار بی ثباتی شده و قدرتهای بزرگ درصدد حفظ منافع خود بودند. اهمیت منطقه خلیج فارس دو ابر قدرت را مجبور می ساخت تا برای آینده منطقه طرحهایی را تهیه و به مورد اجرا بگذارند. در پی تقویت سرویسها و ایستگاههای جاسوسی آمریکا در ترکیه، که به جای ایران بعنوان حافظ منافع آمریکا در کمر بند امنیتی به دور شوروی انتخاب شده بود، ارتش شوروی تهاجم به خاک افغانستان را آغاز کرد. در پی این تحولات، صدام حسین نیز جایگزین البکر در عراق شد و قدرت را در دست گرفت تا زمینه های لازم را جهت وارد آوردن یک فشار اساسی و همه جانبه به ایران فراهم آورد. تمامی این اقدامات برای سرنگونی انقلابی صورت می گرفت که قصد داشت به ایجاد وحدت و یکپارچگی در جهان اسلام، ظهور یک نیروی سوم را به جهانیان نوید دهد. آمریکا در پی شکست توطئه های گوناگون خود در داخل ایران، بویژه عقیم ماندن عملیات طبس و شکست عناصر وابسته داخلی، به صدام دستور داد تا

با انقلاب اسلامی وارد جنگ و حکومت مردمی و انقلابی ایران را سرنگون سازد .

در تاریخ ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ (۰۱۹۸۰م) صدام حسین بطور یک جانبه قرار داد الجزایر را لغو کرد و در ۳۱ شهریور همان سال دستور حمله گسترده به مرزهای ایران را صادر کرد.البته قبل از این تاریخ نیروهای عراقی تعرضات نامنظم بسیاری به مرزهای ایران انجام داده بودند . به هر تقدیر ، تهاجم اصلی عراق پس از فراهم شدن زمینه های سیاسی و نظامی در محورهای زیر آغاز شد :

الف - محور خانقین - قصر شیرین سر پل ذهاب .

ب - محور مندلی - سومار - گیلان غرب .

ج - محور بدره - مهران .

د - محور امامزاده عباس - پل نادری - دزفول .

ه - محور فکه - شوش - عمق ایران .

و - محور شیب - سوسنگرد - اهواز .

ز - محوره نشوه - جفیر - هویزه .

ح - محور کباصی - اهواز .

ط - محور شلمچه - کارون - آبادان .

ی - محور شلمچه - خرمشهر .

عراق در آغاز تهاجم به دلیل عدم آمادگی نیروهای نظامی ایران با سرعت زیادی در داخل خاک ایران پیشروی کرد. تنها عامل بازدارنده در مقابل ارتش عراق مقاومت مردم و نیروهای انقلابی بود که مانع رسیدن نیروهای عراقی به اهداف استراتژیک آنان شد. در پی توقف ارتش عراق و شکست استراتژی پیروزی برق آسا، رهبران عراق خواهان توقف جنگ شدند؛ لیکن با توجه به اینکه بخش عمده ای از سرزمینهای ایران در اشغال ارتش عراق قرار داشت این تقاضا مورد مخالف ایران قرار گرفت. در این فاصله نیروهای مردمی ایران توانستند ضربات پراکنده و مداومی به واحدهای رزمی عراق که در لاک دفاعی فرو رفته بودند، وارد آورند. این حرکت‌های محدود و پراکنده زمینه ساز ضربات گسترده تری شد که بعدها ارتش عراق را مجبور به عقب نشینی از خاک ایران کرد. در تحریکات نیروهای ایران علیه واحدهای مهاجم عراق شور و شوق اعتقادی نقش عمده ای ایفا می کرد و مردم ایران علی رغم شرایط سخت، جبهه های جنگ را پشتیبانی کرده و از نیروهای مردمی حمایت می کردند. ادامه نبرد و پایداری مردم ایران بعلاوه عدم انگیزه کافی در نیروهای عراق، جنگ را وارد مرحله جدیدی ساخت و نیروهای مردمی نبردهای سنگینی را به منظور اخراج واحدهای ارتش عراق از مناطق اشغالی، طراحی و به مورد اجرا گذاردند. این نبردها که شامل عملیات شرق کارون، ثامن الائمه، طریق القدس، آزادی بستان، فتح الامین و بیت المقدس بود، ضربات سختی به نیروهای عراقی وارد آورد و موجبات شکست ارتش عراق را فراهم کرد. نیروهای انقلابی ایران در ادامه جنگ به منظور تنبیه متجاوز، عملیات نظامی خود را در عمق خاک عراق ادامه دادند و نبردهای بزرگی همچون سلسله عملیات والفجر، عملیات خیبر، بدر و عملیات حماسی والفجر ۸ را انجام دادند. عملیات تصرف شهر مهم و استراتژیک فاو یکی از بزرگترین نبردهای جنگ

۸ساله است که طی آن عراق ضربات جبران ناپذیری متحمل شد و ضمن از دست دادن تجهیزات و نیروی انسانی فراوان، روحیه رزمی خود را به طور کامل از دست داد؛ تا جایی که اگر کشورهای غربی از ارتش عراق حمایت نمی کردند، این مقطع می توانست نقش تعیین کننده ای در جنگ ایران و عراق داشته باشد. پس از عملیات فاو، ارتش عراق با کمکهای فکری و تسلیحاتی قدرتهای بزرگ، استراتژی دفاعی متحرک را درپیش گرفت و توانست با انجام عملیات محدود در طول نوار مرز بویژه تصرف شهر مهران، تا حدودی روحیه از دست رفته نظامیان خود را به آنان بازگرداند. اما دیری نپایید که این اقدام نیز همچون حرکتی ابتدای جنگ با حضور نیروهای مردمی به شکست انجامید و واحدهای نظامی ایران توانستند مجدداً شهر مهران را از اشغال ارتش عراق خارج سازند

کشورهای حامی عراق بویژه آمریکا با مشاهده این وضعیت و شکست ارتش عراق در عملیات شلمچه، ماووت، حلبچه و... تصمیم گرفتند به هر صورت ممکن به جنگ خاتمه دهند. حضور گسترده نظامی آمریکا در خلیج فارس، حملات موشکی عراق به مناطق مسکونی و استفاده وسیع از سلاحهای شیمیایی در جنگ از جمله اقداماتی بود که از سوی دشمنان انقلاب به ایران تحمیل شد. در اینجا به منظور آشنایی با سازمان و شیوه عمل ارتش عراق در آغاز جنگ هشت ساله، حوادث و رویدادهای این دوران و همچنین اقدامات ارتش عراق را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می دهیم.

زمینه سازی برای آغاز جنگ

در زمانی که ارتش ایران به علت شرایط انقلاب اسلامی و کوشش نیروهای مومن و متعهد برای بازسازی آن، آمادگی لازم جهت دفاع از مرزهای کشور نداشت، عراق با پشتیبانی کشورهای غربی و شرقی در حال تجهیز ارتش خود به مدرن ترین سلاحها و عقد قراردادهای بزرگ با کشورهای مختلف جهان بود. فرماندهی عالی نیروهای مسلح عراق با استخدام نیروهای جدید و برگزاری دوره های آموزشی فشرده در صدد افزایش توان کمی و کیفی واحدهای رزمی خود بود. خریدهای تسلیحاتی به طور چشمگیری افزایش یافته بود و کشورهایی همچون فرانسه، ایتالیا، برزیل و... نقش مهمی در پشتیبانی تسلیحاتی عراق داشتند. در فاصله پیروزی انقلاب اسلامی تا شروع جنگ، ارتش عراق علاوه بر اقدامات فوق، زمینه های لازم را نیز جهت انجام یک حمله نظامی فراهم می آورد. اهم فعالیتهای عراق در این دوره شامل موارد زیر بود:

- ۱- عقد قراردادهای تسلیحاتی سنگین با کشورهای مختلف. بعنوان نمونه می توان به خرید هواپیماهای میراژ در این مقطع اشاره کرد.
- ۲- استفاده از پیمان همکاری و دوستی با شوروی برای خرید تسلیحات بیشتر مانند هواپیما، زره پوشهای مدرن، موشک، توپخانه و مهمات.
- ۳- احداث فرودگاه و باندهای فرود اضطراری در مناطق مختلف کشور برای تامین میدان عملیات هواپیماها.
- ۴- برگزاری دوره های متعدد آموزش فرماندهی و ستاد برای تربیت کادر افسری مورد نیاز ارتش.

- ۵- ایجاد تشکیلات جدید برای گسترش ارتش .
- ۶- تهیه نشریه های آموزشی با تکیه بر توصیه های آموزشی بویژه در زمینه حمله و مانور تهاجمی .
- ۷- اجرای تمرینات حمله در سطح تیپ و گردان .
- ۸- تغییر در روش و فشرده کردن دوره های آموزشی .
- ۹- خرید و نگهداری مهمات مورد نیاز برای تهاجم سراسری .
- ۱۰- ساخت انبارها و زاغه ها جهت نگهداری امکانات و مهمات .
از دیگر اقداماتی که مسئولین سیاسی عراق هیچگاه از آن غفلت نکردند، ایجاد آمادگی روحی و روانی در مردم و نیروهای مسلح برای این تهاجم نظامی بود. مسئولین عراق بخوبی به این نکته پی برده بودند که با توجه به حرکت موفق و مردمی انقلاب اسلامی ایران ، باید زمینه های فکری و روانی یک حرکت نظامی علیه آن از قبل فراهم شود، در غیر این صورت با توجه به جاذبه های انقلاب اسلامی دیر یا زود مردم عراق به ماهیت چنین اقدام پی برده در مقابل آن از خود عکس العمل نشان خواهند داد. در چنین وضعیتی عراق اقدامات زیر را جهت فریب افکار عمومی انجام داد :
- ایجاد خصومت بین عرب و فارس و جنبه تاریخی بخشیدن به دشمنی عرب و عجم .
- طرح این نکته که رهبری انقلاب ایران دارای ایده توسعه طلبانه است و این توسعه طلبی در آینده ابتدا گریبانگیر عراق و سپس سایر کشورهای

عربی خواهد شد. این مسئله در تبلیغات غربی با واژه صدور انقلاب از طرف ایران مورد اشاره قرار می‌گرفت .

- تبلیغ غیر اسلامی بودن انقلاب و دست داشتن عوامل خارجی در به ثمر رساندن آن .

- حمله و جوسازی علیه مسئولین و کادرهای بالای انقلاب بویژه امام خمینی

- افزایش حقوق نظامیان و آغاز طرحهای خانه سازی برای آنان .
- افزایش حقوق کارکنان دولت .

مسئولین سیاسی عراق قبل از تهاجم به ایران در سیاست خارجی خود نیز تجدید نظر کرده و همبستگی خود را با کشورهای مترقی عرب (جبهه پایداری) قطع کردند. رژیم عراق به دلیل نیاز به پشتیبانی اقتصادی ، سیاسی و تبلیغاتی کشورهای مرتجع و نیز هماهنگی با سیاستهای آمریکا و غرب، روابط خود را با کشورهای مانند عربستان ، اردن و کشورهای حاشیه خلیج فارس توسعه بخشید و موضعی خصمانه در قبال کشورهای لیبی ، سوریه ، الجزایر و یمن دمکراتیک اتخاذ کرد. به نظر می‌رسد عراق برای تجاوز به ایران با سران کشورهای مرتجع به توافق کامل رسیده و در این زمینه با آنان تبادل نظر کرده بود. اهداف تغییر سیاست خارجی عراق را می‌توان در موارد زیر جستجو نمود :

- هماهنگی با سیاستهای غرب در منطقه و جلب پشتیبانی سیاسی ، اقتصادی و تبلیغاتی این کشورها .

استفاده از بنادر این کشورها در صورت مسدود شدن بندر بصره برای انتقال سلاح ، تجهیزات و کالاهای اقتصادی .

استفاده از تولیدات نفتی کشورهای مزبور جهت تجهیز و پیشتیبانی عراق در طول جنگ .

انعقاد قراردادهای سنگین نظامی و اقتصادی با تضمین سرمایه کشورهای مرتجع .

بهره برداری از تبلیغات این کشورها در ابعاد داخلی و خارجی .
- فشار سیاسی به ایران جهت پذیرفتن شرایط عراق و در انزوا قرار دادن این کشور .

عراق برای دست یافتن به یک توجیه سیاسی و بین المللی ، مدتها قبل از تهاجم به ایران در تلاش بر آمد تا سیاست خارجی ایران را یک سیاست توسعه طلبانه با انگیزه صدور انقلاب اسلامی به کشورهای منطقه نشان دهد. در این زمینه مسئولین عراق دست به اقداماتی در داخل زدند تا به خیال خود آغاز حمله به ایران را توجیه نمایند. لذا با دستاویز قرار دادن یک سلسله حوادث بعضاً ساختگی ؛ بلندگوهای رژیم عراق ایران را متهم به دخالت در این حوادث کرده و یاد آور شدند مسئولین ایران این اقدامات را به منظور تضعیف عراق و ضربه زدن به این کشور انجام می دهند. صدام بعنوان مقدمه اصلی ورود به جنگ با ایران ، منشور «اقدام قوی» را اعلام کرد. و در کنار این منشور دست به اقداماتی زد که به برخی از آنها اشاره می شود :

سوء استفاده از حادثه دانشگاه المستنصریه که برای ترور طارق عزیز اجرا شد و معرفی ایران بعنوان تشویق کننده این عمل .

افراد مذهبی بعنوان عاملین ایران بازداشت می شدند در حالی که هیچ گونه ارتباط با این کشور نداشتند .

دستگیری و اعدام نیروهای مذهبی این کشور به اتهام واهی ارتباط با ایران .

-اعدام شهید آیت الله صدر و خواهر مکرّمه ایشان .

کوچ اجباری دهها هزار نفر از شهروندان مسلمان به دلیل داشتن تابعیت ایرانی .

فشار بر حوزه های علمیه بویژه حوزه علمیه نجف و بازداشت هزاران نفر از طلاب .

اخراج و تبعید تمامی نظامیان مشکوک .

متهم نمودن ایران به عدم پایبندی به قرار داد الجزایر .
مقامات عراق در کنار زمینه سازیهای متعدد برای آغاز جنگ ، اقداماتی جهت تخریب روحیه مردم ایران و تضعیف قدرت نظامی بویژه در استانهای مرزی ، به مورد اجرا گذاشتند. جذب افراد شرور و فرصت طلب و تسلیح و درگیر نمودن آنان با نظام نوپای اسلامی و تشدید روحیه قومیت گرایی در مناطق مختلف، از جمله این اقدامات بود که به نوعی زمینه های هجوم ارتش عراق را فراهم کرده و آنان را جهت دستیابی بهتر و سریعتر به اهداف خودیاری داد. برخی از این اقدامات عبارت بودند از :

قاچاق دهها هزار قبضه سلاح مختلف به داخل کشور ایران و توزیع آن در میان عناصر شرور و منحرف عرب که در استان خوزستان سکونت داشتند .

توزیع سلاح و مواد منفجره در میان گروهها و عناصر ضد انقلاب و ترغیب آنان به انجام عملیات خرابکارانه .

پشتیبانی مادی و نظامی از عناصر مخالف انقلاب اسلامی .

اجرای چندین عملیات خرابکارانه در داخل کشور، از جمله انفجار لوله های نفت در خوزستان .

دامن زدن به قومیت گرایی در میان اعراب خوزستان و سازماندهی آنان در تشکلات افراطی .

نفوذ به خاک ایران در مناطق مختلف مرزی به منظور القاء بی ثباتی و ضعف نیروهای نظامی و ارزیابی عکس العمل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی .

استعدادنیروهای مسلح عراق قبل از تجاوز به ایران رژیم عراق مدتها قبل از تهاجم به ایران ، تقویت ارتش را آغاز کرده و با عقد قراردادهای سنگین تسلیحاتی و برگزاری دوره های متعدد آموزشی و جذب نیرو، توانست قدمهای مؤثری در زمینه توسعه سازمان رزم ارتش بردارد. ارتقاء کیفیت رزمی ارتش بویژه در هجوم از جمله دستاوردهای این تحول در سازمان رزم بود. جهت آشنایی با استعداد ارتش عراق در آستان هجوم به ایران به معرفی اجمالی سازمان نیروهای مسلح این کشور در مقطع مزبور می پردازیم .

استعداد نیروی زمینی

نیروی زمینی ارتش عراق در آغاز جنگ ۵ لشکر زرهی ، ۲ لشکر مکانیزه و ۵ لشکر پیاده داشت که توسط سه تیپ نیروی مخصوص و گارد ریاست جمهوری و همچنین ۲ تیپ گارد مرزی تقویت می شد. علاوه بر این ، واحدهای رزمی جیش الشعبی نیز سازمان رزم ارتش عراق را

مورد حمایت و پشتیبانی قرار می دادند. ترکیب نیروی زمینی ارتش به شکل زیر بود :

یگان محل استقرار

لشکر دوم پیاده کوهستانی کرکوک

لشکر چهارم پیاده کوهستانی موصل

لشکر هفتم پیاده سلیمانیه

لشکر هشتم پیاده اربیل

لشکر یازدهم پیاده زاخو

ب - سپاه دوم در منطقه «تمام هیانی» مستقر شده و مقر اصلی آن در بغداد بود. واحدهای این سپاه به شرح زیر بود :

۱- لشکر سوم زرهی تکریت

تیپ ششم زرهی مسیب

تیپ دوازدهم زرهی تکریت

تیپ هشتم مکانیزه الوراز (استان رمادی)

۲- لشکر ششم زرهی مقر لشکر در یعقوبه پادگان سعه

تیپ شانزدهم زرهی جلولاء

تیپ سی ام زرهی منصوریه

تیپ بیست و پنجم مکانیزه خانقین

ج - سپاه سوم در محور جنوبی. یگانهای آن عبارت بودند از :

۱- لشکر یکم پیاده - مکانیزه دیوانیه

تیپ بیست و هفتم پیاده - مکانیزه العماره

تیپ سی و چهارم زرهی

۲- لشکر پنجم پیاده - مکانیزه

تیپ پانزدهم پیاده - مکانیزه شعیبیه - بصره

تیپ بیستم پیاده - مکانیزه دیهیمیه - بصره

تیپ بیست و ششم میدان اسب دوانی بصره

۳- لشکر نهم زرهی ابوغریب بغداد

تیپ سی و پنجم زرهی تاجی بغداد

تیپ چهل و سوم زرهی تاجی بغداد

تیپ چهاردهم پیاده - مکانیزه نصریه

د - لشکر دوازدهم زرهی قبل از جنگ وابسته به قرارگاه کل بود ولی

در جریان جنگ تحت امر سپاه دوم قرار گرفت .

ه - سه تیپ نیروی مخصوص زیر :

تیپ ۳۱ نیروهای مخصوص کرکوک و تحت امر سپاه یکم

تیپ ۳۲ نیروهای مخصوص کوت و تحت امر سپاه دوم

تیپ ۳۳ نیروهای مخصوص بصره و تحت امر نیروی دریایی

تیپهای مزبور با شروع جنگ تحت امر سپاه سوم قرار گرفتند .

و - یگانهای گارد ریاست جمهوری که درارای مأموریت و سازمان ویژه بودند، مقر اصلی آنان بغداد بود و ترکیبی به قرار ذیل داشتند :
۱- تیپ گارد ریاست جمهوری (نیروهای گارد ریاست جمهوری

شامل :

گردان نیروی مخصوص

گردان زرهی تانک

دو گردان پیاده - مکانیزه

۲- تیپ ۱۰ زرهی گارد ریاست جمهوری ، مستقر در پادگان الرشید بغداد .

ز - فرماندهی نیروهای گارد مرزی ، دارای تقریباً بیست تیپ مرزی .
ح - چندین گردان نیروی دفاع واجبات در مقرهای مرکزی سپاهها و نیروی دریایی و هوایی مستقر بودند و در خلال جنگ مورد استفاده عملیات قرار گرفتند .

استعداد نیروی هوایی و پدافند هوایی

در ابتدای جنگ نیروی هوایی عراق متشکل از بیست اسکادران هواپیماهای جنگنده رهگیر و بمب افکن بود که در ۹ پایگاه هوایی استقرار داشتند. همچنین چند تیپ موشکی زمین به هوا و سه تیپ پدافند هوایی در مناطق حساس مستقر بودند .

استعداد نیروی دریایی و گارد ساحلی

نیروی دریایی عراق دارای دو پایگاه اصلی بود :

۱- پایگاه دریایی بصره که تیپ ۷۷ دریایی در آن قرار داشت. این تیپ متشکل از واحدهای مین روب و ۴ کشتی کوچک پیاده کننده نیرو بود .

۲- پایگاه خلیج عربی [فارس] در بندر ام القصر که تیپ هفتم دریایی در آن استقرار داشت؛ این تیپ دارای قایقهای موشک انداز سریع بود .

۳- یگانهای پیاده وابسته به نیروی دریایی که از نظر سازمان شباهت بسیاری به گردانهای دفاع واجبات داشتند .

استعداد نیروی جیش الشعبی

جیش الشعبی نیروهای مردمی هستند که از طریق هسته های حزبی جذب می شوند. استعداد این نیروها بنا به اظهارات رسمی ، نزدیک به نیم میلیون نفر است که امکان افزایش آن بر حسب شرایط تا یک میلیون نفر وجود دارد. سازماندهی این نیروها به شکل «قاطع» است که شامل چند پایگاه عملیاتی و یک پایگاه پشتیبانی می باشد . ارتش عراق در استانه جنگ

سازمانهای جاسوسی غرب اطلاعات دقیقی از اوضاع اقتصادی، سیاسی، مشکلات داخلی و درگیریهای سیاسی داخلی ایران در اختیار عراق قرار

دادند. عراق به دقیقترین جزئیات وضعیت نظامی ایران و ازهم گسیختگی ارتش که در نتیجه کاهش مدت خدمت وظیفه وانقضای خدمت هزاران نظامی اعم از افسر و درجه دار به وجود آمده بود، دست یافت و از حجم نیروهای مسلح ایران وعدم انضباط نظامی و آشفتگی یگانهای نظامی، اطلاعات با ارزشی به دست آورد. عربستان سعودی نیز از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی لحظه به لحظه مسئولین عراق را از توان نظامی ایران آگاه ساخته و اطلاعات خود را بصورت شفاهی و حتی گزارشهای کتبی در اختیار انی کشور قرار می داد رژیم فهد اطلاعات مزبور را از طریق سازمان اطلاعات آمریکا دریافت می کرد سازمان «سیا» تعداد زیادی از عناصر ساواک و نظامیان فراری را در اختیار داشت و از طریق آنها و نیز عناصر نفوذی خود اطلاعات ذی قیمتی کسب می کرد. سفارتخانه های خارج مستقر در ایران و نیز عناصری که از ایران به عراق فرار کرده بودند از دیگر منابع خبری رژیم عراق محسوب می شدند. صدام با داشتن این اطلاعات مترصد فرصتی بود تا در زمان مقتضی ضربه خود را به نظام نوپای ایران وارد آورد. تنها ابهام و نگرانی صدام و حزب بعث عراق ، نیروی هوایی ایران بود. تواناییهای نیروی هوایی و وفاداری پرسنل آن به انقلاب اسلامی نگرانیهایی را در میان طراحان حمله نظامی به ایران بوجود آورده بود. به همین منظور ، رهبران عراق تصمیم گرفتند حمله گسترده خود را از ژوئیه ۱۹۸۰ (خرداد ماه ۱۳۵۸) به تأخیر انداخته و در انتظار توطئه ای باشند که توسط سازمانهای جاسوسی غرب بر علیه امام و انقلاب اسلامی در دست اجرا بود و مأمور اجرای این توطئه معدودی از پرسنل خائن نیروی هوایی بودند. با شکست این توطئه ، رهبران عراق مصمم شدند حمله نهایی و گسترده خود را به منظور سرنگونی حکومت ایران آغاز کنند. از جمله بهانه های رژیم عراق برای تهاجم به ایران افزایش حجم سازمان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و

تشکیل ارتش بیست میلیونی بود. فراخوانی مردم توسط امام برای تشکیل ارتش بیست میلیونی ، کابوسی برای مخالفین انقلاب اسلامی ، به ویژه سران مرتجع عرب و بالخصوص صدام بوجود آورده و راحتی خیال را از آنان گرفته بود. به همین دلیل رهبران عراق در صدد بر آمدند از شرایط سختی که جمهوری اسلامی در آن گرفتار شده بود سود جسته و قبل از اینکه نظام اسلامی تثبیت شده و به یک نیروی قدرتمند در منطقه تبدیل گردد ، ضربه نهایی و شکننده به آن وارد آورند .

ارزیابی ایران قبل از تهاجم

در طول ماه سپتامبر تا روز حمله سراسری عراق ، رویدادهایی در خطوط مرزی به وقوع پیوست که بسیاری مدون و برنامه ریزی شده بود. رهبران عراق قصد داشتند با انجام تحرکاتی در خطوط مرزی ، عکس العملهای احتمالی ایران را قبل از اقدام به عملیات گسترده ارزیابی کنند. بدین منظور به واحدهایی که در نزدیکی مرز قرار داشتند دستور دادند بعضی از پاسگاههای ایران را که عراق مدعی مالکیت آنها بود اشغال کرده و در انتظار دستورات بعدی باشند. به عنوان نمونه می توان به اشغال پاسگاههای سیف سعد (منطقه میمک) ، هیله ، نی خضر و هنجیره توسط تیپ ۲۴ مکانیزه (از لشکر دهم زرهی) اشاره کرد. این تیپ در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۱۳ با سرعت و بدون هیچ مقاومتی از سوی نیروهای ایرانی موفق شد پاسگاههای فوق را پس از تصرف به تیپ ۲ لشکر دوم واگذار کند .

در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۲۶ صدام طی سخنانی در مجلس ملی عراق لغو قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر را اعلام کرد و در این امر تلو یحاً به منزله اعلام آغاز جنگ بود. اعلام لغو قرارداد الجزایر پس از اشغال برخی از مناطق مرزی

ایران و عدم عکس العمل جدی از سوی نیروهای مسلح ایران ، این مسئله را در ذهن رهبران عراق تقویت نمود که در صورت حمله ، نیروهای ایرانی قادر به هیچ گونه اقدامی نیستند. به این ترتیب فرماندهان نظامی عراق به صدام اطمینان دادند که در صورت اشغال بخش وسیعی از خاک ایران ، ارتش این کشور قادر به پاسخگویی قاطع نیست ؛ به همین دلیل صدام متن قرارداد الجزایر را در مقابل دوربینهای تلویزیون عراق پاره کرد و رودخانه اروند را یک رودخانه صرفاً عربی اعلام کرد. عراق می دانست که عکس العمل ایران در برابر عبور کشتیهای تجاری که صرفاً پرچم عراق بر روی آنها نصب شده باشد، چگونه خواهد بود، لذا در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۲۸ با ادعای خود مبنی بر تیر اندازی ایران به کشتی کویتی که هنگام عبور از رودخانه اروند پرچم عراق بر روی آن نصب شده بود، دنیا را از آغاز یک درگیری و مناقشه نظامی باخبر ساخت و این اقدام ایران را تجاوزی به حقوق قانونی عراق در رودخانه شط العرب (اروندرود) قلمداد کرد. به این ترتیب ، عراق کوشید قبل از آغاز تهاجم سراسری به ایران جو سیاسی متشنجی در دنیا بوجود آورده و توجیه مناسبی برای اقدام خود بدست آورد .

حمله سراسری عراق

در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۳۱ سپاههای دوم و سوم عراق مأموریت یافتند طبق طرحها و برنامه های تعیین شده حمله به اهداف مورد نظر در خاک ایران را آغاز کنند . این دستورات در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۲۶ به صورت شفاهی به فرماندهان سپاه ابلاغ شده بود. در این ابلاغیه ، ساعت اجرای مأموریت نیز (ساعت - صفر) معین شده بود .

در آستانه عملیات ، حادثه قابل توجهی ذهن همه فرماندهان را به خود مشغول ساخت: در حالی که واحدهای رزمی در جنب و جوش فوق العاده

ای بودند و نقل و انتقالات گسترده ای آغاز شده بود، ناگهان برکناری فرمانده و رئیس ستاد سپاه سوم و فرمانده و رئیس ستاد لشکر پنجم مکانیزه اعلام شد. صدام به دلایل واهی که چندان قابل اهمیت بنظر نمی رسید چهار تن از فرماندها مؤثر عملیاتی را از کار برکنار کرد. سرکشکر ستاد عدنان الجبوری فرمانده سپاه سوم در روز ۱۳۵۹/۶/۲۷ به لشکرهای تابعه سپاه و سگانهایی که جهت تقویت سازمان ، تحت امر این سپاه قرار گرفته بودند دستور عملیاتی را بصورت کتبی ابلاغ کرد. از آنجا که صدام مخالف ابلاغ دستورات بصورت کتبی بود و احتمال آن را می داد که در آینده از مدارک کتبی علیه او بعنوان آغازگر جنگ استفاده شود، دستور داد بخشنامه صادره از سوی فرماند سپاه جمع آوری شود و پس از آن سرلشکر ستاد عدنان الجبوری ، سرتیپ ستاد جواد البدر فرمانده و رئیس ستاد سپاه سوم و همچنین سرتیپ ستاد سلمان باقر و عبدالماجد به ترتیب فرمانده و رئیس ستاد لشکر پنجم مکانیزه را از کار برکنار نمود و به جای آنها سرلشکر ستاد ، اسماعیل تابه النعمی به فرماندهی سپاه سوم منصوب شد و سرتیپ ستاد نعمه فارس ، ریاست ستاد سپاه سوم و سرتیپ ستاد صلاح القاضی ، فرماندهی لشکر پنجم را بعهدہ گرفتند .

سازمان نیروهای عراقی در موج اول حمله

طرح عملیات و نحوه پیشروی هر یک از واحدها طبق نقشه، از پیش تعیین شده بود و فرماندهان واحدهای عمل کننده برای کسب آخرین آمادگیها تلاش می کردند واحدهایی که در موج اول عملیات شرکت داشتند عبارتند از :

الف - سپاه دوم با استعداد زیر در مرحله اول عملیات هجوم خود را آغاز می کرد :

لشکر دوم

لشکر چهارم پیاده

لشکر ششم زرهی

لشکر هشتم پیاده

لشکر دوازدهم زرهی

تیپ ۳۲ نیروهای ویژه

ب - سپاه سوم در مرحله اول با استعداد زیر وارد عمل می شد :

لشکر دوم زرهی

لشکر پنجم مکانیزه

لشکر نهم زرهی

لشکر یکم مکانیزه

لشکر دهم زرهی

تیپ منهای ۳۱ نیروهای ویژه

تیپ ۳۲ نیروهای ویژه دریایی

پ - احتیاط کلی - نیروهای گارد ریاست جمهوری:

تیپ ده زرهی

تیپ گارد ریاست جمهوری

خلاصه ای از طرح حمله به عراق

چنانکه قبلاً گفته شد یکی از ابهامات اصلی فرماندهان ارتش عراق توانایی نیروی هوایی ایران بود و به همین دلیل ، حمله غافلگیرانه به پایگاههای هوایی ایران برای نابودی هر چه وسیعتر هواپیماها و از کار انداختن فرودگاه در اولویت قرار گرفت تا بدین وسیله نیروی زمینی ارتش عراق با خیالی آسوده به پیشروی ادامه داده و به اهداف مورد نظر دست یابد. همچنین در طرح حمله سراسری پیش بینی شده بود نیروی زمینی ارتش عراق همچون نیروی هوایی ، هجوم غافلگیرانه و سریع خود را توسط سپاههای دوم و سوم به عمق خاک ایران آغاز کرده و با اشغال شهرهای مهم مرزی ، تنگه ها و ارتفاعات حساس و منطقه نفت خیز خوزستان ، زمینه های سقوط نظام نوپای اسلامی را فراهم سازد .

طرح مانور سپاه دوم

سپاه دوم مأموریت داشت شهرهای قصر شیرین و گیلانغرب ، گردنه پاتاق ، سومار ، مندلی و ارتفاعات مهم منطقه را اشغال نماید؛ این مأموریت در دو محور اصلی و چند محور فرعی به شکل زیر انجام می شد :

الف - اشغال شهر قصر شیرین ، گردنه پاتاق و تصرف ارتفاعات مهم و پیشروی در سه محور :

۱- محور زین القوس - گردنه کومینه - امام حسن ، قطع کردن راه گیلان غرب و قصر شیرین و اشغال کوه کمکو و امام حسن ؛ فرماندهی این پیشروی بعهدہ تیپ شانزدهم با چند گردان تقویت شده بود . ۱- محور قره نو تا کوه کچل سر پل ذهاب به منظور محاصره قصر شیرین از جناح چپ . فرماندهی این محور بعهدہ تیپ سوم و احتیاط آن بر عہدہ تیپ ۲۵ مکانیزه بود کہ ماموریت داشت پیشروی و الحاق با محور راست و محاصره شهر را تحقق بخشد .

۲- اشغال شهر گیلان غرب با پشت سر گذاشتن مرزهای بین المللی در محور مندلی و اشغال سومار ؛ این مأموریت بعهدہ لشکر چهارم گذاشته شد .

۳- لشکر دوم پیاده ، اشغال شهر مهران و مناطق اطراف آن را بعهدہ داشت و قرار بود در سه محور زیر مانور خود را انجام دهد :

۱- محور بدره: پاسگاه المیمه و پاسگاه الزیادی

۲- محور زرباتیہ . پاسگاه رضا آباد و سد کنجان چم ؛ این مأموریت بعهدہ تیپ چهارم از لشکر دوم پیاده گذاشته شد .

۳- تیپ سی و ششم از لشکر دوم پیاده سی ہفتم زرهی از لشکر دوازدهم ، ماموریت داشتند از محور زرباتیہ و پاسگاه محمد القاسم وارد عمل شده و شهر مهران را اشغال نمایند . طرح مانور سپاہ سوم

از جنوب منطقہ مهران و دهلران تا رأس البیثہ واقع در جنوب آبادان بعنوان حوزہ مسئولیت سپاہ سوم تعیین گردید . قرارگاه

اصلی سپاه در میمونه واقع در استان العماره قرار داشت. طرح مانور و اهداف سپاه سوم شامل موارد زیر بود:

الف - محاصره دزفول و مناطق همجوار از طریق پیشروی به سمت جاده دوراهی فکه ، شراهانی ، امامزاده عباس و پل نادری ، عبور از رودخانه کرخه و جاده اهواز به اندیمشک ، محاصره دزفول و پیشروی به سمت جاده اصلی .

ب - لشکر یک مکانیزه مأموریت داشت در محور فکه و شوش وارد عمل شده و با عبور از مرز کرخه و پشت سر گذاشتن جاده اهواز - دزفول ، از شمال به سمت اهواز و از جنوب به سمت دزفول پیشروی کرده و این دو شهر را محاصره نماید. این مانور با هماهنگی لشکر ده زرهی به منظور تسلط کامل بر دزفول و مناطق اطراف آن انجام می گرفت .

ج - لشکر نهم زرهی مسئولیت پیشروی به سمت اهواز و سقوط این شهر را با هماهنگی لشکر ۵- مکانیزه که در جنوب این محور مستقر بود بعهده داشت. این لشکر حرکت خود را به سمت اهواز از محور شیب ، بستان و سوسنگرد انجام می داد .

د - مأموریت‌های لشکر ۵ مکانیزه :

۱- تیپ ۲۶ زرهی می بایست در روز ۳۱ شهریور ۵۹ به منظور قطع جاده خرمشهر - اهواز و محاصره خرمشهر تا رودخانه کارون حرکت خود را آغاز و تا شرق ساختمانهای پیش ساخته پیشروی می کرد .

۲- تیپ ششم زرهی به دنبال محور شلمچه - خرمشهر و قسمت شرقی با گذاشتن از جاده خرمشهر - اهواز به سوی

رودخانه کارون پیشروی کرده و با عبور از رودخانه ، در منطقه کعبه به سمت جاده اهواز - آبادان و جاده آبادان - شیخ بدر ، و پس از کنترل این جاده ادامه حرکت داده و با عبور از رودخانه بهمنشیر ، محاصره آبادان را تکمیل می نماید .

ه - تیپ نیروی ویژه ، مأموریت دفاع از اروندرود، حدفاصل منطقه ابو الخصیب تا فاو را بعهدہ داشت .
و - تیپ الکولبه ، احتیاط کل سپاه بود .

۳- به هر تقدیر ، رژیم عراق با زمینه سازیهای انجام شده تهاجم علیه انقلاب اسلامی را آغاز کرد و به منظور تصرف مناطق استراتژیک وارد خاک ایران شد . ارتش عراق در روزهای اول جنگ بدون هرگونه مقاومتی به پیشروی خود ادامه داد اما با گذشت چند روز از جنگ ، مردم و نیروهای انقلابی در برابر حرکت واحدهای نظامی عراق مقاومت کرده و موفق شدند سدّ محکمی در مقابل هجوم گسترده ارتش عراق ایجاد کنند . ارتش عراق با مشاهده این مقاومت مجبور به تغییر استراتژی نظامی خود شد و با کنار نهادن استراتژی پیروزی برق آسا ، راه حل میانه ای را برای پایان جنگ انتخاب کرد؛ این راه حل شامل تصرف هدف محدود و مهمی در داخل خاک ایران و فشار سیاسی جهت گرفتن امتیاز بود^{۲۶}

^{۲۶} فصلنامه بررسی‌های نظامی شماره ۱۱- معاونت اطلاعات نیروی زمینی سپاه

حماسه ۳۴ روز مقاومت

با وجود بسترها و زمینه‌های وقوع جنگ و نیز فراهم شدن دلایل آن، جنگ‌ها با بهانه آغاز می‌شوند. صدام هنگامی در عراق به قدرت رسید که اوضاع ملی این کشور، شرایط حاکم بر ایران و نظام بین‌الملل برای دستیابی به اهدافش بسیار مساعد بود. از نظر بین‌المللی، غرب و شرق در صدد تضعیف انقلاب اسلامی ایران برآمده و کشورهای عربی به‌ویژه دولت عراق از وحشت نفوذ انقلاب در منطقه هراسان شدند. در محیط داخلی عراق، حزب بعث در آمادگی کامل برای توسعه‌طلبی به‌سرمی‌برد و ارتش این کشور مجهز و آماده برای یک اقدام استراتژیک بود و فرصت مناسبی برای جبران ضعف‌های عراق به‌ویژه در خصوص قرارداد ۱۹۷۵ فراهم آمده بود؛ مسئولان عراق خواهان دستیابی به جایگاه و موقعیت برتری در منطقه بودند تا عراق را به‌عنوان یک قدرت برتر در منطقه تثبیت کنند. اوضاع ملی ایران نیز به‌شدت دچار بی‌ثباتی سیاسی بود؛ گروه‌های مخالف داخلی دست به شورش علیه نظام نوپای اسلامی زده بودند و ارتش ایران هم به‌شدت ضعیف شده بود، از طرفی هیچ‌گونه حمایت بین‌المللی از ایران و انقلاب اسلامی نمی‌شد. با عنایت به این موقعیت و به‌دنبال حدود ۱۸ ماه درگیری‌های مرزی، ارتش عراق در ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹ با ۴۸ یگان عمده (۱۲ لشکر و ۳۶ تیپ مستقل) با پشتیبانی حدود ۳۶۶ هواپیمای جنگنده، ۴۰۰ هلی‌کوپتر و ۵۴۰۰ دستگاه تانک و نفربر، تهاجم همه‌جانبه‌خود به مرزها و عمق کشور ایران را آغاز کرد. طراحان نظامی، مناطق مرزی بین ایران و عراق که حدود ۱۶۰۹ کیلومتر عرض دارد را به‌منظور آرایش و هدایت نیروها به سه جبهه شمال غرب، غرب و جنوب (جنوب غربی) تقسیم کرده بودند. منطقه عملیاتی اخیر از دهانه فاو تا رودخانه چنگوله امتداد داشت. به لحاظ اهمیت منطقه عملیاتی جنوب و باتوجه به ظرفیت در این مقاله به شرح مختصر

عملکرد یگان‌های نزاجا در محدوده مرز خوزستان و جنوب ایلام پرداخته می‌شود.

شرح عملیات نیروی زمینی در روزهای ابتدایی جنگ با ارتش متجاوز عراق در جبهه جنوب (خوزستان و جنوب ایلام): پس از شدت گرفتن اختلافات ایران و عراق به‌ویژه درگیری‌های مرزی در سال‌های ۱۳۵۹-۱۳۵۸ و افزایش احتمال عملیات آفندی عراق به داخل خاک ایران در ۱۵ شهریور ماه ۵۹، نیروی زمینی یک طرح عملیاتی پدافندی به نام طرح ابوذر تهیه کرد؛ لشکر ۹۲ زرهی نیز بر مبنای طرح فوق طرح پدافندی حر را تهیه کرد که براساس آن تیپ ۲ زرهی دزفول در منطقه شمالی (محورهای فکه - شوش و شرهانی - عین‌خوش و محورهای بیات و چیلات)، تیپ ۳ زرهی در منطقه میانی (محور چزابه - بستان - اهواز) و تیپ ۱ زرهی در منطقه جنوبی (طلایه تا شلمچه) مسئولیت پدافند در مقابل نیروهای متجاوز را یافتند. نیروهایی از سایر یگان‌های نیروی زمینی نیز برحسب حساسیت مناطق جهت تقویت آنان در این سه محور به کار گرفته شدند.

در ساعت ۱۹ روز ۳۱ شهریور ماه، فشار یگان‌های زرهی لشکر ۳ عراق به‌منظور ورود به خاک مقدس جمهوری اسلامی ایران در منطقه پاسگاه شلمچه متمرکز شد، ولی مقاومت و پایداری رادمردان مستقر در پایگاه که مرکب از عناصری از لشکر ۹۲ زرهی، ژاندارمری و نیروهای بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بودند دشمن را در خیز اولیه ناکام و تا اندازه‌ای نیروهای مهاجم را از حوالی پاسگاه دور کرد.

این مقاومت در سراسر پاسگاه‌های موجود بین کوشک و شلمچه در مقابله با دشمن مجهز به انواع سلاح‌ها، به منصف ظهور رسید. بدیهی

است که این پایداری شجاعانه کاملاً بر خلاف انتظار و تصور نیروهای عراقی بود، زیرا به آنها اینگونه تفهیم شده بود که جز مقاومت مرزی بسیار ضعیف، مانع دیگری در مقابل آنها وجود نخواهد داشت.

همانگونه که ذکر شد نیروهای موجود در پاسگاه‌ها و دژهای مرزی با عناصری از تیپ ۱ لشکر ۹۲ زرهی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و تکاوران دریایی تقویت شده که سلاح آنها را تفنگ انفرادی، آر پی جی ۷ و تعدادی معدود تفنگ ۱۰۶ م م تشکیل می‌داد. این مقاومت مردانه زیر بنای محکمی بود که ساختار دفاعی سرزمین ایران اسلامی در برابر یورش وحشیانه متجاوزان از همان آغاز، نهاده شد. بدین ترتیب از فردای نخستین روز تجاوز، نیروی زمینی عراق تصمیم گرفت که با حداکثر قدرت رزمی موجود تک همه‌جانبه‌ای را در سراسر مرز، به‌ویژه در منطقه خرمشهر - آبادان به شدت پیگیری کند. لذا ضمن وارد کردن نیروهای مانوری بیشتر، به میزان بمباران هوایی و شدت آتش توپخانه در شهرهای خرمشهر و آبادان اضافه کرد؛ به‌گونه‌ای که در اثر حجم آتش توپخانه و هوایی دشمن در همان ساعات اولیه بامداد روز دوم نبرد، تنها در خرمشهر ۶۰ نفر شهید و ۱۱۰ نفر مجروح شدند.

فشار نیروهای مانوری دشمن همراه با آتش شدید توپخانه در صبح روز اول مهرماه شدت یافت، با این حال، مقاومت و پایداری نیروهای مدافع بیشتر شده به‌طوری که در ساعات اولیه به نیروهای مهاجم صدمات سختی وارد شد و یگان پیشرو دشمن مجبور به عقب‌نشینی شد ولی نیروهای متجاوز بعثی با تکیه بر مقدرات زرهی و توان وسیع پشتیبانی آتش توپخانه، همچنین بمباران‌های پیاپی روی قوای دفاع‌کننده و شهرهای خرمشهر و آبادان، سرانجام در بعدازظهر آن روز، پس از اشغال شلمچه به سوی دژهای واقع در معبر وصولی شلمچه - خرمشهر که به

فاصله سه کیلومتری و به موازات مرز احداث شده بود به پیشروی خود ادامه داده بودند.

با عبور نیروهای عراق از پاسگاه‌های شلمچه آتش توپخانه دشمن روی تاسیسات نفتی و نقاط حساس و همچنین روی دژهایی که در مسیر قرار داشتند شدت یافت. نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و توپخانه‌های موجود در منطقه با اجرای بمباران و آتش‌های دوربرد خود گرچه توانستند تلفات نسبتاً زیادی به دشمن وارد ساخته و در نتیجه سرعت عمل او را محدود سازند ولی قادر به جلوگیری از پیشروی دشمن نبودند.

در ساعت ۱۸ روز دوم جنگ، اغلب پاسگاه‌های مرزی در منطقه سقوط کرد اما مقاومت‌های پراکنده وجود داشت. در داخل شهرهای خرمشهر و آبادان، بمباران و آتش توپخانه دشمن همچنان فاجعه‌آفرین بود. نیروهای عراقی پس از عبور از پاسگاه‌های مرزی، با نیروهای محدود مستقر در دژ که در سه کیلومتری نوار مرزی قرار داشت درگیر شدند؛ دفاع مردانه، تا حد آخرین نفر و آخرین گلوله ادامه داشت. سرانجام یگان‌های زرهی متجاوز موفق شدند، دژهای موجود در مسیر را با دادن تلفات نسبتاً زیاد به تصرف درآورند اما میزان استقامت و پایداری رزمندگان ما به حدی بود که پیشروی دشمن مجهز را به سوی خرمشهر تا روز سوم عملیات در همان حوالی دژ متوقف ساخت.

در بامداد روز سوم نبرد، دشمن یگان‌های عمل‌کننده خود را به منظور تصرف خرمشهر از دو محور وارد عمل کرد:

محور یکم از مسیر شلمچه - خرمشهر و محور دوم از مسیر شلمچه - حسینیه - جاده اهواز به طرف خرمشهر (از شمال به جنوب) بود. در

محور یکم نیروهای دشمن با مقاومت سرسختانه در نهر عریض مواجه شدند و موفق به پیشروی نشدند.

محور دوم پس از قطع محور اهواز - خرمشهر در حال پیشروی به طرف شهر در حوالی بندرخرمشهر مورد تهاجم هواپیماهای نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. در این حمله هوایی تعدادی از نیروهای دشمن کشته شده و مابقی با به جا گذاشتن ۱۸ دستگاه از ادوات زرهی خود سراسیمه عقب‌نشینی کردند. در این عملیات تعدادی از نیروهای عراقی نیز به اسارت مدافعان خرمشهر درآمدند، اما محور اهواز- خرمشهر همچنان در دست دشمن باقی ماند. دشمن به‌منظور تصرف هرچه سریع‌تر خرمشهر و رسیدن به اهداف خیالی خود (قادسیه صدام و تصرف سه‌روزه خرمشهر) یک تیپ زرهی دیگر وارد منطقه کرد. آتش‌های توپخانه و نیروی هوایی عراق با شدت هرچه بیشتر ادامه داشت.

تلفات نیروهای خودی روزبه‌روز و ساعت به ساعت رو به فزونی می‌گذاشت. این در حالی بود که اعزام نیروهای تقویتی و جایگزینی تلفات در آن شرایط وجود نداشت. خرمشهر از دو طرف شمال (محور اهواز- خرمشهر) و غرب (محور شلمچه- خرمشهر) در محاصره بود و آتش دشمن از سه جهت روی شهر و نیروهای مدافع آن به‌شدت اجرا می‌شد.

مدافعان شهر همچنان زیر آتش سنگین دشمن مقاومت می‌کردند، به‌گونه‌ای که توپ‌های گردان ۱۷۵ م م توپخانه به‌دلیل اجرای زیاد آتش از کار افتاده و گردان‌های ۲۳۲ تانک و ۱۶۵ پیاده زرهی به‌دلیل تلفات زیاد پرسنل و انهدام تجهیزات از حداقل آمادگی رزمی قابل قبول

برخوردار نبودند، لذا تحت فشار دشمن به تدریج به منطقه گمرک خرمشهر عقب‌نشینی کردند. در چنین شرایطی حماسه‌های باورنکردنی قهرمانان ما که شامل پرسنل نیروی زمینی، تکاوران دریایی، نیروهای جان بر کف سپاه و بسیج بودند بارها تکرار و در این راه صدمات و لطمات زیادی به دشمن مهاجم وارد آمد. در یکی از این عملیات که در ساعت ۱۳:۴۰ روز چهارم مهرماه صورت پذیرفت، ضمن وارد شدن تلفات زیاد به دشمن، تعدادی تانک و نفربر از دشمن به غنیمت گرفته شد.

به هر حال در مقابل مانور نیروی مهاجم، فرماندهی عملیات خرمشهر (مستقر در آبادان) با به کارگیری باقیمانده عناصر گردان ۲۳۲ تانک و گردان ۱۵۱، گردان ۱۶۵ مکانیزه و یگان‌های پیاده سبک دانشکده افسری که اخیراً به منطقه وارد شده بودند و تکاوران دریایی و رزمندگان بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توانست آرایش دفاعی خود را در مقابل دو محور تجاوز، شمال و غرب سازماندهی کند.

دشمن به‌منظور تصرف هرچه سریع‌تر خرمشهر، از روز چهارم، فشار همه جانبه خود را در جبهه‌های شمال و غرب خرمشهر افزایش داد. خرمشهر و آبادان از سه طرف غرب، شمال و جنوب زیر آتش سنگین توپخانه و بمباران هوایی عراق قرار داشت. تحت این شرایط نامطلوب که هر لحظه خطر سقوط خرمشهر از سمت شمال وجود داشت، حماسه دیگری را رزمندگان اسلام به منصفه ظهور رساندند، بدین معنا که در تاریکی شب، دلاوران با آرپی جی ۷ و تفنگ ۱۰۶ میلی متری به دشمن هجوم برده، صدمات زیادی به تانک‌های او وارد آوردند. این عملیات متهوران و غیرقابل پیش‌بینی علیه دشمن سبب شد که نیروهای عراقی برای مدتی به غرب جاده اهواز- خرمشهر عقب‌نشینی کنند. در این

عقب‌نشینی اجباری تعدادی از جنگ‌افزارها و خودروهای به جا مانده دشمن به غنیمت گرفته شد. بررسی‌های اطلاعاتی بعد از این عملیات نشان می‌دهد که یورش رزمندگان ما به یگان‌های زرهی، آسیب فراوان وارد کرده و باعث تضعیف شدید روحیه خدمه جنگ‌افزارهای عمده از قبیل تانک دشمن شده به طوری که به منظور کم کردن این ضایعات، فرماندهان عراقی پیشنهاد کرده بودند که نیروهای در خط مقدم، بیشتر با عناصر پیاده تقویت شوند. در همین راستا بود که یک تیپ گارد مرزی وارد معرکه غرب خرمشهر و شمال آن شد.

در منطقه خرمشهر دشمن یورش خود را مجدداً از شمال و غرب این شهر آغاز و از جنوب نیز آتش‌های پشتیبانی را تشدید کرد. مواضع نیروهای ایران در پلیس راه و پادگان دژ زیر ضربات سنگین توپخانه دشمن قرار گرفت. تیپ ۱ لشکر ۹۲ زرهی که در جنوب غربی اهواز با یگان‌های لشکر ۵ مکانیزه درگیر شده بود به طور کلی متلاشی شد و از دو گردان تانک آن تعداد معدودی بیشتر باقی نماند تا به کمک مدافعان خرمشهر برود. حرکت تانک‌های دشمن به سوی شهر ادامه داشت، آتش توپخانه تمام نقاط حساس و حیاتی شهرهای خرمشهر و آبادان را ویران کرد ولی همچنان مقاومت رزمندگان اسلام در جبهه‌های شمال و غرب در مقابل دشمن کارساز بود.

فشار دشمن از هر طرف سرانجام امکان نفوذ او را به حاشیه شمالی و غربی شهر در دهم مهر ماه فراهم آورد. مدافعان شهر به داخل شهر عقب‌نشینی کرده ولی همچنان با دشمن متجاوز در حال رزم بودند. در نبردی خونین که در ترمینال خرمشهر اتفاق افتاد، مدافعان توانستند دشمن را عقب رانده و تعداد دو نفر را به اسارت بگیرند. با ورود

عراقی‌ها به داخل شهر نبرد تن به تن در کوچه پسکوچه‌های خرمشهر آغاز شد.

در این زمان ستاد مشترک ارتش یک فرماندهی مشترک در خرمشهر تشکیل داد و از این تاریخ تمامی نیروهای مستقر در منطقه در کنترل عملیاتی این فرماندهی مشترک قرار گرفتند. (۱۲ مهرماه ۵۹) درگیری شدید نیروهای مهاجم با رزمندگان مدافع خرمشهر که عمدتاً عناصری از ژاندارمری، تکاوران دریایی، دانشجویان دانشکده افسری، لشکر ۹۲، نیروهای مردمی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران بودند ادامه داشت. یورش‌های شبانه رزمندگان به دشمن متجاوز در کوچه پسکوچه‌های شهر، قرائنی از برنامه دشمن را نشان می‌داد که می‌توانست نشانه تغییر تاکتیک او باشد. بدین ترتیب که در روز چهاردهم مهرماه ضمن حضور نیروهای متجاوز در داخل شهر و درگیری آنان با رزمندگان اسلام، با ایجاد سنگرهایی در شمال محور شلمچه - خرمشهر (دوربند خرمشهر) چنان به نظر می‌رسید که دشمن قصد دارد خرمشهر را از شمال و غرب در محاصره گرفته و سقوط آن را با روش دیگری ممکن سازد.

از روز شانزدهم مهرماه مجدداً نیروهای متجاوز عراق تلاش خود را برای تصرف خرمشهر آغاز کردند. گزارش و اطلاعات حاصله حاکی از حضور یگان‌های پل ارتش عراق در منطقه بود که خود بیانگر حرکت جدیدی از سوی ارتش متجاوز را تقریباً مشخص می‌کرد. عبور از رودخانه، کدام رودخانه؟ از طرفی گردان ۱۵۱ دژ ظرف چند روز دفاع، تعداد ۱۲۰ شهید داده، تعدادی نیز مجروح و عده‌ای مفقودالاثراً شده بودند. گردان ۲۳۲ تانک نیز تقریباً متلاشی شده بود و تیپ ۱ همانگونه که قبلاً ذکر شد در مقابله با لشکر ۵ مکانیزه توان خود را از دست داده بود. با وجود کمبودهای یاد شده که گریبانگیر نیروهای مدافع خرمشهر

در مقابل قدرت روزافزون دشمن بود، مدافعان دلاور خرمشهر با کمک قهرمان هوانیروز در ساعت ۱۱ روز ۱۸ مهرماه ۵۹ توانستند با تهاجمی برق‌آسا، تعدادی از تجهیزات رزمی و مهندسی دشمن را منهدم کنند و ۹ نفر از آنها را به اسارت درآورند.

هوانیروز در بعد از ظهر همان روز تک غافلگیرانه‌ای را مجدداً آغاز کرد و موفق شد تعداد ۱۰ نفر دیگر از مزدوران را دستگیر کند. ضربات ایذایی هوانیروز و هجوم‌های شبانه رزمندگان و تلفاتی که به نیروهای مهاجم وارد می‌شد، هوای تصرف سه روزه خرمشهر را از سر فرماندهان عراقی بیرون کرد. آنان تصمیم به قطع تمام خطوط مواصلاتی به خرمشهر و آبادان گرفتند تا ضمن جلوگیری از تلفات و ضایعات زیاد، با یک تیر دو نشان زده باشند؛ یعنی با تصرف آبادان هم زمینه سقوط خرمشهر را فراهم کنند و هم بر اروندرود مسلط شوند.

فشار دشمن روزه‌روز و ساعت به ساعت افزایش می‌یافت. تنها در روز ۲۵ مهر نیروی دریایی، تعداد ۱۹۵ را شهید اعلام کرد. عناصر معدودی از تکاوران، نیروهای مردمی و تعدادی از دانشجویان دانشکده افسری با جنگ‌افزار سبک آر پی جی ۷ با تانک‌های دشمن مقابله می‌کردند. دشمن سراسر خرمشهر و آبادان و مواضع نیروهای مدافع را زیر آتش سنگین قرار داده بود، گرچه بسیاری از تحلیل‌گران ۲۶ مهر را روز سقوط خرمشهر پیش‌بینی کرده بودند ولی رزمندگان دلاور این سرزمین مقدس همچنان در مقابل متجاوز، سلحشورانه به دفاع پرداخته و سرسختانه مقاومت می‌کردند و یورش‌های شبانه رزمندگان، آرامش را از دشمن

سلب کرده بود. حقیقتاً قلم از توصیف مدت ۳۴ روز مقاومت این
رزمندگان از جان گذشته میان خون و آتش عاجز است.^{۲۷}

^{۲۷} - <http://hamshahrionline.ir/details/۲۰۹۳۷۹> همشهری آنلاین

روزشمار مقاومت خونین شهر

روز نخست ۳۱ / ۶ / ۱۳۵۹:

حملات هوایی عراق، به خاک و خون کشیده شدن مردم مظلوم و بی‌دفاع، هجوم به پاسگاه‌های مرزی، جاده شلمچه، جاده خرمشهر - اهواز و حاشیه رودخانه کارون.

روز دوم: ۱ / ۷ / ۱۳۵۹:

تلاش دشمن برای اشغال پاسگاه‌های مرزی (اشغال پاسگاه شلمچه و حدود) پیشروی به سوی جاده خرمشهر - اهواز، بمباران اسکله شماره ۷ خرمشهر.

روز سوم ۲ / ۷ / ۱۳۵۹:

بمباران هوایی، آتش شدید توپ‌ها و تانک‌های دشمن، حرکت کماندوهای عراقی در جاده شلمچه به سمت پل نو، پیشروی نیروهای زرهی از شمال سیل‌بند عرایض به سمت جاده خرمشهر - اهواز.

روز چهارم ۳ / ۷ / ۱۳۵۹:

ورود دشمن به خرمشهر از سه محور:

۱. شمالی (جاده خرمشهر - اهواز)

۲. شمال غربی (حد فاصل جاده اهواز - شلمچه)

۳. غربی (جاده شلمچه)

تشدید آتش بر پادگان دژ، تخلیه مهمات و اسلحه از آن، محاصره پادگان توسط تانک‌های عراقی.

درگیری در نهر عرایض و پل نو

توقف گردان ۱۶۵ پیاده زرهی، تخلیه دژها

حمله حدود ۱۵ فروند میگ عراقی به خرمشهر

تخریب بخشی از بیمارستان مصدق

روز پنجم ۱۳۵۹ / ۷ / ۴ :

هجوم ارتش عراق از محور شمالی تا نزدیک پادگان دژ و از محور غربی تا پشت صد دستگاه.

روز ششم ۱۳۵۹ / ۷ / ۵ :

تلاش دوباره ارتش عراق برای ورود به خرمشهر، ناکامی دشمن در اشغال خرمشهر.

روز هفتم ۱۳۵۹ / ۷ / ۶ :

پیشروی نیروهای پیاده، مکانیزه و زرهی دشمن از غرب تا شمال خرمشهر (از نزدیکی اروندرود تا نزدیکی رود کارون)

روز هشتم ۱۳۵۹ / ۷ / ۷ :

آتش سنگین دشمن بر محورهای پل نو، پلیس راه، پادگان دژ، حرکت نیروهای زرهی دشمن از شمال به سوی دوربند، حمله دشمن به ساختمان‌های پیش ساخته.

روز نهم ۸/۷/۱۳۵۹ :

هجوم دشمن از سه محور :

۱- بندر (محور غربی)

۲- دوربند (محور مرکزی)

۳- پلیس راه (محور شمالی)

پادگان دژ زیر آتش توپخانه دشمن

پاسخ امام خمینی (ره) به پیشنهاد صدام

روز دهم ۹/۷/۱۳۵۹ :

نخستین هجوم دشمن به بندر و گمرک، پیشروی دشمن در جاده شلمچه تا کشتارگاه، پیشروی دشمن به سمت جاده خرمشهر - اهواز، پادگان دژ، رودخانه کارون، پلیس راه، بمباران هوایی عراق بر خرمشهر

روز یازدهم ۱۰/۷/۱۳۵۹ :

هجوم دشمن از دو محور :

۱- بندر (گمرک)

۲ - دوربند - کشتارگاه - راه آهن

حمله دشمن از منطقه دوربند، تصرف پلیس راه، عقب نشینی دشمن، درگیری در خانه‌های پیش ساخته.

موضع گرفتن نیروهای زرهی، مکانیزه و پیاده از کشتارگاه تا صد دستگاه، آتش سنگین در فلکه راه آهن، درگیری با دشمن در کشتارگاه. حمله به مدرسه دریابدرسای، به خاک و خون کشیدن نیروهای مدافع خرمشهر.

روز دوازدهم ۱۳۵۹ / ۷ / ۱۱ :

محاصره خرمشهر از اروند تا کارون، تلاش برای اشغال خرمشهر، پیشروی در محور بندر، تصرف مسجدی در محدوده بندر، حرکت به سوی پادگان دژ، عبور از کارون.

روز سیزدهم ۱۳۵۹ / ۷ / ۱۲ :

ادامه تلاش دشمن برای تصرف خرمشهر، شبیخون تکاوران عراقی به پادگان دژ، سر بردن افسر حاضر در پادگان، انتقال توپخانه از شمال خرمشهر به شرق کارون به کمک سروان اسفندیاری.

روز چهاردهم ۱۳۵۹ / ۷ / ۱۳ :

هجوم دشمن از سه محور:

۱- جنوبی (بندر)

۲ - مرکزی (جاده شلمچه)

۳ - شمالی (پلیس راه)

پیشروی دشمن در محور بندر تا ساختمان هماهنگی بندر (سی.بی.اس)،
پیشروی تا نزدیکی های پادگان دژ.

بمباران و آتش توپخانه دشمن بر خرمشهر.

روز پانزدهم ۱۳۵۹ / ۷ / ۱۴ :

درگیری با دشمن در کوی بندر و عقب راندن آنان از ساختمان هماهنگی
بندر (سی.بی.اس).

روز شانزدهم ۱۳۵۹ / ۷ / ۱۵ :

پیشروی دشمن در محور بند، اشغال ساختمان هماهنگی بندر (سی.بی.
اس)، پیشروی در محور جاده شلمچه

روز هفدهم ۱۳۵۹ / ۷ / ۱۶ :

پیشروی دشمن در سه محور بندر، جاده شلمچه و خانه های پیش ساخته

روز هجدهم ۱۳۵۹ / ۷ / ۱۷ :

ادامه پیشروی دشمن در سه محور: بندر، جاده شلمچه و خانه های
پیش ساخته

حرکت دشمن به سمت پادگان دژ، بمباران پادگان دژ

درگیری شدید در بندر به ویژه اطراف مسجد، تصرف مسجد بندر

روز نوزدهم ۱۸ / ۷ / ۱۳۵۹ :

درگیری نیروهای مدافع با دشمن در حوالی دوربند در محور شلمچه -
خرمشهر و شمال پادگان دژ

روز بیستم ۱۹ / ۷ / ۱۳۵۹ :

ساخت پل دشمن در منطقه مارد بر رودخانه کارون و گذر از آن

روز بیست و یکم ۲۰ / ۷ / ۱۳۵۹ :

پیشروی دشمن در محور بندر.

روز بیست و دوم ۲۱ / ۷ / ۱۳۵۹ :

درگیری در کشتارگاه، پادگان دژ، گمرک

اشغال بخش غربی شهر: پلیس راه، ساختمان‌های پیش ساخته تا ایستگاه
راه آهن، ورود نخستین ستون نیروهای عراقی به کوی طالقانی

سقوط بندر، میدان کشتارگاه، میدان راه آهن (جانباز)

روز بیست و سوم ۲۲ / ۷ / ۱۳۵۹ :

پیشروی دشمن از سه محور راه آهن، پلیس راه و گمرک، شیبخون
کماندوهای عراقی به پادگان دژ.

روز بیست و چهارم ۲۳ / ۷ / ۱۳۵۹ :

محاصره پلیس راه توسط تانک‌های دشمن، ورود تکاوران و
کماندوهای عراقی به کوی طالقانی، تشدید تهاجم دشمن در کوی
طالقانی و تسلط بر بخش اعظم آن.

اشغال پادگان دژ، پیشروی دشمن به سوی خیابان کمربندی
اشغال بندر، اداره بندر، گمرک و راه آهن

روز بیست و پنجم ۱۳۵۹ / ۷ / ۲۴ :

اشغال پلیس راه، ادامه درگیری‌ها در کوی طالقانی، کوی بندر، استادیوم
ورزشی و بخشی از جاده کمربندی
درگیری در خیابان ۴۰ متری

روز بیست و ششم ۱۳۵۹ / ۷ / ۲۵ :

ادامه نبرد خیابانی در جاده کمربندی، کوی طالقانی و اداره بندر.

روز بیست و هفتم ۱۳۵۹ / ۷ / ۲۶ :

افزایش تلاش‌های دشمن برای اشغال خرمشهر، ادامه جنگ خانه به خانه
و کوچه به کوچه در خرمشهر.

روز بیست و هشتم ۱۳۵۹ / ۷ / ۲۷ :

پیشروی نیروهای متجاوز به فلکه آتش‌نشانی، خیابان‌های اطراف گل
فروشی، خیابان آرش و عشایر.

بمباران هوایی خرمشهر.

روز بیست و نهم ۱۳۵۹ / ۷ / ۲۸ :

ادامه نبردهای خیابانی، زیر آتش قرار گرفتن مسجد جامع

روز سی ام ۱۳۵۹ / ۷ / ۲۹ :

ادامه نبردهای خیابانی، هجوم دشمن به خانه‌های خیابان آرش

روز سی و یکم ۱۳۵۹ / ۷ / ۳۰ :

حملات شدید توپخانه و موشک بر خرمشهر، آتش سوزی بازار

روز سی و دوم ۱۳۵۹ / ۸ / ۱ :

ادامه نبرد خانه به خانه و کوچه به کوچه

روز سی و سوم ۱۳۵۹ / ۸ / ۲ :

تشدید حملات دشمن در خیابان‌های آرش و عشایر حرکت یگان‌های
زرهی دشمن از خیابان عشایر به سوی فلکه فرمانداری

حمله دشمن به ساختمان فرمانداری و ساختمان‌های مجاور، زیر آتش
گرفتن مواضع به ویژه پل خرمشهر

تسلط یگان‌های پیاده و زرهی عراق بر انتهای شمالی پل خرمشهر و
قطع ارتباط بین رزمندگان داخل شهر با نیروهای پشتیبان در جزیره آبادان

روز سی و چهارم ۱۳۵۹ / ۸ / ۳ :

تسلط دشمن بر ساختمان فرمانداری و پل خرمشهر

اشغال خرمشهر

صدور دستور عقب‌نشینی از شهر^{۲۸}

^{۲۸} <http://www.tabnak.ir/fa/news/۲۴۶۱۵۷> /سایت خبری تحلیلی تابناک

عملیات بیت المقدس (فتح خرمشهر)

در حالی که اشغال خرمشهر توسط عراق به عنوان آخرین و مهم‌ترین برگ برنده این کشور برای وادار ساختن ایران به شرکت در هر گونه مذاکرات صلح تلقی می‌شد، آزاد سازی این شهر می‌توانست سمبل تحمیل اراده سیاسی جمهوری اسلامی بر متجاوز و اثبات برتری نظامی‌اش باشد.

بر همین اساس، با توجه به این که منطقه عمومی غرب کارون آخرین منطقه مهمی بود که هم‌چنان در اشغال عراق قرار داشت، از یک سو فرماندهان نظامی ایران برای انجام عملیات در این منطقه اشتراک نظر داشتند.

از سوی دیگر عراق نیز که طراحی عملیات آزادسازی خرمشهر را پس از عملیات فتح المبین قطعی و مسجل می‌پنداشت، با در نظر گرفتن اهمیت این شهر و جایگاه آن در دفاع از بصره، به ضرورت حفظ این منطقه معتقد بود.

از این رو، بلافاصله پس از اتمام عملیات فتح المبین، در حالی که قوای ارتش عراق در منطقه عمومی خرمشهر تقویت می‌شد، به تمام یگان‌های تحت امر قرارگاه مرکزی کربلا دستور داده شد تا ضمن بازسازی و تجدید قوا، به شناسایی و طراحی عملیات پردازند.

اهداف عملیات

مهم‌ترین اهدافی که در این عملیات دنبال می‌شد، عبارت بودند از:

- انهدام نیروی دشمن، حداقل بیش از دو لشکر.

- آزاد سازی حدود ۵۴۰۰ کیلومتر مربع از خاک ایران؛ از جمله شهرهای خرمشهر، هویزه و پادگان حمید.
- خارج نمودن شهرهای اهواز، حمیدیه و سوسنگرد از برد توپخانه دشمن.
- تامین مرز بین المللی (حدفاصل پاسگاه طلائیة تا شلمچه).
- آزادسازی جاده اهواز - خرمشهر و خارج شدن جاده اهواز - آبادان از برد توپخانه دشمن.

منطقه عملیات

منطقه عمومی عملیات بیت المقدس در میان چهار مانع طبیعی محصور است، که از شمال به رودخانه کرخه کور، از جنوب به رودخانه اروند، از شرق به رودخانه کارون و از غرب به هور الهویزه منتهی می شود.

منطقه مزبور به جز جاده نسبتاً مرتفع اهواز - خرمشهر، فاقد هر گونه عارضه مهم برای پدافند است. همین امر موجب شد تا زمین منطقه - به دلیل مسطح بودن - برای مانور زرهی مناسب، و برای حرکت نیروهای پیاده - به دلیل در دید و تیر قرار داشتن - نامناسب باشد. نقاط حساس و استراتژیک منطقه شامل بندر و شهر خرمشهر، پادگان حمید، جفیر، جاده آسفالت اهواز - خرمشهر، شهر هویزه و رودخانه های کارون، کرخه کور و اروند بود.

فتح خرمشهر، یکی از نتایج بزرگ عملیات بیت المقدس بود، ولی تنها نتیجه آن نبود. در این نبرد که یکی از مهم ترین و گسترده ترین عملیات ها در دوران جنگ تحمیلی است، حدود ۵۴۰۰ کیلومتر مربع از خاک کشور

که در جنوب استان خوزستان به اشغال صدامیان درآمده بود، آزاد شد. این وسعت، چندین برابر مساحت چند کشور همجوار ایران است که دشمن در آن با حداکثر توان نظامی خود؛ یعنی با شش لشکر شامل سه لشکر زرهی، یک لشکر مکانیزه و دو لشکر پیاده و ده تیپ مستقل پدافند می کرد و با استفاده از ۱۴۰۰ دستگاه تانک، ۱۲۰۰ دستگاه نفربر زرهی و بیش از پانصد عراده توپخانه صحرایی و حدود هشتاد هزار نیروی نظامی، این منطقه را در کنترل خود داشت.

استعداد دشمن

تا قبل از آغاز عملیات بیت المقدس، استعداد نیروهای دشمن به ترتیب زیر بود:

- لشکر ۶ زرهی؛ از جنوب رودخانه کرخه تا هویزه.
- لشکر ۵ مکانیزه؛ از غرب اهواز تا روستای سید عبود.
- لشکر ۱۱ پیاده از سید عبود تا خرمشهر - تیپ های ۲۲، ۴۸، ۴۴ مامور حفاظت از خرمشهر بودند.
- لشکر ۳ زرهی در شمال خرمشهر.

با شروع عملیات نیز یگان های دیگری از ارتش عراق به منطقه اعزام شدند که در مجموع تمامی یگان هایی که در منطقه درگیری حضور یافتند، عبارت بودند از:

- لشکر ۵ مکانیزه؛ شامل: تیپ های ۲۶ و ۵۵ زرهی و تیپ های ۱۵ و ۲۰ مکانیزه.

- لشکر ۶ زرهی؛ شامل: تیپ های ۱۶ و ۳۰ زرهی و تیپ ۲۵ مکانیزه.
- لشکر ۳ زرهی؛ شامل: تیپ های ۶، ۱۲ و ۵۳ زرهی و تیپ ۸ مکانیزه.
- لشکر ۹ زرهی؛ شامل: تیپ های ۳۵ و ۴۳ زرهی و تیپ ۱۴ مکانیزه.
- لشکر ۱۰ زرهی؛ شامل: تیپ های ۱۷ زرهی و ۲۴ مکانیزه.
- لشکر ۱۱ پیاده؛ شامل: سه تیپ سازمان ۴۴، ۴۸ و ۴۹ پیاده و سه تیپ تحت امر ۴۵، ۱۱۳ و ۲۲ پیاده.
- لشکر ۱۲ زرهی؛ شامل: تیپ های ۴۶ مکانیزه و ۳۷ زرهی.
- لشکر ۷ پیاده؛ شامل: تیپ های ۱۹ و ۳۹ پیاده.
- تیپ مستقل ۱۰ زرهی.
- تیپ های مستقل ۱۰۹، ۱۱۹، ۱۱۶، ۹۰، ۱۱۷، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۵، ۶۰۶، ۴۰۹، ۲۳۸ و ۵۰۱ پیاده.
- تیپ های ۳۱، ۳۲ و ۳۳ نیروی مخصوص.
- تیپ های ۹، ۱۰ و ۲۰ گارد مرزی.
- تعداد ۳۰ گروهان کماندو.
- تعداد ۱۰ قاطع جیش الشعبی (هر قاطع ۴۵۰ نفر).

- گردان تانک مستقل سیف سعد.
- گردان های شناسایی حطین، صلاح الدین، حنین.
- توپخانه دشمن نیز از ۵۳۰ قبضه توپ در انواع مختلف تشکیل شده بود که به طور تقریبی عبارت بود از ۳۰ گردان .

طرح عملیات

در طراحی عملیات، تهاجم از طریق عبور از رودخانه کارون و پیشروی به سوی مرز بین المللی و سپس آزادسازی شهر خرمشهر مد نظر قرار گرفته و چنین استدلال می شود که حمله به جناح دشمن، که عمدتاً به سمت شمال آرایش گرفته بود، عامل موفقیت عملیات است.

هم چنین، شکستن خطوط اولیه دشمن و عبور از رودخانه و گرفتن سرپل در غرب کارون تا جاده آسفالته اهواز - خرمشهر به عنوان اهداف مرحله اول و ادامه پیشروی به سمت مرز و تامین خرمشهر به عنوان اهداف مرحله دوم تعیین شدند.

بر همین اساس، محورهای عملیاتی هر یک از قرارگاه ها به ترتیب زیر مقرر گردید:

- ۱-محور شمالی؛ قرارگاه قدس (با عبور از رودخانه کرخه)
- ۲- محور میانی؛ قرارگاه فتح (با عبور از رودخانه کارون و پیشروی به سمت جاده اهواز - خرمشهر)

۳- محور جنوبی؛ قرارگاه نصر (با عبور از کارون و پیشروی به سمت خرمشهر)

شرح عملیات

سرانجام عملیات بیت المقدس در ۳۰ دقیقه بامداد روز ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۱ با قرائت رمز عملیات بسم الله الرحمن الرحيم . بسم الله القاسم الجبارین، یا علی ابن ابی طالب از سوی فرماندهی آغاز شد.

شهید آیت الله صدوقی و آیت الله مشکینی نیز که در کنار فرماندهان سپاه و ارتش در قرارگاه کربلا حضور داشتند، هر یک به طور جداگانه، پیام‌هایی را به وسیله بی‌سیم خطاب به رزمندگان اسلام قرائت کردند.

عملیات بیت المقدس را به چهار دوره زمانی به شرح زیر می‌توان تقسیم کرد:

مرحله اول

در محور قرارگاه قدس (شمال کرخه کور) به دلیل هوشیاری دشمن و وجود استحکامات متعدد، پیشروی نیروها به سختی امکان پذیر بود و در این میان تنها تیپ های ۴۳ بیت المقدس و ۴۱ ثارالله موفق شدند از مواضع دشمن عبور کرده و منطقه ای در جنوب رودخانه کرخه کور را به عنوان سرپل تصرف کنند. عدم پوشش جناحین این یگان ها باعث شده بود که فشار شدید دشمن بر آن ها وارد شود.

در محور قرارگاه فتح، یگان های خودی ضمن عبور از رودخانه به سرعت خود را به جاده اهواز-خرمشهر رسانده و به ایجاد استحکامات و جلوگیری از نقل و انتقالات و تحرکات دشمن درجاده مذکور پرداختند.

در محور قرارگاه نصر، به دلیل تاخیر در حرکت و وجود با تلاق در کنار جاده اهواز - خرمشهر و هم چنین تمرکز دشمن در شمال خرمشهر، نیروهای این قرارگاه نتوانستند به اهداف مورد نظر دست یافته و با قرارگاه فتح الحاق کنند.

الحاق کامل قرارگاه نصر با قرارگاه فتح و هم چنین تصرف اهداف مرحله اول قرارگاه قدس در دستور کار عملیات شب دوم قرار گرفت که با انجام آن تا حدودی اهداف مورد نظر محقق شد، لیکن برخی رخنه ها همچنان باقی بود تا این که سرانجام پس از ۵ روز، جاده اهواز - خرمشهر از کیلومتر ۶۸ تا کیلومتر ۱۰۳ تثبیت و کلیه رخنه ها ترمیم شد.

مرحله دوم

در این مرحله آزاد سازی خرمشهر از دستور کار عملیات خارج و تصمیم گرفته شد که قرارگاه های فتح و نصر از جاده اهواز - خرمشهر به سمت مرز پیشروی کنند و قرارگاه قدس نیز ماموریت یافت تا به صورت محدود برای تصرف سرپل در جنوب کرخه کور اقدام نماید و سپس آن را گسترش دهد.

عملیات در این مرحله در ساعت ۲۲:۳۰ روز ۱۳۶۱/۲/۱۶ آغاز شد. نیروهای قرارگاه فتح در همان ساعات اولیه به جاده مرزی رسیدند. یگان های قرارگاه نصر نیز با اندکی تاخیر و تحمل فشارهای دشمن، به مرز رسیده و با قرارگاه فتح الحاق کردند.

دشمن با مشاهده جهت پیشروی نیروهای ایران به طرف مرز، لشکرهای ۵ و ۶ خود را به عقب کشاند. به نظر می رسید این عقب نشینی با دو هدف انجام شده باشد: یکی جلوگیری از محاصره و انهدام این لشکرها، و دیگری تقویت هر چه بیشتر خطوط پدافندی بصره و خرمشهر.

در پی این عقب نشینی که از ساعات اولیه روز ۱۳۶۱/۲/۱۸ آغاز شده بود، نیروهای قرارگاه قدس ضمن تعقیب نیروهای دشمن، تعدادی از آن ها را که از قافله عقب مانده بودند، به اسارت خود درآوردند و در نتیجه جاده اهواز - خرمشهر (تا انتهای جنوب منطقه ای که توسط قرارگاه نصر به عنوان سرپل تصرف شده بود) و نیز مناطقی همچون جفیر، پادگان حمید و هویزه آزاد شدند.

مرحله سوم

در این مرحله، قرارگاه نصر ماموریت یافت تا حرکت خود را به سمت خرمشهر آغاز نماید. نیروهای عمل کننده که متشکل از چهار تیپ مستقل سپاه پاسداران و دو تیپ ارتش بودند، در آخرین ساعات روز ۱۳۶۱/۲/۱۹ عملیات خود را آغاز کردند؛ اما به دلیل هو شیاری دشمن و تمرکز نیرو در خطوط پدافندی اش، نیروهای خودی در انجام ماموریت خود توفیق نیافتند. تکرار این عملیات در روز بعد نیز به شکست انجامید. به همین خاطر تصمیم گرفته شد تا برای انجام عملیات نهایی فرصت بیشتری به یگان ها داده شود. هم چنین مقرر شد دو تیپ المهدی (عج) و امام سجاد (ع) از قرارگاه فجر نیز در حرکت بعدی استفاده شود.

مرحله چهارم عملیات از ۱ تا ۴ خرداد

سرانجام در ساعت ۲۲:۳۰ اول خرداد ۱۳۶۱ تلاش برای آزادی سازی خرمشهر با رمز «بسم الله القاسم الجبارین یا محمد بن عبدالله (ع)» آغاز شد در برابر تک سریع و غافلگیرانه، نیروهای عراقی دچار وحشت و سرگردانی شدید شدند و نتوانستند واکنش مهمی از خود نشان دهند و ارتباط یگان های دشمن با یکدیگر قطع شد. فرار افسران و درجه داران

و سربازان عراقی از منطقه خرمشهر گویای از هم پاشیدگی سازمان یگان های دشمن بود.

در روز دوم خرداد نتیجه پیکار بسیار درخشان بود و قرارگاه کربلا به هدف خود که احاطه کامل خرمشهر بود، رسید. تعداد اسرای عراقی در این روز از ۲۸۳۰ نفر تجاوز کرد و یگان هایی از دشمن که در منطقه بین نهر عریض و شلمچه مستقر بودند، به میزان زیاد منهدم شدند.

به وجود حضور گسترده هواپیماهای عراقی در آسمان منطقه، عقابان تیزپرواز نیروی هوایی ارتش در پشتیبانی از یگان های رزمنده، در صحنه عملیات بیت المقدس حضوری فعال داشتند و با بمباران پل شناور عراقی ها بر روی شط العرب و مناطق تجمع آنان در آن سوی رودخانه، نقش ارزنده ای در آزاد سازی خرمشهر ایفا کردند.

در اواخر روز دوم خرداد، قرارگاه کربلا پس از بررسی آخرین وضعیت، تصمیم گرفت تا نیروها با ورود به شهر، آنها را از لوث وجود نیروهای عراقی پاک گردانند. در سه بامداد روز سوم خرداد واحدهایی از رزمندگان ایران به آن سوی رودخانه وارد شدند.

از طرف دیگر جمعی از نیروهای عراقی با استفاده از تاریکی شب و قایق اقدام به فرار کردند که تعدادی از این قایق ها توسط تکاوران نیروی دریایی هدف قرار گرفت و سرنشینان آن ها غرق شدند.

نیروهای عراقی از ساعت سه و پنجاه دقیقه بامداد تا نیم بعد از ظهر روز سوم خرداد از سمت شلمچه ۳ بار اقدام به پاتک کردند و تلاش نمودند تا از طریق جاده شلمچه - خرمشهر حلقه محاصره خرمشهر را بشکنند،

اما هر بار با پایداری و مقاومت دلاورانه رزمندگان ایرانی مواجه شدند و با دادن خساراتی عقب نشینی کردند.

در ساعت ۱۱ صبح روز سوم خرداد در حالی که درگیری شدیدی بین قوای ایرانی و نیروهای عراقی در شمال نهر خین جریان داشت و دشمن در فکر شکستن حلقه محاصره خرمشهر بود، رزمندگان ایرانی از جناح غرب و خیابان کشتارگاه وارد شهر شدند. ناحیه گمرک خرمشهر در کنار اروند اندکی مقاومت کرد که آن هم به سرعت در هم شکسته شد.

در ساعت ۱۲ قوای ایران از سمت شمال و شرق وارد شهر شدند و نیروهای متجاوز بعثی که ۲۴ ساعت در محاصره کامل قرار داشتند، راهی جز اسارت یا فرار و یا کشته شدن نداشتند. بدین جهت واحدهای عراقی گروه گروه به اسارت رزمندگان اسلام در آمدند.

در ساعت ۲ بعد از ظهر، خرمشهر به طور کامل آزاد شد و پرچم پر افتخار جمهوری اسلامی ایران بر فراز «مسجد جامع» و پل تخریب شده خرمشهر به اهتزاز درآمد.

بدین ترتیب این شهر مقاوم که پس از ۳۵ روز پایداری و مقاومت در ۴ آبان ۱۳۵۹ به اشغال دشمن درآمد، پس از ۵۷۸ روز (۱۹ ماه) اسارت، بار دیگر به آغوش گرم میهن اسلامی بازگشت و پیکره پاک آن از لوٹ وجود متجاوزان تطهیر گردید.

رزمندگان اسلام در اولین اقدام خود پس از آزاد سازی شهر، نماز شکر را در مسجد جامع خرمشهر اقامه کردند. خبر آزاد سازی خرمشهر به سرعت در همه جا طنین افکند و ملت ایران اسلامی را که مدت ها در آرزوی شنیدن چنین خبر مسرت بخشی بودند، غرق در شادی و سرور

کرد. مردم به خیابان‌ها ریختند و با پخش شیرینی به جشن و شادی پرداختند. در پایان آن روز امت شهید پرور ایران با حضور در مساجد، نماز شکر به جای آورده و با فرا رسیدن شب به یمن پیروزی حق بر باطل بر پشت بام‌ها ندای الله اکبر سردادند.

نتایج

- طی عملیات بیت المقدس ۵۰۳۸ کیلومتر مربع از اراضی اشغال شده از جمله شهرهای خرمشهر و هویزه و نیز پادگان حمید و جاده اهواز - خرمشهر آزاد شدند. علاوه بر این شهرهای اهواز، حمیدیه و سوسنگرد از تیررس توپخانه دشمن خارج گردیدند. هم چنین ۱۸۰ کیلومتر از خط مرزی تامین شد.
 - با فتح خرمشهر، برتری نظامی ایران بر عراق مورد تایید کارشناسان و تحلیل گران نظامی قرار گرفت.
 - فتح خرمشهر موجب انفعال ارتش عراق شد؛ به گونه ای که نظامیان عراقی تا مدت زیادی نتوانستند از لاک دفاعی خارج شوند.
 - عملیات بیت المقدس موجب شد تا کشورهای عرب منطقه به تقویت مالی و نظامی عراق مبادرت ورزند.
 - طی این عملیات حدود نوزده هزار تن از نیروهای دشمن به اسارت درآمده و بالغ بر شانزده هزار تن کشته و زخمی شدند.
- میزان انهدام یگانهای دشمن
- لشگر ۳ زرهی و لشگرهای ۱۱ و ۱۵ پیاده: ۸۰ درصد.

- لشگرهای ۹ و ۱۰ زرهی: ۵۰ درصد.
 - لشگر ۷ پیاده: ۴۰ درصد.
 - لشگر ۵ مکانیزه و لشگرهای ۶ و ۱۲ زرهی: ۲۰ درصد.
 - تیپ های ۹، ۱۰ و ۲۰ گارد مرزی: ۱۰۰ درصد.
 - تیپ ۱۰۹ پیاده: ۶۰ درصد.
 - تیپ های ۶۰۱، ۶۰۲، ۴۱۶، ۴۱۹ پیاده: ۵۰ درصد.
 - تیپ های ۳۱، ۳۲ و ۳۳ نیروهای مخصوص به میزان زیاد.
- طرح ریزی و اجرای عملیات بیت المقدس در فضایی کاملاً متفاوت با عملیات های پیشین انجام گرفت. نخست آنکه دشمن درباره منطقه عملیات هوشیار بود زیرا تنها منطقه ای که در جنوب همچنان در اشغال دشمن قرار داشت، منطقه غرب رودخانه کارون بود و طبیعی به نظر می رسید که قوای نظامی ایران این منطقه را برای عملیات انتخاب کنند. بنابراین امکان غافلگیری دشمن درباره مکان عملیات وجود نداشت.

عملیات بیت المقدس در موقعیتی کاملاً حساس طرح ریزی شد. تدبیر فرماندهان سپاه این بود که تلاش اصلی عملیات باید در عبور از رودخانه کارون و تصرف سرپلی بزرگ متمرکز شود. حال آنکه فرماندهان ارتش بر اساس تفکر کلاسیک، همانند عملیات قبلی (هویزه در ۵۹/۱۰/۱۵) در این منطقه، بر این نظر بودند که تلاش اصلی باید با اتکا به جاده اهواز - خرمشهر انجام شود. متعاقب بحث ها و بررسی های طولانی، سرانجام بر اساس نظر سپاه عملیات در ساعت ۳ بامداد دهم اردیبهشت

۱۳۶۱ آغاز و در چهار مرحله اجرا شد و به پیروزی رسید. در این عملیات ۱۹۰۰۰ تن از نیروهای دشمن به اسارت قوای ایران درآمدند.

فتح خرمشهر صرف نظر از بازتاب و نتایج سیاسی آن، از بعد نظامی بسیار حائز اهمیت بود. عوامل مؤثر در پیروزی ایران علاوه بر استراتژی برتر، اجرای تاکتیک ویژه عملیات عبور از رودخانه کارون و افزایش توان رزمی سپاه بود. در این عملیات سپاه ۱۰۰ تا ۱۲۰ گردان نیرو در قالب تیپ (ولی با استعداد لشکر) وارد عملیات کرد که در مقایسه با عملیات ثامن الائمه، تنها در فاصله ۹ ماه، توان رزمی سپاه نزدیک به ۱۰ برابر رشد و افزایش را نشان می‌دهد. در واقع گرچه سپاه به عنوان یک نهاد انقلابی به تناسب ضرورت‌های انقلاب متولد شد ولی "در خوزستان و در لابلای حوادث جنگ تحمیلی به رشد و بالندگی رسید" و موقعیت آن تثبیت شد.

خرمشهر در روند تحولات جنگ تحمیلی به عنوان نماد و مظهر "مقاومت سرسختانه ایران و پیروزی بر عراق" به‌شمار می‌رفت. به همین دلیل عملیات بیت‌المقدس و نتایج آن می‌توانست سرنوشت جنگ و موقعیت سیاسی رژیم عراق را مشخص نماید. مواضع و استحکامات عراق در خرمشهر و آمادگی برای مقابله با تهاجم رزمندگان اسلام، این امیدواری را برای حامیان جهانی و منطقه‌ای عراق به وجود آورده بود که عراق با حفظ خرمشهر و با ایجاد تأخیر در آزادسازی آن، ضمن فرسایش توان نظامی ایران، فرصت لازم را برای آمادگی ارتش عراق جهت مقابله با وضعیت جدید فراهم خواهد ساخت.

سرعت عمل قوای نظامی ایران با اتکا به تاکتیک ویژه عملیات عبور از رودخانه کارون و سقوط مواضع عراق و آزادسازی زودهنگام خرمشهر،

نه تنها تمامی امیدهای حامیان عراق را بر باد داد، بلکه دامنه نگرانی و اضطراب آنها را درباره سرنوشت سیاسی رژیم صدام و آینده منطقه گسترش داد. روزنامه آلمانی دویچه سایتونگ طی تحلیلی در این باره نوشت:

خطر پیروزی ایران و در نتیجه درهم ریختن عراق، نظام‌های حاکم منطقه را پس از سقوط رژیم بعثی بغداد، تهدید می‌کند و احتمال مداخله ابرقدرت‌ها را نیز به‌دنبال دارد.»

از نظر نظامی اجرای چهار عملیات پیروز طی ۸ ماه نشان دهنده تجدید قوای نظامی ایران بود. متقابلاً ناتوانی عراق برای دفاع از مواضع و استحکامات خود، به منزله از میان رفتن توان نظامی این کشور و در نتیجه سقوط احتمالی رژیم عراق ارزیابی می‌شد.

از بُعد سیاسی، در واقع عراق با از دست دادن خرمشهر تکیه‌گاهش را برای مذاکره از دست داد. به عبارت دیگر، خرمشهر برای عراق "برگ برنده‌ای" محسوب می‌شد که با آزادسازی آن به دست رزمندگان اسلام و "عقب‌نشینی تحقیرآمیز" و مفتضحانه ارتش دشمن، رژیم عراق به نقطه پایان نزدیک می‌شد.

روزنامه لوموند با توجه به روند تحولات جنگ که به بن‌بست رسیده بود و بی‌ثباتی داخل کشور با فرار بنی‌صدر به پاریس، موقعیت جدید ایران و این پیروزی‌ها را از زاویه دیگری بررسی کرد و نوشت: «جنگ به رژیم ایران اجازه داد که ضمن برقراری مجدد اتحاد مقدس، به پاسداران، بازوی نیرومند انقلاب اسلامی و عمده‌ترین نیروهای نظامی کشور، اهمیت خاصی داده شود و جناح‌های مختلف "لیبرال" و "چیپی"»

تصفیه شوند و این خود نشانه یکی از عمده‌ترین پیروزی‌های جمهوری اسلامی ایران در مقابل رژیم بعثی بغداد بود.»

در واقع تثبیت اوضاع داخلی و مهار بحران و بی‌ثباتی سیاسی، منشأ دستیابی به پیروزی نظامی بود و متقابلاً این پیروزی‌ها روند تثبیت اوضاع داخلی را تسریع کرد. کمیته روابط خارجی سنای امریکا نیز طی گزارشی پیروزی‌های ایران را نتیجه تجدید قوای نیروهای مسلح ایران، نیروی انسانی بیشتر ایران و هماهنگی بهتر بین ارتش منظم و پاسداران انقلابی ارزیابی می‌کند.

پیدایش وضعیت جدید در صحنه سیاسی - نظامی جنگ و تحولات احتمالی در منطقه، امریکا را به شدت نگران کرد. با فتح خرمشهر در واقع امریکا دچار همان مخاطراتی شد که با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط شاه با آن روبه‌رو گردید، با این تفاوت که با بی‌ثباتی داخل ایران و شروع جنگ، امریکا امیدوار بود انقلاب در درون کشور مضمحل یا تعدیل شود، ولی پیروزی‌های پی‌درپی ایران و سرانجام فتح خرمشهر و احتمال سقوط رژیم عراق، دامنه نگرانی امریکا را در سطح منطقه گسترش داد. زیرا این تحول اساسی و چشمگیر به منزله تهدید منافع امریکا در منطقه ارزیابی شد. به همین دلیل واینبرگر وزیر دفاع وقت امریکا اعلام کرد پیروزی‌های ایران به نفع امریکا نخواهد بود.

هیگ وزیر خارجه وقت امریکا نیز اعلام کرد که امریکا در برابر هرگونه تغییر اساسی در منطقه خلیج فارس که ناشی از جنگ ایران و عراق باشد، بی‌تفاوت نخواهد بود. کیسینجر وزیر خارجه اسبق امریکا طی تحلیلی چالش‌های موجود در منطقه را به چهار دسته تقسیم کرد: «رادیکالیسم

شیعه، نهادگرایی اسلامی، انقلاب ایران و امپریالیسم شوروی.» وی در عین حال به ضرورت "توازن قوا در منطقه" تأکید کرد.

بازنگری استراتژی منطقه‌ای آمریکا در خلیج فارس که با آشکارشدن برتری نظامی ایران بر عراق پس از عملیات فتح‌المبین آغاز شده بود، آمریکا را ناچار به اتخاذ سه ابتکار دیپلماتیک کرد. هیگ وزیر خارجه آمریکا در این باره گفت:

اگر بخواهیم به یک نظم مسالمت‌آمیز بین‌المللی امیدی داشته باشیم، باید وقایع خاورمیانه را شکل دهیم و اکنون لحظه ورود آمریکا به منطقه است. آمریکا برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق، فعال کردن مذاکرات خودمختاری فلسطین و رفع تهدید از آغاز جنگ اقدام خواهد کرد. این ابتکارها به یکدیگر مربوط و با کشورهای دیگر نیز هماهنگ خواهد بود.»

وی همچنین یادآور شد :

بیم آن می‌رود که درگیری ایران و عراق به کشورهای همسایه گسترش پیدا کرده موجب تغییرات گسترده و غیرقابل پیش‌بینی در توازن نیروهای منطقه بشود.»

بدین ترتیب امریکایی‌ها به دلیل نگرانی از سقوط رژیم عراق که حاصل اخطار آژانس‌های متعدد جاسوسی این کشور بود، کمک‌های حیاتی به بغداد را آغاز کردند. آمریکا برای رفع محدودیت‌های موجود نام عراق را از لیست کشورهای به اصطلاح تروریست خارج کرد و محدودیت فروش تسلیحات به عراق لغو شد و برای برقراری روابط دیپلماتیک

میان دو کشور توافقاتی به عمل آمد. مصر و کشورهای شورای همکاری برای کمک به عراق ترغیب و تشویق شدند.

کمک‌های اطلاعاتی و حمایت‌های سیاسی و تبلیغاتی امریکا از عراق به نحو چشمگیری افزایش یافت. مشاور کمیته روابط خارجی سنای امریکا در توضیح فروش تسلیحات امریکا به عراق در همان زمان گفت:

این عمل امریکا به منظور تنبیه ایران و بازکردن راهی برای خروج عراق از بن‌بست موجود می‌باشد و ایران در جنگ با عراق از برتری محسوس برخوردار است و این واقعه ناخوشایندی برای امریکاست.» امریکایی‌ها به منظور فراهم‌سازی زمینه‌های حمایت سیاسی و تبلیغاتی از عراق، این کشور را متقاعد کردند آمادگی خود را برای عقب‌نشینی از خاک ایران اعلام نماید. رژیم بعثی و صدام که پیش از این به لحاظ سیاسی و نظامی در موقعیت برتری قرار داشتند و از تجزیه ایران سخن می‌گفتند با پیدایش وضعیت جدید در جنگ و اوضاع جنوب، آمادگی خود را برای برقراری آتش‌بس اعلام کردند.

در اجلاس چهار روزه کنگره حزب بعث عراق، صدام با پذیرش مسئولیت شکست استعفا داد ولی مجدداً به اتفاق آرا به مقام دبیرکل حزب بعث انتخاب شد.

صدام در موقعیت جدید تغییرات نسبتاً گسترده‌ای را به وجود آورد؛ بدین شکل که اعضای شورای فرماندهی انقلاب را از ۱۷ تن به ۱۰ تن کاهش داد و در کابینه عراق ۸ تن از وزیران (از جمله وزیر نفت) سمت‌های خود را از دست دادند و ۱۰ وزیر جدید وارد کابینه عراق شدند. ۵۵ بسیاری از تحلیل‌گران تحولات داخلی عراق را نتیجه شکست‌های اخیر این کشور و با هدف از میان بردن "هرگونه انتقاد در

سطح بالا" و فراهم‌سازی تحکیم موقعیت صدام ۵۸ ارزیابی کردند. امریکایی‌ها برای مهار نتایج ناشی از پیروزی‌های ایران علاوه بر اقدامات مذکور، سعی داشتند به هر نحو ممکن از ارائه امتیاز به ایران جلوگیری کنند تا جمهوری اسلامی به عنوان یک قدرت منطقه‌ای ظاهر نشود. در جهت این سیاست، سازمان ملل نیز با وجود برتری جمهوری اسلامی، شرایط ایران مبنی بر محکومیت متجاوز و پرداخت غرامت به ایران را نپذیرفت و همچنان بر تقدم آتش‌بس به هر اقدام دیگری تأکید کرد. ایران در وضعیت جدید و با توجه به موقعیت برتر سیاسی و نظامی سه راه‌حل فراروی خود داشت:

۱- آغاز مذاکره سیاسی با رژیم عراق و قدرت‌های حامی وی که لازمه آن دادن امتیاز به ایران بود ولی سازمان ملل و قدرت‌های حاکم بر شورای امنیت، این اقدام را به منزله به‌رسمیت‌شناختن قدرت انقلاب ایران در منطقه خلیج فارس می‌دانستند، لذا با بی‌توجهی به درخواست‌های برحق ایران، عملاً درهای مذاکره را مسدود کردند زیرا تمام رژیم‌های ذی‌نفع در جنگ بر "ندادن امتیاز به ایران" به منظور جلوگیری از برتری این کشور، توافق داشتند.

۲- ترک مخاصمه بدون اتمام جنگ راه‌حل دیگری بود که فراروی ایران قرار داشت. در این صورت قوای نظامی ایران می‌بایست در حالت نه جنگ و نه صلح در مرزها مستقر باشند و این امر جز فرسایش قوای سیاسی و نظامی ایران نتیجه‌ای نداشت. روزنامه گاردین درباره این راه‌حل نوشت:

«توقف ایران در داخل خاک خود به گفته تحلیل‌گران نمی‌تواند ضامن آن باشد که صدام حسین به دادن امتیاز بیشتری تن در دهد. ضمن اینکه

نباید این احتمال را از نظر دور داشت که نیروهای عراقی پس از گذراندن یک دوره استراحت و بازسازی به تهاجم مجدد اقدام نکنند.»
۳- صلح شرافتمندانه و تضمین شده تنها راه حلی بود که در برابر ایران قرار داشت. " شرافتمندانه" به این معنا که حقوق ایران تأمین می‌شد و "تضمین شده" به معنای جلوگیری از جنگ مجدد بود. این راه حل با توجه به سیاست قدرت‌ها در جلوگیری از ارائه هرگونه امتیاز به ایران، سرآغاز دوره جدیدی از جنگ بود که به تصمیم‌گیری نیاز داشت. لذا جلسه شورای عالی دفاع در حضور امام خمینی برگزار شد و سرانجام مسئولان سیاسی و نظامی کشور راه حل سوم را هر چند با تأخیر برگزیدند.

از بُعد سیاسی در حالی که جمهوری اسلامی در موقعیت برتر قرار داشت و از ارائه هرگونه امتیاز مناسب به ایران از جمله محکوم کردن متجاوز خودداری می‌شد، آیا ایران راه حل دیگری جز آنچه برگزید، می‌توانست انتخاب کند؟ از نظر نظامی نیز نظامیان به عنوان متولیان اصلی صحنه جنگ بر این اعتقاد بودند که به لحاظ نظامی امکان پدافند با توقف روی خط مرزی وجود ندارد زیرا در اغلب نقاط خط مرزی هیچ‌گونه مانع طبیعی وجود نداشت. ضمن اینکه ایجاد استحکامات نیز یک سال به طول می‌انجامید و طی این مدت احتمال تجدید قوای دشمن و حمله مجدد وجود داشت. مهم‌تر از همه اینکه با تکیه بر اصل "تعقیب دشمن"، هرگونه توقف پس از فتح خرمشهر یک حرکت غیراصولی بود. امام خمینی پس از تردید (مخالفت) اولیه درباره تداوم جنگ در خاک عراق، با استماع دلایل نظامیان، به ادامه جنگ متقاعد شدند و حمایت‌های لازم را به عمل آوردند.

موقعیت برتر نظامی ایران و پیروزی‌های پی‌درپی، در ایجاد اعتماد لازم برای پیروزی بر عراق و تصمیم‌گیری برای تداوم جنگ در داخل خاک عراق تأثیر اساسی داشت. ورود به داخل خاک عراق از نظر نظامی نیز اجتناب‌ناپذیر بود و با هدف تأمین ساحل شرقی رودخانه اروند انجام گرفت. این اقدام حاصل نگرانی و در عین حال بی‌اعتمادی به سیاست‌های امریکا و مجامع بین‌المللی بود. تنها راه‌حل این بود که قوای نظامی ایران با تکیه بر عوارض طبیعی و تهدید شهر بصره و در تیررس قراردادن منطقه عظیم نفتی رمیله و صفوان، عراق را وادار به تأمین خواسته‌های ایران کنند. بدین ترتیب در مرحله جدید جنگ، عملیات رمضان در چارچوب تجربیات و تاکتیک‌های پیشین طرح‌ریزی و در تاریخ ۲۳ تیر ۱۳۶۱ به اجرا گذاشته شد. در این مرحله تغییرات بسیاری در زمین منطقه و نحوه آرایش دشمن به وجود آمده بود. متقابلاً عدم آمادگی نیروهای خودی برای مواجهه با وضعیت جدید، سبب گردید نیروها با وجود موفقیت در شکستن مواضع و استحکامات دشمن، سرانجام به مواضع خود مراجعت نمایند.

نتیجه عملیات رمضان نشان‌داد که هیچ‌گونه آمادگی لازم در داخل عراق برای برپایی یک نهضت انقلابی به حمایت از انقلاب اسلامی ایران و مبارزه با رژیم بعثی عراق وجود ندارد و از نظر نظامی نیز وضعیت جدیدی فراوری ایران قرار دارد که دورنمای آن روشن نیست. سال دوم جنگ در وضعیتی پایان یافت که بیشتر مناطق اشغالی از لوث وجود متجاوزان پاک شده بود و ایران به منظور تأمین "صلح شرافت‌مندانه و تضمین شده" عملیات رمضان را طرح‌ریزی و اجرا کرد. مهم‌ترین سؤالی که در این مرحله وجود داشت این بود که:

«چه علل یا عواملی مانع از تبدیل پیروزی ایران در خرمشهر به یک پیروزی استراتژیک برای پایان بخشیدن به جنگ شد؟»^{۲۹}

^{۲۹} <http://wikiwar.blogfa.com> - دانشنامه جنگ ایران و عراق

پیام حضرت امام خمینی قدس سره الشریف به مناسبت عملیات
بیت المقدس و فتح خرمشهر
بسم الله الرحمن الرحيم

با تشکر از تلگرافاتی که در فتح خرمشهر به این جانب رسیده است،
سپاس بی حد بر خداوند قادر که کشور اسلامی و رزمندگان متعهد و
فداکار آن را مورد عنایت و حمایت خویش قرار داد و نصر بزرگ خود
را نصیب ما فرمود؛ و این جانب با یقین به آن که «مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ
اللَّهِ» از فرزندان اسلام و قوای سلحشور مسلح که دست قدرت حق از
آستین آنان بیرون آمد و کشور بقیه الله الاعظم ارواحنا لمقدمه الفدا را از
چنگ گرگان آدمخوار که آلت هایی در دست ابرقدرتان خصوصاً
امریکای جهانخوارند، بیرون آورد و ندای «الله اکبر» را در خرمشهر عزیز
طنین انداز کرد و پرچم پرافتخار «لا اله الا الله» را بر فراز آن شهر خرم
که با دست پلید جنایتکاران غرب به خون کشیده شده و خونین شهر
نام گرفت، - به اهتزاز در آورد - تشکر می کنم و آنان فوق تشکر امثال
من هستند.

آنان به یقین مورد تقدیر ناجی بشریت و برپا کننده ی عدل الهی در
سراسر گیتی روحی لثراب مقدمه الفدا می باشند. آنان به آرم «ما رمیت
اذ رمیت و لکن الله رمی» مفتخرند. مبارک باد و هزاران بار مبارک باد بر
شما عزیزان و نورچشمان اسلام این فتح و نصر عظیم که با توفیق الهی
و ضایعات کم و غنایم بی پایان و هزاران اسیر گمراه و مقتولین و آسیب
دیدگان بدبخت که با فریب و فشار صدام تکریتی این ابرجنایتکار دهر
به تباهی کشیده شدند، سرافرازانه برای اسلام و میهن عزیز افتخار ابدی
هدیه آوردید و مبارک باد بر فرماندهان قدرتمند که فرماندهان چنین
فداکارانی هستند که ستاره درخشنده ی پیروزی های آنان بر تارک تاریخ

تا نفخ صور نورافشانی خواهد کرد و مبارک باد بر ملت عظیم الشان ایران، این چنین فرزندان سلحشور جان بر کفی که نام آنان و کشورشان را جاویدان کردند و مبارک باد بر اسلام بزرگ این متابعانی که در دو جبهه ی جنگ با دشمنان باطنی و دشمن ظاهری پیروزمندانه و سرافراز امتحان خویش را دادند و برای اسلام سرافرازی آفریدند و هان ای فرزندان قرآن کریم و نیروهای ارتشی، سپاهی، بسیجی، ژاندارمری، شهربانی و کمیته ها و عشایر و نیروهای مردمی داوطلب و ملت عزیز، هشیار باشید که پیروزی هر چند عظیم و حیرت انگیز است، شما را از یاد خداوند که نصر و فتح در دست اوست غافل نکند و غرور فتح، شما را به خود جلب نکند که این آفتی بزرگ و دامی خطرناک است که با وسوسه ی شیطان به سراغ آدم می آید و برای اولاد آدم تباهی می آورد و من با آن که به همه ی شما اطمینان تعهد به اسلام دارم، از تذکری که برای مؤمنان نفع دارد باید غفلت نکنم، چنانچه از نصیحت به حکومت های همجوار و منطقه دریغ ندارم و آنان می دانند امروز با فتح خرمشهر مظلوم، دولت و ملت پیروزمند ما از موضع قدرت سخن می گویند و من به پیروی از آنان به شما اطمینان می دهم که اگر از اطاعت بی چون و چرای امریکا و بستگان آن دست بردارید و با ما به حکم اسلام و قرآن کریم رفتار کنید، از ما جز خیر و پشتیبانی نخواهید دید و شما بدانید آن قدر که ابرقدرت ها از صدام این نوکر چشم و گوش بسته پشتیبانی کردند، از شماها که قدرت های کوچک و حکومت های ضعیف هستید، پشتیبانی نمی کنند و شما عاقبت این جنایتکار و هم قطار جنایتکارش شاه مخلوع را به عیان دیده اید.

قدرت های بزرگ پیش از آن که از شما استفاده نمایند، از شما طرفداری نمی کنند و شماها را برای منافع خویش به هلاکت می کشند و من

نصحیت برادرانه به شما می‌کنم که کاری نکنید که قرآن کریم برای برخورد با شما تکلیف نماید و ما به حکم خدا با شما رفتار کنیم، و یقین بدانید که امثال حسنی مبارک مصری و حسین اردنی و دیگر هم جنایتکاران آنان برای شما نفعی ندارند و دین و دنیای شما را تباه می‌کنند و اگر با نشست‌های خود بخواهید «طرح کمپ دیوید» یا فهد را که مرده‌اند، زنده کنید - که ما خطر بزرگ برای کشورهای اسلامی خصوصاً حرمین شریفین می‌دانیم - اسلام به ما اجازه سکوت نمی‌دهد و این جانب در پیشگاه مقدس خداوند تکلیف الهی خود را ادا نمودم، اکنون دست تضرع و دعا به سوی خالق یکتا بلند کرده و برای قوای مسلح اسلام و فداکاران قرآن کریم و میهن عزیز ایران دعا می‌کنم و سلامت و سعادت و پیروزی آنان را خواستار هستم. سلام و درود بی‌پایان بر فرماندهان قوای مسلح و بر رزمندگان فداکار و بر ملت دلیر ایران عزیز و سرشار از شادی‌ها.

والسلام علی عباد الله الصالحین

روح الله الموسوی الخمینی

سوم خرداد ماه ۱۳۶۱

آزادسازی خرمشهر از زبان مسئول اطلاعات ارتش عراق

سرلشکر ستاد و فیک السامرائی مسئول اطلاعات ارتش عراق که در سال ۱۹۹۷ از این کشور فرار کرده و به مخالفان صدام پیوسته بود در کتاب خاطرات خود به نام **ویرانی دروازه شرقی**، چگونگی آزادسازی خرمشهر توسط رزمندگان قهرمان ایران و ناکامی ارتش بعث عراق در حفظ آن به عنوان مهمترین نقطه اشغالی را شرح داده است:

سومین مرحله جنگ طولانی‌ترین و شدیدترین و سخت‌ترین مراحل جنگ برای عراق بود،

اطلاعاتی درباره حرکت سریع نیروهای ایرانی از محور شرق میسان به طرف جنوب اهواز و آرایش گرفتن این نیروها به طور اساسی در شرق رود کارون به دست ما رسید. ما هم عملیات گشتی شناسائی و عکس برداری هوایی، با استفاده از هواپیمای میگ ۲۵ از ارتفاع ۲۱ کیلومتری را افزایش دادیم، تا از موشک‌های زمین به هوای ساخت آمریکا که دارای ۱۸ کیلومتر برد بودند، در امان باشند. سرعت این هواپیماها در چنین ارتفاعی بالغ بر دو هزار کیلومتر در ساعت است. و هواپیماهای ایرانی قادر به تعقیب آنها نبودند. ما هر روز نشانه‌ها و دلائلی دریافت می‌کردیم که نه تنها بیانگر انگیزه انجام حمله بود، بلکه ما را در تحلیل صحیح و دقیق از محورها و مراحل حمله و چگونگی گسترش نیروها راهنمایی می‌کرد. پیگیری تحرکات نیروهای منظم، یعنی ارتش ایران بسیار آسان بود، زیرا یگان‌ها معمولاً از روش مشخصی و تا آنجا که می‌شد از خودروهای نظامی برای جابجائی استفاده می‌کردند و از ابزار مخابراتی و همچنین فعالیت‌های ستادی به صورت گسترده‌ای بهره‌برداری به عمل می‌آوردند. این در حالی بود که دستیابی به اطلاعات

درباره تحرکات نیروهای سپاه پاسداران، با دشواری و پیچیدگی همراه بود. زیرا این نیروها در تحرکاتشان، از خودروهای غیر نظامی و دیگر وسائل استفاده می‌کردند؛ کار جابجائی با سرعت زیاد همراه بود و آمادگی یک لشکر سپاه با حدود پنج‌هزار رزمنده در جبهه، مستلزم اقدامات اداری زیادی نبود. ما در موارد متعددی از طریق نیروهای منظم (ارتش) و یا دیگر راه‌های ویژه خودمان، اطلاعاتی را بدست می‌آوردیم و به سرعت می‌توانستیم روش‌های سپاه در حمله‌ها و محورهای عملیاتی آنها را شناسائی کنیم.

بار دیگر تعداد زیادی از نیروهای زرهی و پیاده و توپخانه و موشکی ایران در منطقه شرق بصره (خرمشهر) آرایش پیدا کردند و ما کانون اصلی خطر را تشخیص دادیم. نیروهای ایرانی قصد داشتند دست به عملیات عبور اصلی از منطقه هالوب واقع در شمال دارخوین بزنند، و آنگاه حمله خود را به طرف شرق و به سوی محور جاده خرمشهر- اهواز گسترش دهند. سپس پیشروی خود را به طرف غرب یعنی به طرف مرزهای بین‌المللی ادامه دهند و محور دیگری در پشت نیروهای مدافع ما از شهر خرمشهر باز کنند.

در بازدیدهای مفصل از منطقه دریافتم که نیروهای ما در نقطه‌ای که قرار است ایرانی‌ها از آنجا عبور کنند، در فاصله پنج کیلومتری از کرانه غربی رود کارون دفاع می‌کنند. در گزارش‌هایم پیشنهاد کردم: «لازم است به یگان‌های مان دستور داده شود تا از کرانه غربی رود کارون، بصورت فاطح و کامل پاسداری به عمل آورند.» به دنبال ارائه این پیشنهاد، فرمانده کل نیروهای مسلح یک امریه مکتوب فوری که جمله فوق در آن نوشته شده بود، صادر کرد و خاطر نشان کرد که این دستور فرماندهی کل است. ولی فرماندهی سپاهی که مسئول اجرای این دستور بود، اقدامی

صورت نداد. دو طرف به آرایش نیرو و آماده سازی خود برای انجام نبردی که تا آن روز، بردگترین نبرد تاریخ بود، ادامه دادند.

گزارشهای مفصلی حاوی اطلاعات کافی راجع به آرایش، انگیزه‌ها، تحولات و آماده سازی نیروها در اختیار فرماندهی کل و فرماندهی سپاه-ها و نیروی هوایی قرار دادم. لشکر ۳ زرهی به فرماندهی سرتیپ ستاد جواد اسعد در جاده خرمشهر- اهواز استقرار پیدا کرد و به او دستور داده شد تا به محض آغاز عملیات عبور نیروهای ایرانی، سرپل‌های آنان را مورد حمله متقابل قرار دهد.

ما زمان و تاریخ آغاز حمله را ساعت ۱ بامداد روز ۳۰ آوریل ۱۹۸۲ پیش‌بینی کرده بودیم، یعنی ساعت ۱ بعد از نیمه شب، شامگاه ۳۰/۲۹ آوریل ۸۲، قرارگاه فرماندهی کل نیروهای مسلح که من نیز در مجموعه آن بودم به قرارگاه مقدم در دریه‌میمیه واقع در غرب بصره منتقل شد. در آنجا با حضور فرمانده سپاه سوم، سرلشکر ستاد صلاح القاضی که از اهالی شهرستان عانه از استان الأنبار بود، رئیس ستاد مشترک ارتش، سپهبد ستاد عبدالجبار خلیل شنیشل، مدیر اطلاعات نظامی و خود من جلسه‌ای تشکیل شد. در این جلسه مسائل حمله ایران مورد بحث قرار گرفت و صلاح القاضی به قرارگاه مقدم سپاه در کباشی واقع در شرق اروند رود و در وسط باغستانها نقل مکان کرد. ولی هیچ یک از ما نمی‌توانست به گمان خود راه دهد که او بنا به دستور صدام تیرباران خواهد شد.

پس از نیمه شب اطلاعات آشکاری دریافت کردیم که حاکی از آغاز عملیات عبور نیروهای نامنظم ایران(سپاه و بسیج) و ایجاد سرپل بود. خیلی زود این اطلاعات را در اختیار سپاه سوم قرار دادیم. ولی سرتیپ

ستاد جواد اسعد شیتنه فرمانده لشکر ۳ زرهی این اطلاعات را باور نکرد. مدیر اطلاعات نظامی شخصاً از طریق تلفن با او مذاکره کرد، ولی جواد اسعد پاسخ داد که چیزی مشاهده نکرده است. مدیر اطلاعات نظامی به او پاسخ داد که عملیات عبور ایرانی‌ها نه صد در صد بلکه یک میلیون در صد آغاز شده است. ولی فرمانده سپاه ۳ زرهی هیچ اقدامی نکرد تا اینکه ایرانی‌ها سر پل مستحکمی را ایجاد کردند و از آنجا حمله خود را به طرف مواضع مقدم این لشکر آغاز کردند. نیروهای خط مقدم این لشکر نیز بجای آنکه طرح از پیش تعیین شده را به اجرا بگذارند، اقدام به عقب نشینی کردند. جواد اسعد خیانت و یا تباہی نکرده بود، یک افسر ترسو هم نبود، ولی بدون داشتن دیده بان و یا شبکه ارتباطی خوب بر نظر شخصی خویش اصرار ورزید و دست به اقدام اشتباهی زد که قانوناً باید فرا خوانده می شد. به ویژه آنکه اقدام او موجب ایجاد یک شکاف خطرناک در دیواره دفاعی نیروهای ما گردید و جنگ را در وضعیت سختی قرار داد.

این اقدام نادرست وضعیت جبهه را به نفع نیروهای ایرانی تغییر داد و ایران توانست تعدادی از لشکرهای سپاه پاسداران و نیروهای پیاده و نیروهای ویژه زرهی خود را که به دنبال نبردهای دزفول-شوش از روحیه خوبی برخوردار بودند، در منطقه مستقر نماید. شلیک فشرده موشک‌های لونا نیز نتوانست هیچ نتیجه‌ای به بار آورد. و نیروهای ایرانی خود را به سد خاکی ادامه که وظیفه دفاع از عقبه خرمشهر را به عهده داشت، رساندند. این سد خاکی به خط مقدم و خط‌دناک نیروهای عراقی تبدیل شد. نیروهای ما بطرف مرزهای شرقی بصره عقب نشینی کردند. مرحله بعدی حمله، عبور از سد خاکی ادامه بود تا شهر خرمشهر کاملاً

به محاصره بیفتند. در اینجا لازم بود که فرمانده کل نیروهای مسلح دست به اقدامی بزند، ولی او از این کار ناتوان بود.

روز ۶ می ۱۹۸۲ میلادی برای بازدید از سد ادامه رفتیم، مشاهده کردم که سد دفاعی ما بسیار ضعیف است. چند زره پوش در دامنه پشت سد برای تأمین آتش مسلسل‌های سنگین مستقر شده بودند. بر فراز تعدادی از این زره‌پوشها رفتیم و دیدیم هیچ کنترلی روی سد وجود ندارد و استحکامات و موانع ایجاد شده، مثل سیم‌های خاردار و میدان‌های مین بسیار ضعیف هستند. یگانهای ناهمگون و تلفیق نامنظمی از نیروها نیز برای دفاع از این منطقه مهم، آرایش یافته بودند.

به بصره بازگشتم و نامه‌ای با امضای مدیر اطلاعات نظامی، خطاب به فرماندهی کل نیروهای مسلح تنظیم کردم و در آن نسبت به ضعف نیروهای دفاع کننده از شهر خرمشهر هشدار دادم. مرا به قرارگاه شعبه حزب بعث در بصره فرا خواندند، در آنجا اعضای فرماندهی کل تشکیل جلسه داده بودند. فرمانده لشکر ۱۱ پیاده که وظیفه دفاع از اطراف خرمشهر را به عهده داشت، یعنی سرتیپ ستاد سعید محمد فتحی فرمانده فعلی گارد مرزی نیز به این جلسه فرا خوانده شده بود. بحث بین من و او درباره پایین بودن سطح استحکامات آغاز شد. او با نظر من مخالفت ورزید و گفت: استحکامات آنجا قوی و نفوذ ناپذیر است و سرهنگ دوم ستاد و فیک سامرایی برای بازدید از مناطق این لشکر، باید از قرارگاه لشکر عبور می‌کرد. با وجود اینکه او از این جهت که از قرارگاه عبور نکرده بودم حق داشت، ولی در بحبوحه یک جنگ دشوار، رعایت قراردادهای در توان من نبود. مدیر اطلاعات نظامی در جمع فرماندهان چنین گفت: امیدوارم که نظر سرهنگ دوم ستاد و فیک سامرایی درست نباشد.

چند روز بعد از این جلسه، در دفتر مدیر شبکه اطلاعات منطقه جنوبی در بصره، با رئیس ستاد مشترک ارتش و مدیر کل اطلاعات نظامی ملاقات نمودم.

رئیس ستاد مشترک ارتش از من خواست دیدگاه‌هایم را راجع به وضعیت دفاعی خرمشهر توضیح دهم. من گفتم: حتی نیم ساعت هم تاب مقاومت نداریم. زیرا وضعیت دفاعی ما آنجا ضعیف است. او از سخنان من آزرده خاطر شد و گفت: پس چه کار باید انجام دهیم؟ هنوز چند روزی نگذشته بود که همین دو نفر بار دیگر، صبح هنگام به همین محل آمدند و معلوم شد که سرتاسر شب گذشته را نخوابیده‌اند. شنیشل گفت: وفیق، چیزی نمانده بود که دیروز در پی حمله به دیواره دفاعی خرمشهر، همه چیز تمام شود. من گفتم: این حمله یک حرکت برای محک زدن بود، نه یک حمله واقعی!

ساعت ۱۰ شب ۲۴/۲۳ می ۱۹۸۲ در فضای باز حوالی سد ادامه مستقر شدم. این سد با آغاز حمله ایرانی‌ها، اساسی‌ترین خط دفاعی خرمشهر بود. شاهد تیراندازی‌های متقابل بودم. هنوز چیزی از شب نگذشته بود که تیر اندازی‌ها قطع شد. یقین کردم که مقاومت مدافعان در هم شکسته است و نیروهای ایرانی دیواره دیواره دفاعی شد را در هم شکسته‌اند و تا رسیدن به اروندرود، به پیشروی خود ادامه می‌دهند. خرمشهر و اطراف آن و نیروهای دفاع کننده به محاصره افتادند. صدها نفر از افسران و سربازان مجبور شدند خود را به درون اروندرود بیفکنند. عرض این رودخانه بیش از ۶۰۰ متر بود. سربازان برای نجات از اسارت و رسیدن به کرانه دیگر، خود را به رودخانه انداختند و تعداد زیادی از آنها در مرکز رودخانه غرق شدند و به هلاکت رسیدند.

هنگامی که این خبر به صدام رسید، به لشکر ۷ پیاده به فرماندهی سرلشکر ستاد میسر ابراهیم الجبوری که در آن هنگام سرتیپ ستاد بود دستور داد محاصره شهر را در هم بشکند و نیروها را مستقر کند، و گر نه او اعضای ستاد لشکر، همگی اعدام خواهند شد. با توجه به موازنه قوای موجود و وضعیت روحی نیروها، این خواسته غیر ممکن بود.

لشکر ۷ در دستیابی به هرگونه پیشروی ناکام ماند و برای اولین بار صدام در اجرای حکم اعدام در صحنه جنگ تردید به خود راه داد و در اعدام فرمانده این لشکر، یعنی سرلشکر ستاد صالح القاضی، فرمانده لشکر ۳ زرهی، سرتیپ ستاد جواد اسعد شیتنه، سرتیپ نزار النقشبندی و سرهنگ عبدالهادی از تیپ ۴۱۲ پیاده درنگ نمود. این عملیات که ایران آن را بیت المقدس نام نهاد به پایان رسید و ایران، خرمشهر را که [امام] خمینی آن را خونین شهر یعنی شهر خون و صدام آن را خاکریز بصره می خواند، باز پس گرفت.^{۳۰}

^{۳۰} ویرانی دروازه شرقی، سرلشکر و فقیع السامرائی، مترجم عدنان قارونی، صص ۹۲-۹۸

منابع و مأخذ

کتابها:

- ۱ - انصاری - مهدی، درودیان - محمد، نخعی - هادی، خرمشهر در جنگ طولانی، مرکز اسناد دفاع مقدس، چاپ سوم ۱۳۷۸
- ۲ - خلفی - یاسر، دو هزار سال تاریخ خرمشهر، از خاراکس تا برآمدن آلبوچاسب، انتشارات اثرآفرین، چاپ اول ۱۳۹۴
- ۳ - سامرائی - وفیق، ویرانی دروازه شرقی، مترجم عدنان قارونی، مرمر اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، چاپ هفتم ۱۳۹۳
- ۴ - سترانک - ویلیام تئودور، حکومت شیخ خزعل بن جابر و سرکوب شیخ- نشین خوزستان، مترجم صفاءالدین تبرائیان، مؤسسه تاریخ معاصر ایران، چاپ سوم ۱۳۸۵
- ۵ - صداوی - علیرضا، تاریخ بنی کعب و ماجرای شیخ خزعل، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی آفرینه، چاپ اول ۱۳۷۹
- ۶ - فانی - کامران، جنگ‌های جهانی اول و دوم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷
- ۷ - قیم - عبدالنبی، فراز و فرود شیخ خزعل، انتشارات کتاب آمه، چاپ اول ۱۳۹۲
- ۸ - قیم - عبدالنبی، پانصد سال تاریخ خوزستان، نشر اختران، چاپ دوم ۱۳۹۳
- ۹ - گرانت واتسن، رابرت، تاریخ ایران از ابتدای قرن نوزدهم تا سال ۱۸۵۸، ترجمه ع. وحید مازندرانی، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم ۱۳۵۶

۱۰- لسان الملک سپهر- محمد تقی، ناسخ التواریخ، به اهتمام جمشید کیانفر
انتشارات اساطیر، چاپ ۱۳۳۰

۱۱- مشیرالدوله- میرزا جعفر خان، تحقیقات سرحدیه (رساله سرحدیه)، نسخه
خطی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نشر اینترنتی

۱۲- هنت- کپتن، جنگ انگلیس و ایران در سال ۱۲۷۳ هجری قمری، مترجم
حسین سعادت نوری، خرداد ۱۳۲۷

۱۳- یکتا- حسین، روزشمار جنگ ایران و عراق- زمینه‌سازی، کتاب دوم-
بحران در خوزستان، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ دوم ۱۳۸۷

مجلات و روزنامه‌ها

۱- روزنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۲۷، تاریخ ۳۱ تیر ۱۳۵۸

۲- فصلنامه بررسی‌های نظامی شماره ۱۱- معاونت اطلاعات نیروی زمینی
سپاه

۳- ماهنامه راه‌نما، مطالعات بین‌المللی تروریسم، سال دوم، شماره هشتم،
شهریور ۱۳۹۱

۴- ماهنامه زمانه، شماره ۱۲، شهریور ۱۳۸۲

۵- هفته‌نامه بامشاد، شماره ۲، از ۲۳ تا ۳۰ تیر ۱۳۵۸

سایت‌ها و پایگاه‌های خبری

۱ - خبرگزاری فارس

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8904020545>

۲- دانشنامه جنگ ایران و عراق <http://wikiwar.blogfa.com>

۳ - پایگاه جامع تاریخ معاصر

<http://bcir.pchi.ir/show.php?page=contents&id=9783>

۴ - سامانه اطلاع‌رسانی پرتال امام خمینی (س)

www.imam-khomeini.ir/fa/ صحیفه امام خمینی

۵ - سایت خبری - تحلیلی تابناک

<http://www.tabnak.ir/fa/news/246157>

۶ - همشهری آنلاین

<http://hamshahrionline.ir/details/209379>